حمايت از توحيد

(ترجمه‌ی کتاب: حراسة التوحيد)

**تأليف:**

**شیخ عبدالعزيز بن باز** :

**ترجمه:**

**اسحاق دبیری** :

****

**إسحاق بن عبدالله العوضي، 1428ه‍**

**فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر**

عبد العزيز بن عبدالله بن باز

حمايت از توحيد: حراسة التوحيد. / عبد العزيز بن عبدالله بن باز؛ إسحاق بن عبدالله العوضي. – الرياض، 1430ه‍

16.5×24سم

ردمك: 8-900-58-9960-978

(النص باللغة الفارسية)

1- العقيدة الإسلامية 2- التوحيد 3- الكتب-ترجمة-السعودية

أ. العوضي، إسحاق عبدالله محمد الدبيري (مترجم) ب- العنوان

ديوي 240 7767/ 1428

**شناسنامه كتاب**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام کتاب:** |  | **حمايت از توحيد** |
| **تأليف:** |  | **شيخ عبدالعزيز بن باز**: |
| **ترجمه:** |  | **اسحاق دبیری**: |
| **سال چاپ:** |  | **1393 ه‍. ش / 1435 ه‍. ق** |
| **نوبت چاپ:** |  | **دوم** |
| **سایت های مفید:** |  | [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)  www.islamhouse.com  [www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)  [www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)  [www.islamtxt.net](http://www.islamtxt.net)  www.mowahedin.com |
|  |  |  |



بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[عقیده صحیح و آنچه با آن منافات دارد 3](#_Toc384295620)

[کمک خواستن از غیر الله و تصدیق کاهنان و فال‌گیران 23](#_Toc384295621)

[رساله اول: حکم کمک خواستن از پیامبر ص 24](#_Toc384295622)

[رساله دوم: حکم کمک خواستن از جن و شیاطین و نذر کردن برای آنها 33](#_Toc384295623)

[رساله سوم: حکم تعبد با اوراد شرک‌آمیز و ساخته اهل بدعت 44](#_Toc384295624)

[پرهیز از بدعت‌ها 59](#_Toc384295625)

[رساله اول: حکم جشن گرفتن برای میلاد پیامبر ص و غیره 59](#_Toc384295626)

[رساله دوم: جشن گرفتن در شب اسراء و معراج 64](#_Toc384295627)

[رساله سوم: حکم جشن گرفتن شب نیمه شعبان 67](#_Toc384295628)

[رساله چهارم: تذکری مهم در مورد دروغ بودن وصیت‌نامه‌ای که به شیخ احمد خادم حرمین شریف نبوی نسبت داده می‌شود 75](#_Toc384295629)

[جادو و غیب گویی 85](#_Toc384295630)

[پرهیز از ساختن مسجد بر قبرها 95](#_Toc384295631)

[دفن کردن مرده‌ها در مساجد 99](#_Toc384295632)

[بیان کفر و گمراهی کسی که ادعا می‌كند بیرون رفتن از   
شریعت محمد **ص** جایز است 101](#_Toc384295633)

[پرسش‌هایی در مورد عقیده و پاسخ به آن 109](#_Toc384295634)

[سوال اول: در مورد مخالفت‌های شرعی 109](#_Toc384295635)

[سوال دوم: در مورد توسل 116](#_Toc384295636)

[سوال سوم: معنی لا إله إلا الله چیست؟و مقتضي و شروط آن چه مي‌باشد؟ 119](#_Toc384295637)

[سوال چهارم: در مورد توحید الوهیت 125](#_Toc384295638)

[سوال پنجم: لطفاً در مورد وابسته شدن به اولیا و عبادت آنها توضیح دهید 129](#_Toc384295639)

[سوال ششم: بدون استفاده از وسيله‌هاى حمل و نقل 131](#_Toc384295640)

[سوال هفتم: آیا درود فاتح همان درود بر پیامبر است یا نه؟ 132](#_Toc384295641)

[سوال هشتم: در مورد پیری در سودان 135](#_Toc384295642)

[سوال نهم: آیا قرآن خواندن برای مرده در کنار قبرش یا جای دیگر به   
مرده فایده‌ای می‌رساند؟ 137](#_Toc384295643)

عقیده صحیح و آنچه با آن منافات دارد

الحمد لله والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وصحبه، أما بعد:

از آنجا که عقیده صحیح اساس دین اسلام و اساس المله(پايه ملت) است، مناسب دیدم سخنرانی را به این موضوع اختصاص بدهم.

با توجه به دلایل قرآن و سنت واضح است که گفتار و کردار انسان زمانی پذیرفته می‌شود که از عقیده صحیح نشأت گرفته باشد، و اگر عقیده درست نباشد همه کارها و گفته‌هایی که بر اساس آن انجام می‌شوند باطل خواهند بود، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﮊ [المائدة: ٥] «و كسى كه انكار كند آنچه را بايد به آن ايمان بياورد، اعمال او تباه مى‏گردد؛ و در سراى ديگر، از زيانكاران خواهد بود».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ [الزمر: ٦٥] «به تو و همه پيامبران پيشين وحى شده كه اگر مشرك شوى، تمام اعمالت تباه مى‏شود و از زيانكاران خواهى بود».

آیات زیادی در این خصوص آمده است و كتاب واضح خداوند و سنت رسول امانتدارش ص بیان می‌دارد که عقیده صحیح در این‌ها خلاصه می‌شود:

ایمان داشتن به الله، و ملائکه‌ها، و ایمان داشتن به کتاب‌های الله، و پیامبرانش، و ایمان داشتن به روز قیامت، و ایمان داشتن به اینکه خیر و شر بر اساس تقدیر الهی است.

این امور شش‌گانه اساس عقیده صحیح هستند که خداوند قرآن كريم را براي آن نازل، و پیامبرش محمد را با آن فرستاده است، و همه امور غیبی که ایمان آوردن به آن لازم است، و همه آنچه خداوند و پیامبرش ص از آن خبر داده‌اند بر آمده از این اصول مذکور می‌باشند، و دلایل بسیار زیادی در کتاب و سنت برای این اصول شش‌گانه بیان شده است، از آن جمله اینکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣﮊ [البقرة: ١٧٧] «نيكى، (تنها) اين نيست كه (به هنگام نماز،) روى خود را به سوى مشرق و (يا) مغرب كنيد؛ بلكه نيكى (و نيكوكار) كسى است كه به خدا، و روز رستاخيز، و فرشتگان، و كتاب (آسمانى)، و پيامبران، ايمان آورده».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮊ [البقرة: ٢٨٥] «پيامبر، به آنچه از سوى پروردگارش بر او نازل شده، ايمان آورده است. و همه مؤمنان (نيز)، به خدا و فرشتگان او و كتابها و فرستادگانش، ايمان آورده‏اند».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮊ [النساء: ١٣٦] «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! به خدا و پيامبرش، و كتابى كه بر او نازل كرده، و كتب (آسمانى) كه پيش از اين فرستاده است، ايمان (واقعى) بياوريد كسى كه خدا و فرشتگان او و كتابها و پيامبرانش و روز واپسين را انكار كند، در گمراهى دور و درازى افتاده است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﮊ [الحج: ٧٠] «آيا نمى‏دانستى خداوند آنچه را در آسمان و زمين است مى‏داند؟! همه اينها در كتابى ثبت است (همان كتاب علم بى‏پايان پروردگار)؛ و اين بر خداوند آسان است».

و احادیث صحیحی که بر این اصول دلالت می‌نمايند بسیار زیادند، از آن جمله حدیث صحیح معروفی است که مسلم در صحیحش از عمر بن خطاب روایت می‌كند: جبرئیل از پیامبر ص در مورد ایمان پرسیدند، پیامبر ص در جواب به او گفتند: (ايمان يعنی اينكه خداوند و ملائکه‌های او و کتابها و پیامبرانش و روز قیامت و ايمان داشتن به اينكه خير و شر بر اساس تقدير الهي است) و با اندکی تفاوت شیخین از ابو هریره نیز همین حدیث را روایت كرده‌اند.

هر آنچه یک مسلمان در مورد خداوند و امور آخرت باید به آن اعتقاد داشته باشد و دیگر امور غیب از همین اصول شش‌گانه بر می‌آيند.

و از جمله مطالب **ایمان داشتن به خدا** این است که باور داشته باشیم که خداوند تنها معبودی است که سزاوار عبادت است، و غیر از او هیچ چیز دیگر مستحق پرستش نیست، و فقط خداوند معبود به حق است، زیرا او آفریننده بندگان است، و به آنها احسان می‌نمايد، و به آنان روزی می‌بخشد، و از رازهای درون و ظاهرشان آگاه است، و اوست که به بندگان فرمانبردار، پاداش می‌دهد، و گناهکاران را سزا می‌دهد.

و به خاطر همین عبادت است که جن‌ها و انسان‌ها را آفریده، و آنها را به این امر کرده چنان که می‌فرمايد: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﮊ [الذاريات: ٥٦] «من جن و انس را نيافريدم جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)».

ومی‌فرمايد: ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮊ [البقرة: ٢١] «اى مردم! پروردگار خود را پرستش كنيد؛ آن كس كه شما، و كسانى را كه پيش از شما بودند آفريد، تا پرهيزكار شويد».

خداوند پیامبران را مبعوث داشته و کتاب‌ها را نازل فرموده تا همین حقیقت را بیان کنند، و به سوی آن دعوت دهند، و از آنچه با آن منافات دارد بر حذر دارند، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﮊ [النحل: ٣٦]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد!».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﮊ [الأنبياء: ٢٥] «ما پيش از تو هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: معبودى بحق جز من نيست؛ پس تنها مرا پرستش كنيد».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮊ [هود: ١]. «الر، اين كتابى است كه آياتش استحكام يافته؛ سپس تشريح شده و از نزد خداوند حكيم و آگاه (نازل گرديده) است».

و **حقیقت این عبادت** عبارت است از اینکه همه عبادت‌ها از قبیل دعا و به فریاد خواندن، و ترس و امید و نماز و روزه و ذبح و نذر و دیگر انواع عبادات فقط برای خداوند عز وجل انجام داده شوند، و ضمناً باید این عبادات با فروتنی و امید و هراس و با کمال محبت براي خداوند سبحان، و كوچك شدن در مقابل عظمتش انجام داده شوند، و اغلب قرآن کریم در خصوص بیان این اصل بزرگ نازل شده است، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [الزمر: ٢-٣]. «ما اين كتاب را بحق بر تو نازل كرديم؛ پس خدا را پرستش كن و دين خود را براى او خالص گردان. آگاه باشيد كه دين خالص از آن خداست».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮊ [الإسراء: ٢٣] «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستيد».

و می‌فرمايد: ﮋ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﮊ [غافر: ١٤]. «(تنها) خدا را بخوانيد و دين خود را براى او خالص كنيد، هرچند كافران ناخشنود باشند».

و در صحیحین از معاذ روایت شده که پیامبر ص فرمودند: (حق خداوند بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را شریک او نسازند).

و از جمله ایمان به خدا این است که به همه آنچه خداوند بر بندگان فرض و واجب نموده از قبیل ارکان پنج گانه ظاهري كه عبارتند از: گواهی دادن به اینکه هیچ معبود به حقی جز الله نیست، و محمد ص پیامبر خداست، بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه گرفتن ماه رمضان، انجام مناسک حج برای کسانی که توانایی دارند. و دیگر فرائضی که شریعت مطهر آن را بیان کرده است، مهم‌ترين و بزرگترین رکن از این ارکان گواهی دادن به اینکه هیچ معبود به حقی جز الله نیست و محمد ص فرستاده خداست (لا إله إلا الله محمد رسول الله) می‌باشد. لا إله إلا الله: اقتضا می‌كند که عبادت فقط باید برای خدا انجام شود، و این کلمه، حق پرستش شدن دیگران را نفی می‌كند، و اين همان معناي لا إله إلا الله است. پس معنی لا إله إلا الله، یعنی هیچ معبود به حقی جز الله نیست، آنچه از قبیل انسان و فرشته و جن و غیره که علاوه بر خدا مورد پرستش قرار می‌گيرند همه معبودانی باطل می‌باشند، و معبود به حق تنها خداوند است چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﮊ [الحج: 62]. «اين بخاطر آن است كه خداوند حق است؛ و آنچه را غير از او مى‏خوانند باطل است».

و پیشتر بیان شد که خداوند انسانها و جن‌ها را به خاطر این اصل مهم آفریده، و آنان را به این کار فرمان داده است، و پیامبرانش را با این پیام فرستاده، و کتاب‌هایش را با این حقیقت نازل کرده است، بنابراین در این قضیه خوب تأمل كن و بسيار بينديش تا براي تو واضح شود که بیشتر مسلمین در جهل عظيم نسبت به اين اصل مهم واقع شده‌اند، از این رو چیزهای دیگری را همراه الله پرستش می‌كنند، و آنچه که حق خالص خداوند است برای دیگران قرار می‌دهند. فالله المستعان.

و از آن جمله ایمان به خداونداین است که باور داشته باشیم که خداوند آفریننده جهان است، و امور جهانیان را سامان می‌دهد و تدبیر می‌نمايد، و آنگونه که می‌خواهد بر اساس علم و قدرت خویش در جهانیان تصرف می‌نمايد، و او صاحب و مالک دنیا و آخرت و پروردگار تمام جهانیان است، و آفریننده‌ای جز او نیست، و پروردگاری غیر از او وجود ندارد، و او پیامبران را فرستاده و کتاب‌ها را نازل کرده تا بوسیله آن بندگان اصلاح شوند، و پیامبران آنها را به سوی آنچه مایه نجات آنها در هر دو جهان است دعوت دهند، و اينكه براي خداوند سبحان در همه‌ي اين موارد شريكي وجود ندارد، و می‌فرمايد: ﮋ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ [الزمر: ٦٢] «خداوند آفريدگار همه چيز است و حافظ و ناظر بر همه اشيا است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮊ [الأعراف: ٥٤] «پروردگار شما، خداوندى است كه آسمانها و زمين را در شش روز آفريد؛ و آن‌گاه بر عرش استقرار یافت. با (پرده تاريك) شب، روز را مى‌پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حركت است؛ و خورشيد و ماه و ستارگان را آفريد، كه مسخر فرمان او هستند. آگاه باشيد كه آفرينش و تدبير (جهان)، از آن او (و به فرمان او)ست! پر بركت است خداوندى كه پروردگار جهانيان است».

و همچنین از جمله ایمان داشتن به خدا، ایمان داشتن به نامهای نیکوی او و صفات والایش است، اسماء و صفاتی که در کتاب خداوند ذکر شده‌اند، و پیامبر ص آنها را بیان کرده است، باید به این نامها و صفات خداوندی ایمان داشت، بدون آن که آنها را تحريف و نفي، و کیفیت صفات او را بیان کنیم، یا او را تشبیه کنیم، بلکه باید همانطور که آمده‌اند از روي آن گذشته و کیفیت را بیان نکنیم، و از طرفی به معانی بزرگ و مهم این صفات که اوصاف خداوند عز وجل هستند ایمان داشته باشیم، زیرا اینها اوصاف خداوند هستند که باید او تعالی را آنگونه که سزاوار اوست بدون آنکه در چيزی از صفاتش با آفريده‌هايش مشابهتی داشته باشد به این اوصاف توصیف کنیم. چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﮊ [الشورى: ١١]. «هيچ چيز همانند او نيست و او شنوا و بيناست».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﮊ [النحل: ٧٤]. «پس، براى خدا امثال (و شبيه‏ها) قائل نشويد! خدا مى‏داند، و شما نمى‏دانيد».

این عقیده اهل سنت یعنی اصحاب رسول خدا و پیروانش می‌باشد، و امام ابوالحسن اشعری در کتابش (المقالات) می‌گويد: عقیده اهل حدیث و اهل سنت در مورد صفات همین است، و بسیاری دیگر از علماء و اهل ایمان این را گفته‌اند.

اوزاعی می‌گويد: زهری و مکحول در مورد آیات صفات پرسیده شدند آنها گفتند: همانطور که آمده‌اند از آن عبور كنيد، و ولید بن مسلم : می‌گويد: مالک و اوزاعی و لیث بن سعد و سفیان ثوری رحمهم الله در مورد احادیثی که در مورد صفات آمده‌اند پرسیده شدند، همه گفتند: همانطور که آمده‌اند از آن بگذريد و بدون آنکه برای صفات کیفیت بیان کنید، و اوزاعی : می‌گويد ما ـ در حالیکه تابعین به وفور وجود داشتند ـ می‌گفتیم خداوند بالای عرش خود است، و به صفاتی که در سنت آمده باور داشتیم، و وقتی ربیعه بن ابی عبد الرحمن استاد مالک : در مورد استواء پرسیده شد، گفت: استواء معلوم است و کیفیت آن را کسی نمی‌داند و خداوند پیام می‌فرستد و پیامبر ص آنرا می‌رساند و ما باید آنرا تصدیق کنیم. و همچنین وقتی از امام مالک : در این مورد پرسیده شد، گفت: استواء معلوم است و کیفیت آن مشخص نیست و ایمان داشتن به آن واجب است و پرس و جو از آن بدعت است، سپس به پرسشگر گفت: تو مرد خوبی نیستی، و آنگاه فرمان داد و آن مرد را بیرون کردند، مطلبی با همین مفهوم از ام المؤمنین ام سلمه روایت شده است، و امام ابو عبد الرحمن عبدالله بن مبارک : می‌گويد: ما پروردگار خود را اینگونه می‌شناسيم که او بالای آسمانها بر عرش خود است، و از آفريده‌هايش جداست. و ائمه در این مورد سخنان بسیار زیادی گفته‌اند که همه را نمی‌توان در این سخنرانی ارائه داد، برای اطلاع بیشتر در این مورد به کتاب‌هایی که علمای اهل سنت در این خصوص نوشته‌اند مراجعه کنید، کتاب‌هایی همچون کتاب (السنة) اثر عبدالله فرزند امام احمد و (التوحید) امام محمد بن خزیمه، و کتاب (السنة) ابو القاسم اللالکائی الطبری، و کتاب (السنة) ابی بکر بن أبي عاصم، و پاسخ شیخ‌الإسلام ابن تیمیه به اهل (حمات) که بسیار مفید و مهم است، و ایشان در آن، عقیده اهل سنت را توضیح داده است و بسیاری از دلائل شرعی و عقلی را بر آنچه اهل سنت می‌گويند ذکر کرده، و دلایل زیادی در بطلان آنچه مخالفین اهل سنت می‌گويند ارائه داده است، و همچنین رساله شیخ الإسلام (التدمریة) نام دارد در آن عقیده اهل سنت به طور مشروح و مفصل با دلایل عقلی و نقلی بیان شده‌اند، و سخن مخالفین با دلیل رد شده است، و حق را در آن روشن كرده و باطل را در هم کوبیده است، اما کسانی از علماء از این کتاب بهره‌مند می‌شوند که با قصد نیک و اشتیاق به شناخت حق آنرا مورد مطالعه قرار دهند، و آنان که در مورد اسماء و صفات با عقیده اهل سنت مخالفت كرده‌اند در حقیقت به مخالفت دلایل عقلی و نقلی برخاسته و در آنچه اثبات و نفی می‌كنند دچار تناقض آشکار گشته‌اند. اما اهل سنت هر صفتی را که خداوند در قرآن برای خود اثبات نموده، یا پیامبرش محمد ص در سنت آن را برای خدا ذکر کرده است، می‌پذيرند و اثبات می‌نمايند، بدون آنکه خداوند را به چیزی تشبیه کنند، و اهل سنت خداوند را از مشابهت با آفريده‌هايش منزّه و پاک مى‌دانند، و صفات خداوند تعطیل و نفي نمی‌كنند، بنابراین اینگونه از گرفتار شدن به تناقض ایمن قرار گرفته، و به همه دلایل عمل كرده‌اند، و هر کسی که به حقی که خداوند پیامبرانش را با آن مبعوث نموده تمسک بجوید، و در این مورد تلاش کند و مخلصانه آن را بجوید، سنت الهی این است که چنین فردی را به رسیدن به حق موفق می‌نمايد، و دلیل و حجت او را چیره می‌گرداند، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮊ. [الأنبياء: ١٨]. «بلكه ما حق را بر سر باطل مى‏كوبيم تا آن را هلاك سازد؛ و اين گونه، باطل محو و نابود مى‏شود».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﮊ. [الفرقان: 33] «آنان هيچ مثلى براى تو نمى‏آورند مگر اينكه ما حق را براى تو مى‏آوريم، و تفسيرى بهتر (و پاسخى دندان شكن كه در برابر آن ناتوان شوند)». و حافظ ابن کثیر : پیرامون این آیه: ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮊ. [يونس:3] «پروردگار شما، خداوندى است كه آسمانها و زمين را در شش روز آفريد؛ و آن‌گاه بر عرش استقرار یافت». سخن بسیار خوبي دارند که جا دارد بخاطر نفع زيادش آنرا در اینجا نقل کنیم، ایشان : می‌گويند: مردم در این مورد گفتارهای بسیار زیادی دارند که در اینجا جایش نیست که به تفصیل ذکر شوند، و ما در اینجا فقط مذهب و شیوه سلف صالح: مالک و اوزاعی و ثوری و لیث بن سعد و شافعی و احمد و اسحاق بن راهویه و بقیه ائمه مسلمین در گذشته و حال را در پيش می‌گيريم، مذهب سلف این است که صفات خداوند همانطور که آمده‌اند از روي آن عبور شود، بدون آنکه کیفیت آن بیان شود، یا خداوند با چیزی تشبیه داده شود، و بدون آنکه صفاتش تعطیل و انکار گردند، و کسانی که تشبیه می‌كنند باید گفت مشابهت از خداوند نفی شده است، زیرا هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوای بیناست، بلکه حقیقت همان چیزی است که ائمه گفته‌اند، از آن جمله نعیم بن حماد الخزاعی استاد امام بخاری می‌گويد: هر کسی خداوند را با آفريده‌هايش تشبیه کند کفر ورزیده است، و هر کسی آنچه را که خداوند خود را بدان وصف نموده انکار کند کافر است، و صفاتی که خداوند برای خود بیان کرده و آنچه پیامبرش او را بدان توصیف نموده هیچ تشبیهی در آن نیست، پس هر کسی صفاتی را که در آیات صریح و روايات صحیح برای خداوند بیان شده به گونه‌اى که شایسته ذات خداوند است برای خدا اثبات کند، و کاستی‌ها و معایب را از او تعالی نفی نماید براستی راه هدایت را در پیش گرفته است. پایان کلام ابن کثیر.

و اما **ایمان داشتن به ملائکه** شامل ایمان اجمالی و تفصیلی می‌گردد، بنابراین مسلمان ایمان و باور دارد که براي خداوند فرشتگاني است كه آنها را برای عبادت و اطاعت خویش آفریده است، و خدازند آنها را چنین توصیف نموده که آنان: ﮋ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮊ. [الأنبياء: 26-28]. «(فرشتگان) بندگان شايسته اويند. هرگز در سخن بر او پيشى نمى‏گيرند؛ و (پيوسته) به فرمان او عمل مى‏كنند. او اعمال امروز و آينده و اعمال گذشته آنها را مى‏داند؛ و آنها جز براى كسى كه خدا راضى (به شفاعت براى او) است شفاعت نمى‏كنند؛ و از ترس او بيمناكند». و ملائکه اقسام زیادی هستند: برخی موظف به حمل عرش می‌باشند، و بعضی نگهبان بهشت و جهنم هستند، و برخی به ثبت اعمال بندگان موظف شده‌اند. و به صورت تفصیلی ما به ملائکه‌ای که خداوند و رسولش نام برده است همچون: جبرئیل و میکائیل و مالک مسؤول آتش جهنم و اسرافیل که به دمیدن در صور موظف است ایمان داریم، و در احادیث صحیح ملائکه ذکر شده‌اند، چنانکه عایشه ك را از پیامبر ص روایت می‌كند که گفتند: (ملائکه از نور آفریده شده‌اند، و جن‌ها از آتش آفریده شده‌اند، و آدم از آنچه برای شما گفته شده آفریده شده است). مسلم.

و همچنین **ایمان داشتن به کتاب‌های خدا** به طور اجمالی واجب است به این صورت که ایمان داشته باشیم که خداوند کتاب‌هایی بر پیامبرانش نازل فرموده است تا حقیقت را بیان دارند و به سوی حق دعوت دهند چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﮊ. [الحديد: 25]. «ما رسولان خود را با دلايل و معجزات روشن و شريعتهاى آشكار فرستاديم، و با آنها كتاب (آسمانى كه داراى احكام و شرايع است) و ميزان (شناسايى حق از باطل و قوانين عادلانه) نازل كرديم تا مردم قيام به عدالت كنند». ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮊ [البقرة: 213]. «مردم (در آغاز) يك دسته بودند؛ (و تضادى در ميان آنها وجود نداشت. بتدريج جوامع و طبقات پديد آمد و اختلافات و تضادهايى در ميان آنها پيدا شد، در اين حال) خداوند، پيامبران را برانگيخت؛ تا مردم را بشارت و بيم دهند و كتاب آسمانى، كه به سوى حق دعوت مى‏كرد، با آنها نازل نمود؛ تا در ميان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داورى كند». و به صورت تفصیلی به کتاب‌هایی که خداوند آن را نام برده است همچون: انجیل و زبور و قرآن ایمان داریم، و قرآن برترین و آخرین کتاب خداوند است که شامل کتاب‌های گذشته و تصدیق‌کننده آن است، و همه امت باید از آن پیروی نمایند، و قرآن و سنت صحیح پیامبر را در تمام امور حاکم و داور قرار دهند، چون که خداوند پیامبرش محمد ص را برای انسانها و جن‌ها مبعوث کرده است، و این قرآن را بر او نازل فرمود تا پیامبر بوسیله آن میان آنها حکم کند، و خداوند قرآن را شفا بخش بیماری‌های درونی قرار داده است، و در آن همه چیز بیان شده و مایه هدایت و رحمت برای مومنان است، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮊ. [الأنعام: 155]. «و اين كتابى است پر بركت، كه ما (بر تو) نازل كرديم؛ از آن پيروى كنيد، و پرهيزگارى پيشه نمائيد، باشد كه مورد رحمت (خدا) قرار گيريد!». و می‌فرمايد: ﮋﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [النحل: 89]. «و ما اين كتاب را بر تو نازل كرديم كه بيانگر همه چيز، و مايه هدايت و رحمت و بشارت براى مسلمانان است!». و می‌فرمايد: ﮋﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﮊ [الأعراف: 158]. «بگو: اى مردم! من فرستاده خدا به سوى همه شما هستم؛ همان خدايى كه حكومت آسمانها و زمين، از آن اوست؛ معبودى بحق جز او نيست؛ زنده مى‏كند و مى‏ميراند؛ پس ايمان بياوريد به خدا و فرستاده‏اش، آن پيامبر درس نخوانده‏اى كه به خدا و كلماتش ايمان دارد؛ و از او پيروى كنيد تا هدايت يابيد!». و آیات زیادی در این مورد آمده است.

و همچنین **ایمان داشتن به پیامبران** به صورت اجمالی و تفصیلی لازم است، بنابراین ما ایمان داریم که خداوند پیامبرانی را به سوی بندگانش فرستاده است آنها را مژده و بيم دهند، و آنان را بسوی حق دعوت نمايند، و هر کس دعوت آنها را بپذیرد رستگار شده است، و هر کسی با آنان مخالفت نموده دچار بدبختی و پشيماني می‌شود، و آخرین و برترین پیامبران، پیامبر ما محمد بن عبدالله ص است، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد!». و می‌فرمايد: ﮋ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮊ [النساء: 165]. «آنان پيامبرانى كه بشارت‏دهنده و بيم‏دهنده بودند، تا بعد از اين پيامبران، حجتى براى مردم بر خدا باقى نماند، (و بر همه اتمام حجت شود)». و می‌فرمايد: ﮋﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﮊ [الأحزاب:40]. «محمد (ص) پدر هيچ يك از مردان شما نبوده و نيست؛ ولى رسول خدا و ختم‏كننده و آخرين پيامبران است».

و هر پیامبری که خدا او را نام برده است، یا رسول اکرم ص او را ذکر نموده به صورت تفصیلی و مشخص به او ایمان داریم، پیامبرانی همچون: نوح و هود و صالح و ابراهیم و غیره که نام برده شده‌اند درود خداوند بر آنها و بر آل و پیروانش باد.

و در **ایمان داشتن به روز قیامت** همه آنچه خدا و پیامبرش از آن خبر داده که بعد از مرگ اتفاق می‌افتد، همچون عذاب قبر و نعمت آن، و سختی‌های روز قیامت و صراط و ترازو و حساب و جزاء و گشوده شدن نامه‌های اعمال پیش مردم که برخی نامه اعمال خود را با دست راست می‌گيرند، و بعضی با دست چپ می‌گيرند، یا از پشت سر به آنها داده می‌شود، و همچنین ایمان داشتن به حوض پیامبر ص و ایمان داشتن به بهشت و جهنم، و اینکه مؤمنان در روز قیامت پروردگارشان را می‌بينند، و با او تعالی سخن می‌گويند، و دیگر مطالبی که در قرآن و در حدیث صحیح پیامبر آمده است از زمره ایمان داشتن به قیامت است، و ایمان داشتن به همه این موارد واجب است، و همه باید به همان صورت که خدا و پیامبرش این موارد را ذکر كرده‌اند آنرا تصدیق نمایند.

**اما ایمان داشتن به تقدیر شامل چهار چیز است:**

**اول**: خداوند آنچه اتفاق افتاده و آنچه هنوز اتفاق نیافتاده را می‌داند، و حالت بندگانش و روزی و زمان مرگ و اعمال و دیگر کارهایش را می‌داند و هیچ چیز برای او پوشیده نیست، چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﮊ [الحج: 70]. «خداوند به همه چيز داناست». و می‌فرمايد: ﮋ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛﮊ [الطلاق: 12]. «تا بدانيد خداوند بر هر چيز تواناست، و اين كه علم خداوند به همه چيز احاطه دارد».

**دوم**: اینکه خداوند همه آنچه را که مقدر نموده نوشته است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴﮊ [ق: 4]. «ولى ما مى‏دانيم (بعد از اينكه مردند) زمين چه اندازه از بدن آنها (مى‏خورد) و مى‏كاهد؛ و نزد ما كتابى است كه آنچه بر آنها مى‏گذرد در دنيا و آخرت در آن محفوظ است! و تبديل و تغيير نمى‏كند، (و آن لوح المحفوظ است)». و می‌فرمايد: ﮋ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﮊ [الحج: 70]. «آيا نمى‏دانستى خداوند آنچه را در آسمان و زمين است مى‏داند؟! همه اينها در كتابى ثبت است (همان كتاب علم بى‏پايان پروردگار)؛ و اين بر خداوند آسان است».

**سوم**: اینکه به مشیئت و خواست نافذ خداوند ایمان داشته باشیم، پس هر آنچه او تعالی بخواهد انجام می‌پذيرد، و آنچه او نخواهد صورت نمی‌گيرد، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚﮊ [الحج: 18]. «خداوند هر كار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام مى‏دهد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳﮊ (يس: 82). «فرمان او چنين است كه هرگاه چيزى را اراده كند، تنها به آن مى‏گويد: «موجود باش!»، آن نيز بى‏درنگ موجود مى‏شود». و می‌فرمايد: ﮋ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﮊ [التكوير: 29]. «و شما اراده نمي‌كنيد مگر اين كه خداوند ـ پروردگار جهانيان ـ اراده كند و بخواهد».

**چهارم**: اینکه خداوند همه موجوت را آفریده است، و هیچ آفریننده‌ای بحق جز او نیست، چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮊ [الزمر: 62]. «خداوند آفريدگار همه چيز است و حافظ و ناظر بر همه اشيا است». و خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅﰆ ﰇ ﰈﮊ [فاطر: 3]. «اى مردم! به ياد آوريد نعمت خدا را بر شما؛ آيا آفريننده‏اى جز خدا هست كه شما را از آسمان و زمين روزى دهد؟! هيچ معبودى بحق جز او نيست؛ با اين حال چگونه به سوى باطل منحرف مى‏شويد؟».

بنابراین از دیدگاه اهل سنت و جماعت **ایمان داشتن به تقدیر** شامل این امور چهارگانه می‌باشد، بر خلاف اهل بدعت که بعضی از این امور را انکار كرده‌اند، و اعتقاد داشتن به اینکه ایمان عبارت است از: قول و عمل، و با طاعت افزایش می‌يابد، و با ارتکاب گناه کم می‌شود، جزء ایمان داشتن به خداست. و همچنین کافر قرار دادن هیچ مسلمانی به خاطر ارتکاب گناه همچون زنا و دزدی و ربا خواری و شراب خواری و نافرمانی پدر و مادر و دیگر گناهان کبیره جایز نیست، مگر اینکه او این گناهان را حلال و جایز بداند، و یا اینکه گناه او شرک باشد که در این صورت کافر می‌شود، زیرا خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮊ [النساء: 116]. «خداوند، شرك به او را نمى‏آمرزد؛ (ولى) كمتر از آن را براى هر كس بخواهد (و شايسته بداند) مى‏آمرزد».

و در حدیثی از پیامبر ص روایت است که فرمود: خداوند هرکسی را که به اندازه دانه خردلی ایمان در قلبش باشد از جهنم بیرون می‌آورد، و از جمله امور مربوط به ایمان داشتن به خدا دوست داشتن و نفرت داشتن براي خدا، و محبت داشتن و دشمني داشتن براي خداست، بنابراین مؤمن، مؤمنان را دوست می‌دارد، و با آنها محبت می‌نمايد و کافران را دوست نمی‌دارد، و با آنان دشنمی می‌ورزد، و در رأس مؤمنان این امت اصحاب رسول خدا ص قرار دارند، و اهل سنت و جماعت اصحاب را دوست می‌دارند، و معتقدند که آنها بعد از پیامبران بهترین انسانها هستند، چون پیامبر ص می‌فرمايد: (بهترین مردم کسانی هستند که در قرن من زندگی می‌كنند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آيند، و سپس کسانی که بعد آنها می‌آيند) و اهل سنت و جماعت معتقدند که افضل و برترین اصحاب به ترتیب: ابوبکر صدیق، سپس عمر فاروق، سپس عثمان ذی النورین، سپس علی مرتضی ن، و بعد از اینها بقیه عشره مبشره از دیگران افضل می‌باشند، سپس بقیه اصحاب قرار دارند.

و اهل سنت و جماعت از اختلافات و مشاجراتی که بین اصحاب رخ داده زبان خود را کنترل می‌كنند، و معتقدند که آنها بر اساس اجتهاد این کارها را كرده‌اند، هر کسی که اجتهاد او درست و به جا بوده است دو پاداش دارد، و هر کسی اجتهاد او نادرست بوده است فقط یک پاداش به او می‌رسد، و اهل بیت پیامبر ص را که به او ایمان آورده‌اند دوست می‌دارند، و همسران پیامبر ص را که مادران مؤمنان هستند، دوست دارند، و از همه به نیکی یاد می‌نمايند، و دعا می‌كنند که خداوند از آنها راضی باد، و از شیوه رافضه که با اصحاب پیامبر ص دشمنی می‌ورزند و به آنها ناسزا می‌گويند و در مورد اهل بیت غلو و مبالغه می‌كنند و آنها را فراتر از جایگاهی قرار می‌دهند که خداوند آنها را در آن قرار داده است اعلام برائت نموده و از این شیوه بیزارند، و همچنین اهل سنت و جماعت از شیوه نواصب که با قول و عمل به اهل بیت آزار می رسانند اعلام برائت نموده و بیزاری می‌جویند.

و همه آنچه در اینجا به اختصار بیان شد در عقیده صحیحی که خداوند پیامبرش محمد ص را با آن فرستاده داخل است، و این عقیده فرقه ناجیه یعنی اهل سنت و جماعت است، گروهی که پیامبر ص در مورد آن می‌فرمايد: (همواره گروهی از امت من بر حق پیروزند هر کسی آنها را تنها بگذارد و خوار نماید به آنان زیانی نمی‌رسد تا اینکه فرمان الهی می‌آید). و ایشان ص می‌فرمايد: (یهودیان به هفتاد و یک گروه تقسیم شدند، و نصاری به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند، و این امت به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهد شد که همه این گروهها به جهنم می‌روند به جزء یک گروه، اصحاب گفتند: آن یک گروه کدام است ای پیامبر خدا؟ فرمود: کسی که بر آنچه باشد که من و اصحابم بر آن باشیم). و این عقيده‌اى است که تمسک به آن واجب است، و باید بر آن استقامت کرد، و از آنچه با آن منافات دارد پرهیز نمود.

اما کسانی که از این عقیده منحرف شده‌اند و بر خلاف آن حرکت نموده‌اند انواع و اقسام زیادی هستند. از جمله مخالفان این عقیده بت پرستان و کسانی هستند که ملائکه و اولیاء و جن‌ها و درختان و سنگ‌ها و غیره را پرستش می‌كنند، اینها دعوت پیامبران را نپذيرفته‌اند، بلکه با آنها مخالفت و معاندت كرده‌اند، چنانکه قریش و اقشار عرب با پیامبر ص مخالفت و معاندت نمودند، آنها از معبودان خود حاجت می‌خواستند و از معبودان خود می‌خواستند که بیماران را شفا دهد، و آنها را در مقابل دشمن پیروز کند، و برای معبود خود حیوان قربانی نموده و برایشان نذر می‌كردند، وقتی پیامبر ص به این کار آنها اعتراض نمود و آنان را فرمان داد که عبادت را فقط برای خدا انجام دهند تعجب کردند و نپذیرفتند، و گفتند: ﮋ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ [ص: 5]. «آيا او بجاى اينهمه خدايان، خداى واحدى قرار داده؟! اين براستى چيز عجيبى است!». اما پیامبر ص همچنان آنها را به سوی خدا دعوت می‌كرد و آنان را از شرک ورزیدن بر حذر می‌داشت و حقیقت آنچه را که آنها را بسوی آن فرا می‌خواند برایشان توضیح می‌داد تا اینکه خداوند کسانی از آنها را هدایت کرد، سپس بعد از آن گروه گروه وارد دین خدا شدند، و بعد از دعوتی پیوسته و مستمر و جهاد طولانی پیامبر و یارانش و پیروان آنها، خداوند دین خود را بر همه ادیان چیره گردانید.

سپس اوضاع تغییر یافت و جهالت بر بیشتر مردم غالب گردید تا جاییکه بیشتر مردم با غلو در مورد پیامبران و اولیا و به فریاد خواندن آنها و کمک خواستن از آنان و ارتکاب دیگر انواع شرک به دین جاهلیت بازگشتند و معنی لا إله إلا الله را آنگونه که کفار عرب می‌دانستند، ندانستند. و تا به امروزه همواره این شرک به علت غلبه جهل و دور شدن از زمان نبوت در حال گسترش است. و شبهه متاخرین همان شبهه گذشتگان است آنها می‌گفتند: ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮊ [يونس: 18]. «و مى‏گويند: اينها شفيعان ما نزد خدا هستند!». و می‌گويند: ﮋ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ [الزمر: 3]. «اينها را نمى‏پرستيم مگر بخاطر اينكه ما را به خداوند نزديك كنند». و خداوند این شبهه را ابطال نموده و بیان کرده است که هر کسی غیر از خداوند کسی را پرستش نماید به خدا شرک ورزیده و به او تعالی کافر شده است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮊ [يونس: 18]. «آنها غير از خدا، چيزهايى را مى‏پرستند كه نه به آنان زيان مى‏رساند، و نه سودى مى‏بخشد؛ و مى‏گويند: اينها شفيعان ما نزد خدا هستند!». خداوند سخن آنها را رد می‌كند و می‌فرمايد: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﮊ [يونس: 18]. «بگو: آيا خدا را به چيزى خبر مى‏دهيد كه در آسمانها و زمين سراغ ندارد؟! منزه است او، و برتر است از آن همتايانى كه قرار مى‏دهند». خداوند در این آیه بیان می‌دارد که عبادت افرادی علاوه بر خداوند همچون پیامبران و اولیاء و دیگر چیزها شرک اکبر است گرچه انجام دهندگان آن اسمی دیگر بر آن بگذارند، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ [الزمر: 3]. «و آنها كه غير خدا را اولياى خود قرار دادند و دليلشان اين بود كه: «اينها را نمى‏پرستيم مگر بخاطر اينكه ما را به خداوند نزديك كنند». خداوند با رد سخنان آنها می‌فرمايد: ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮊ [الزمر: 3]. «خداوند روز قيامت ميان آنان در آنچه اختلاف داشتند داورى مى‏كند؛ خداوند آن كس را كه دروغگو و كفران‏كننده است هرگز هدايت نمى‏كند». پس خداوند با این توضیح بیان می‌دارد که پرستش غیر از خدا با به فریاد خواندن و ترس و امید داشتن و امثال آن کفر ورزیدن به خداوند است، و خداوند گفته آنها را که می‌گويند معبودانشان آنان را به خدا نزدیک می‌نمايد تکذیب می‌كند.

و از جمله عقاید کفرآمیزی که با عقیده صحیح منافات دارد و با آورده‌های پیامبرانﻹ مخالف است عقيده‌اى است که ملحدان این روزگار و پیروان مارکس و لینین و دیگر دعوتگران به الحاد و کفر بدان معتقدند و باور دارند، این عقیده با رهنمود پیامبران و با عقیده صحیح مخالفت و فرق می‌كند، هر اسمی که بر آن بگذارند: سوسیالیزم، کمونیسم یا بعث و...، یکی از اصول این ملحدان این است که می‌گويند معبودی وجود ندارد، منشاء حیات ماده است، و معاد و بهشت و جهنم را انکار می‌كند، و به همه ادیان کفر می‌ورند، هر کس کتابهایشان را مطالعه کند و عقیده آنها را بررسی نماید به یقین پی می‌برد که این عقیده با همه ادیان آسمانی مخالف است، و پیروانش را بسوی بدترین سرانجام در هر دو جهان سوق می‌دهد، و از جمله عقایدی که با عقیده حق مخالف است عقیده بعضی از صوفیان کسانی که آنها آنان را اولیاء می‌نامند در تدبیر جهان با خداوند مشارکت دارند، و صوفیان اینها قطب و وتد و غوث و دیگر نامهایی که برای معبودانشان ساخته و پرداخته‌اند، این بدترین شرک در ربوبیت است، و از شرک جاهلیت عرب بدتر است، چون کفار عرب در ربوبیت کفر نمی‌ورزند و بلکه فقط در عبادت شرک می‌ورزيدند، و شرک آنها در حالت آسایش و راحتی بود، اما در حالت سختی عبادت را خاص خدا می‌كردند، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲﮊ [العنكبوت: 65]. «هنگامى كه بر سوار بر كشتى شوند، خدا را با اخلاص مى‏خوانند (و غير او را فراموش مى‏كنند)؛ اما هنگامى كه خدا آنان را به خشكى رساند و نجات داد، باز مشرك مى‏شوند».

اما آنها اقرار می‌كردند که ربوبیت فقط از آن خداوند است، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﮊ [الزخرف: 87]. «و اگر از آنها بپرسى چه كسى آنان را آفريده، قطعا مى‏گويند: خدا». و می‌فرمايد: ﮋﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊ [يونس: 31]. «بگو: «چه كسى شما را از آسمان و زمين روزى مى‏دهد؟ يا چه كسى مالك (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه كسى زنده را از مرده، و مرده را از زنده بيرون مى‏آورد؟ و چه كسى امور (جهان) را تدبير مى‏كند؟» بزودى (در پاسخ) مى‏گويند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پيشه نمى‏كنيد (و از خدا نمى‏ترسيد)؟!».

و آیات زیادی در این مورد آمده است.

اما مشرکین که بعد از آنها آمده‌اند از دو جهت در شرک از آنها پیشی گرفته‌اند: یکی اینکه برخی از این مشرکین در ربوبیت شرک می‌ورزند.

دوم اینکه مشرکین این زمان هم در حالت سختی و هم در حالت آسایش شرک می‌ورند، چنانکه هر کسی با آنها اختلاط کند و اوضاع آنان را بررسی کند و آنچه در کنار قبر حسین و بدوی و غیره در مصر و در کنار قبر عیدروس در عدن، و در کنار قبر هادی در یمن و در کنار قبر ابن عربی در شام و در کنار قبر عبدالقادر گیلانی در عراق و در کنار دیگر قبرهای معروف انجام می‌دهند، ببیند متوجه می‌شود که اینها در هر حالت هم در سختی و هم در آسایش و در کنار این قبرها شرک می‌ورند، قبرهایی که عوام در مورد آن غلو کرده و بسیاری از حق خدا را به صاحب قبر اختصاص داده‌اند، و کمتر کسی به آنها اعتراض می‌كند و حقیقت توحید را که خداوند پیامبرش محمد ص و پیامبران پیش از ایشان را با آن فرستاده است برایشان بیان می‌دارد. ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ﴾.

از خداوند مسئلت می‌نماييم که آنها را هدایت نماید، و در میانشان دعوتگران به هدایت را زیاد کند، و به رهبران و علمای مسلمین توفیق دهد تا با این شرک مبارزه کنند، و آن، و وسيله‌هاى منجر به آن را از بین ببرند، به حق که او شنوای نزدیک است.

و از جمله عقایدی که در مورد اسما و صفات با عقیده صحیح منافات دارد عقیده اهل بدعت از قبیل جهمیه و معتزله و کسانی است که در مورد صفات خداوند و انکار آن راه آنها را در پیش گرفته‌اند و صفات كامل خداوند را نفي نموده‌اند، و خداوند را چنان وصف كرده‌اند که چیزهای معدوم و جماد و غیر ممکن توصیف می‌شوند، خداوند پاک و بس برتر از آن چیزی است که آنها می‌گويند، و کسانی که برخی از صفات را اثبات کرده و برخی را نفی كرده‌اند همچون اشاعره نیز در این داخل هستند، آنها بعضی از صفات را نفی کرده و دلایل آنرا تاویل كرده‌اند و با این کار با دلایل نقلی و عقلی به مخالفت برخاسته‌اند، و آنچه آنها برای فرار از آن صفاتی را نفی كرده‌اند در صفاتی که اثبات كرده‌اند ناگزیرند آنرا بپذیرند، و اینگونه در مورد صفات به تناقض گویی آشکاری گرفتار آمده‌اند، اما اهل سنت و جماعت، صفاتی را که خداوند برای خود اثبات نموده یا پیامبرش از اسماء و صفات به نحو كمال برای او اثبات نموده، اثبات مى‌كنند و خداوند را از مشابهت با آفريده‌هايش منزه و پاک مى‌دانند، و معانی صفات را انکار نمی‌كنند، و اینگونه اهل سنت و جماعت به همه دلایل عمل كرده‌اند، و تحريف و انكار نكرده‌اند، از این رو از تناقضی که دچار آن شده‌اند در امان مانده‌اند، و راه نجات و سعادت هر دوجهان همین است، و این صراط مستقیمی است که سلف و ائمه این امت در پیش گرفته‌اند، و آخر این امت با هیچ چیزی صلاح و بهبودی نمی‌يابد مگر با آنچه اول این امت با آن اصلاح شده است، و آن هم پیروی از کتاب و سنت، و ترک مخالفت با این دو است.

والله ولی التوفیق، وهو سبحانه حسبنا ونعم الوکیل، ولا حول ولا قوة إلاَّ بالله، وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه([[1]](#footnote-1)).

کمک خواستن از غیر الله و تصدیق کاهنان و فال‌گیران

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه، أما بعد:

از آنجا که عقیده توحید اساسی است که دعوت محمد بن عبدالله ص بر پایه آن استوار است، و در حقیقت امتداد دعوت همه پیامبران است چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد». و مبارزه با بدعت‌ها و خرافات با اشکال مختلف آن از مسایل اساسی اعتقاد به این دعوت است، بنابراین هر مسلمانی باید در دینش دقت و بررسی نماید و خداوند را چنان عبادت کند که در شریعت اسلامی آمده است.

مسلمین اوایل و سلف امت در مورد دینشان آگاه بودند، چون همه کارهایشان مطابق رهنمودهای قرآن و سنت بود، سپس وقتی بسیاری از این شیوه ـ منهج و شیوه قرآن و سنت ـ ارزشمند و راستین در عقاید و اعمالشان منحرف شدند، در عقاید و مذاهب و در سیاست و احکام به گروه‌ها و فرقه‌هاى مختلفی تقسیم شدند، و یکی از نتایج این انحراف، بدعت‌ها و خرافات، شعبده بازیها در میانشان رواج گرفت، و شیوع این بدعت‌ها محل ورودی برای دشمنان اسلام گردید که از این راه برای طعنه زدن به اسلام و مسلمین استفاده کردند.

علمای اسلام همواره در گذشته و حال همواره در کتابهایشان از بدعت‌ها بر حذر داشته‌اند.

و اینجانب هم با نوشتن سه رساله در این راستا مشارکت نموده‌ام، این رساله‌ها عبارتند از:

**اول**: حکم کمک خواستن از پیامبر ص.

**دوم**: حکم کمک خواستن از جن‌ها و شیاطین و نذر کردن برای آنان.

**سوم**: حکم خواندن اوراد و اذکار شرک‌آمیز که در دین ريشه‌اى ندارند و بدعت می‌باشند.

و ریاست پژوهش علمي و دعوت و ارشاد در عربستان ـ که پرچمدار دعوت اسلامی در این سرزمین خجسته است ـ این سه رساله را به خوانندگان عزیز تقدیم می‌دارد تا در مبارزه با بدعت‌ها و خرافات و بالا بردن سطح فرهنگ و درک حقیقی اسلام سهیم باشد.

از خداوند متعال و توانا مسئلت داریم که این را برای بندگانش سودمند قرار دهد.

والله ولي التوفیق وصلى الله علی محمد وآله وصحبه وسلم.

رساله اول: حکم کمک خواستن از پیامبر ص

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وأصحابه ومن اهتدى بهداه، أما بعد:

روزنامه المجتمع كويتى در شماره 15 تاريخ 19/ 4/ 1390 هجری، اشعاری را تحت عنوان (یاد بود میلاد پیامبرص) به چاپ رسانیده بود که در این اشعار از پیامبر ص کمک خواسته تا به داد امت برسد، و امت را از تفرقه و اختلافی که گرفتار آن گردیده نجات دهد، و سراینده اشعار خودش را آمنه معرفی کرده بود، و اینک متن اشعار مذکور را ارائه مى‌دهيم.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رسول الله أدرك عالماً |  | یشعل الحرب ویصلی من لظاها |

ای رسول خدا، جهانی را دریاب که آتش جنگ را بر مى‌افروزد و جهانیان را می‌سوزاند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رسول الله أدرك أمة |  | في ظلام الشك قد طال سراها |

ای پیامبر خدا، امتی را دریاب که مدتی بسیار طولانی در شک و تردید قرار گرفته است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| یا رسول الله أدرك أمة |  | في متاهات الأسی ضاعت رؤاها |

ای پیامبر خدا، امتی را دریاب که در پیچ و خم و سرگردانی‌ها رنج و اندوه زیبائیش را را از دست داده است.

تا اینکه می‌گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| عجّل النصـر كما عجلته |  | يوم بدر حين ناديت الإله |

زود کمک کن همانطور که روز بدر خیلی زود کمک کردی آنگاه که خداوند را صدا زدی.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فاستحال الذل نصـراً رائعاً |  | إنَّ لله جنوداً لا تراها |

آنگاه ذلت و شکست به پیروزی شگفت‌انگیزی تبدیل شد، بدون تردید که خداوند لشکریانی دارد که شما آنرا نمی‌بینی.

الله اکبر! اینگونه ‌اين نویسنده از پیامبر کمک می‌خواهد و او را صدا مى‌زند، و از او می‌خواهد که هر چه زودتر امت را یاری نماید، او فراموش کرده، یا اینکه نمی‌داند که کمک کردن و کمک فقط در دست پیامبر و یا کسی دیگر از مخلوقات نیست، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮊ [آل عمران: 126]. «پيروزى تنها از جانب خداوند تواناى حكيم است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮊ [آل عمران: 160]. «اگر خداوند شما را يارى كند، هيچ كس بر شما پيروز نخواهد شد! و اگر دست از يارى شما بردارد، كيست كه بعد از او، شما را يارى كند؟!».

و با نص و تصریح قرآن، و به اجماع مشخص است که خداوند بندگان را آفریده تا او را بپرستد، و پیامبران و کتابها را فرستاده تا این عبادت را توضیح دهند و بسوی آن فرا خوانند، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الذاريات: 56]. «من جن و انس را نيافريدم جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)». و می‌فرمايد: ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد!» و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﮊ [الأنبياء: 25]. «ما پيش از تو هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: معبودى بحق جز من نيست؛ پس تنها مرا پرستش كنيد». و خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﮔﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮊ [هود: 1-2]. «الر، اين كتابى است كه آياتش استحكام يافته؛ سپس تشريح شده و از نزد خداوند حكيم و آگاه (نازل گرديده) است! (دعوت من اين است) كه: جز «الله‏» را نپرستيد! من از سوى او براى شما بيم دهنده و بشارت دهنده‏ام!».

خداوند متعال در این آیات محكم خويش توضیح می‌دهد که او انسان‌ها و جن‌ها را فقط برای این آفریده است که تنها او را پرستش نمایند، و او شریکی ندارد، و بیان می‌دارد که پیامبران † را مبعوث کرده تا به این عبادت فرا خوانند، و از آنچه با این مخالف است نهی کنند، و خداوند بیان می‌نمايد که آیات کتابش را به شيوه‌هاى گوناگون و واضح بیان کرده تا کسی دیگر غیر از او عبادت نشود، و عبادت یعنی یکتاپرستی، و تنها خدا را پرستش کردن، و اطاعت از اوامر و ترک آنچه نهی کرده است، و در آیات زیادی خداوند به این مسئله فرمان داده است، از آن جمله اینکه می‌فرمايد: ﮋ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮊ [البينة: 5]. «و دستوري به آنها داده نشده بود جز اين كه خدا را بپرستند، در حالي كه دين خود را براي او خالص كنند». و می‌فرمايد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [الإسراء: 23]. «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستيد!». و می‌فرمايد: ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [الزمر: 2-3]. «پس خدا را پرستش كن و دين خود را براى او خالص گردان! آگاه باشيد كه دين خالص از آن خداست». و آیات زیادی در این مورد آمده که همه نشانگر این هستند که خاص کردن عبادت فقط برای خدا و ترک عبادت چیزهای دیگر غیر از او از قبیل انبیاء و غیره واجب است، و تردیدی نیست که دعا و به فریاد خواندن از مهم‌ترين و جامع‌ترين انواع عبادت است، بنابراین باید فقط برای خدا انجام شود، چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﮊ [غافر: 14]. «(تنها) خدا را بخوانيد و دين خود را براى او خالص كنيد، هرچند كافران ناخشنود باشند». و می‌فرمايد: ﮋﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [الجن: 18]. «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد».

و این همه مخلوقات از قبیل پیامبران و غیره را شامل می‌شود: چون کلمه (أحداً) نکره در سیاق نهی است، بنابراین همه چیزها علاوه از خداوند را شامل می‌شود، و خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅﮊ [يونس: 106]. «و جز خدا، چيزى را كه نه سودى به تو مى‏رساند و نه زيانى مخوان».

در این آیه پیامبر ص مورد خطاب قرار گرفته است و مشخص است که خداوند او را از شرک مصون و محفوظ داشته است، و بلکه منظور خداوند برحذر داشتن دیگران از شرک‌ورزی است، سپس خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌﮊ [يونس: 106]. «كه اگر چنين كنى، از ستمكاران خواهى بود».

پس وقتی سَرور انسانیت اگر غیر از خدا را به فریاد بخواند از ستمکاران قرار مى‌گيرد، پس دیگران چگونه خواهند بود، و ظلم هرگاه به صورت مطلق به کار رود منظور از آن شرک اکبر است، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﮟﮠ ﮡﮊ [البقرة: 254]. «و كافران، خود ستمگرند؛ (هم به خودشان ستم مى‏كنند، هم به ديگران)». و می‌فرمايد: ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﮊ [لقمان: 13]. «در حقيقت كه شرك، ظلم بزرگى است». پس با این آیات و دیگر آیات معلوم می‌شود که به فریاد خواندن مرده‌ها و درختان و بت‌ها و غیره شرک به خداوند است، و با عبادتی که خداوند جن‌ها و انسانها را برای آن آفریده است و پیامبران را فرستاده و کتابها را نازل کرده تا آن را بیان کنند، و بسوی آن دعوت دهند منافات دارد، و معنی (لا إله إلا الله) همین است، لا إله إلا الله یعنی هیچ معبود به حقی جز الله نیست، این کلمه، عبادت غیر از خداوند را نفی می‌كند، و تاکید می‌كند که فقط خداوند سزاوار عبادت است، چنانچه خداوند متعال مى‌فرمايد: ﮋﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﮊ [الحج: 62]. «اين بخاطر آن است كه خداوند حق است؛ و آنچه را غير از او مى‏خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است». و این پايه‌ى دين و اساس ملت است، و تا وقتی این اصل درست نشود عبادت صحیح نخواهد بود، چنانجه خداند می‌فرمايد: ﮋﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝﮊ [الزمر: 65]. «به تو و همه پيامبران پيشين وحى شده كه اگر مشرك شوى، تمام اعمالت تباه مى‏شود و از زيانكاران خواهى بود». و می‌فرمايد: ﮋ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﮊ [الأنعام: 88]. «و اگر آنها مشرك شوند، اعمال (نيكى) كه انجام داده‏اند، نابود مى‏گردد (و نتيجه‏اى از آن نمى‏گيرند)».

و دین اسلام بر دو پایه مهم استوار است، یکی اینکه جز خداوند کسی پرستش نشود. دوم اینکه خداوند به همان گونه‌اى پرستش شود که در شریعت پیامبرش ص آمده است. و معنی لا إله إلا الله همین است. پس هر کسی مرده‌ها را به فریاد بخواند خواه پیامبر باشند، خواه کسانی دیگر، یا بت‌ها و یا درختان و سنگ‌ها و یا دیگر مخلوقات را به فریاد بخواند و یا از آنها کمک بخواهد یا با سر بریدن حیوانات و نذر کردن برای آنها به آنان تقرب بجوید یا برایشان نماز بخواند و یا برای آنان سجده کند در حقیقت آنان را به علاوه از خدا به عنوان خدایانی انتخاب کرده است، و آنها را شریک و همتای خدا قرار داده است، و این با معنی لا إله إلا الله منافات و تضاد دارد، همانطوریکه هرکسی در دین بدعت‌گذارى کند و چیزهایی ایجاد کند که خداوند به آن فرمان نداده است معنای گواهی دادن به اینکه محمد پیامبر ص خداست محقق نکرده است، و خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺﮊ [الفرقان: 23]. «و ما به سراغ اعمالى كه انجام داده‏اند مى‏رويم، و همه را همچون ذرات غبار پراكنده در هوا قرار مى‏دهيم». و این اعمال و کردارها اعمال کسانیند که در حال شرک وفات كرده‌اند، و همچنین اعمال بدعت‌گذاران که خداوند به آن فرمان نداده است، در روز قیامت پوچ و بى‌ارزش خواهد بود، چون این اعمال با شریعت مطهر موافق نبوده‌اند، چنانکه پیامبر ص فرموده: (هر کسی در امر ما چیزی ایجاد کند که از ما نیست پذیرفته نمى‌شود).

و نویسنده اشعار از پیامبر ص کمک خواسته، و پیامبر را به فریاد خوانده، و از پروردگار جهانیان که کمک و یاری و سود و زیان در دست اوست و در دست دیگران نیست روی برتاخته است. تردیدی نیست که اینکار ستم بزرگ خطرناکی است، و خداوند عز وجل فرمان داده که او به فریاد خوانده شود، و وعده داده که هر کس او را به فریاد بخواند خداوند دعای او را اجابت می‌كند، و کسانی را که از روی خود بزرگ بینی او را به فریاد نمى‌خوانند به جهنم تهدید کرده است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [غافر: 60]. «پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم! كسانى كه از عبادت من تكبر مى‏ورزند به زودى با ذلت وارد دوزخ مى‏شوند!». این آیه کریمه نشانگر این است که دعا عبادت است، و هر کس از آن روی برتابد جایگاهش دوزخ است، پس کسی از صدا زدن و به فریاد خواندن خداوند چنین حالتی دارد، وضعیت کسی که غیر از خداوند را به فریاد می‌خواند و از خدا اعراض می‌كند چگونه خواهد بود، و حال آنکه خداوند نزدیک و مالک همه چیز و بر همه چیز تواناست، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻﮊ [البقرة: 186]. «و هنگامى كه بندگان من، از تو در باره من سؤال كنند، (بگو:) من نزديكم! دعاى دعا كننده را، به هنگامى كه مرا مى‏خواند، پاسخ مى‏گويم! پس بايد دعوت مرا بپذيرند، و به من ايمان بياورند، تا راه يابند (و به مقصد برسند)». و پیامبر ص در حدیث صحیح می‌فرمايد: (دعا همان عبادت است) و به پسر عمویش عبدالله بن عباس م گفتند: (خدا را حفظ کن، خدا تو را محافظت می‌كند، خداوند را حفظ کن، او را پیش رویت مى‌يابى، هرگاه خواستی از خدا بخواه، و هرگاه کمک خواستی فقط از خدا کمک بخواه). ترمذی وغیره.

و می‌فرمايد: (هر کسی در حالی بمیرد که همتایی برای خدا قرار داده و آنرا به فریاد می‌خواند وارد دوزخ می‌شود) بخاری.

و همچنین در صحیحین از پیامبر ص روایت است که از ایشان پرسیده شد کدام گناه بزرگتر است؟ فرمود: (اینکه برای خدا همتایی قرار دهی و حال آنکه او تو را آفریده است).

پس هر کسی غیر از خداوند را صدا بزند و به فریاد بخواند یا از او کمک بخواهد یا برایش نذر کند و یا حیوانی ذبح کند یا عبادتی دیگر را برای او انجام دهد آنرا همتا و نظیر خداوند قرار داده، پیامبر یا ولی باشد و یا فرشته یا جن یا بت یا دیگر چیزی از مخلوقات باشد. اما کمک خواستن از فرد زنده‌اى که حضور دارد در آنچه او مى‌تواند، و کمک خواستن از او در امور حسی که توانایی آنرا دارد، شرک نیست، بلکه از امور عادی و جایز است که بین مسلمین رواج دارد، چنانکه خداوند متعال در داستان موسی بیان می‌فرمايد: ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﮊ [القصص: 15]. «آن كه از پيروان او بود در برابر دشمنش از وى تقاضاى كمك نمود». و چنانکه باز هم در داستان موسی می‌فرمايد: ﮋ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋﮊ [القصص: 21]. «موسى از شهر خارج شد در حالى كه ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‏اى». و همانطور که انسان در جنگ از یارانش کمک مى‌گيرد، و در دیگر مشاکلی که برای مردم پیش می‌آید و به یکدیگر نیاز پیدا می‌كنند، خداوند به پیامبرش ص فرمان می‌دهد که به امت خود خبر دهد که او برای هیچ کسی نمی‌تواند سود و زیانی برساند، در سوره جن می‌فرمايد: ﮋ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮊ [الجن: 20-21]. «بگو: من تنها پروردگارم را مي‌خوانم (و فقط او را عبادت مي‌كنم) و هيچ كس را شريك او قرار نمي‌دهم. بگو: من مالك زيان و هدايتي براي شما نيستم». و در سوره اعراف می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﮊ [الأعراف: 188]. «بگو: من مالك سود و زيان خويش نيستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غيب و اسرار نهان نيز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده كند؛) و اگر از غيب باخبر بودم، سود فراوانى براى خود فراهم مى‏كردم، و هيچ بدى (و زيانى) به من نمى‏رسيد؛ من فقط بيم‏دهنده و بشارت‏دهنده‏ام براى گروهى كه ايمان مى‏آورند! (و آماده پذيرش حقند)». و آیات زیادی در این مورد آمده است، و پیامبر ص کسی جز خداوند را به فریاد نمی‌خواند، و در روز بدر از خداوند کمک می‌خواست که او را در برابر دشمن پیروز گرداند، و بر اين دعاها را تكرار مي‌كرد و می‌گفت: (پروردگارا آنچه به من وعده داده‌ای محقق کن) تا اینکه صدیق اکبر ابوبکر س گفت: تو را کافی است ای پیامبر خدا، خداوند آنچه به تو وعده داده را تحقق می‌بخشد، و در همین مورد خداوند آیه نازل فرموده است: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﮊ [الأنفال: 9-10]. «(به خاطر بياوريد) زمانى را (كه از شدت ناراحتى در ميدان بدر،) از پروردگارتان كمك مى‏خواستيد؛ و او خواسته شما را پذيرفت (و گفت): من شما را با يكهزار از فرشتگان، كه پشت سر هم فرود مى‏آيند، يارى مى‏كنم. ولى خداوند، اين را تنها براى شادى و اطمينان قلب شما قرار داد؛ وگرنه، پيروزى جز از طرف خدا نيست؛ خداوند توانا و حكيم است». خداوند در این آیات بیان می‌دارد که آنها از خداوند کمک خواستند، و خبر می‌دهد که خداوند دعای آنان را پذیرفت و ملائکه را برای امداد آنها فرستاد، سپس بيان نمود كه نصرت بدست فرشتگان نيست، بلكه خداوند ملائکه را به کمک آنها فرستاد تا به آنان مژده پیروزی و آرامش بدهد، و بیان کرد که پیروزی و یاری از سوی خداوند است، بنابراین می‌فرمايد: ﮋ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙﮊ [آل عمران: 126]. «پيروزى تنها از جانب خداوند تواناى حكيم است». و در سوره آل عمران می‌فرمايد: ﮋﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩﮊ [آل عمران: 123]. «خداوند شما را در «بدر» يارى كرد (و بر دشمنان خطرناك، پيروز ساخت)؛ در حالى كه شما (نسبت به آنها)، ناتوان بوديد. پس، از خدا بپرهيزيد (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پيامبر نكنيد)، تا شكر نعمت او را بجا آورده باشيد». بنابراین، در این آیه می‌فرمايد که خداوند آنها را در روز بدر یاری کرد، پس از این معلوم می‌شود که اسلحه و قدرتی که خداوند به آنها داد و ملائکه را که برای آنها فرستاد همه از اسباب پیروزی و آرامش هستند، و این چیزها پیروزی نمی‌آورند، بلکه پیروزی و کمک از سوی خدا می‌آید، پس چگونه برای این نویسنده یا غیر از او جایز است که از پیامبر کمک بخواهد و از خداوند که مالک همه چیز است و بر همه چیز تواناست اعراض کند؟!

تردیدی نیست که این از زشت‌ترین نوع جهالت و بلکه از بزرگترین شرک است، بنابراین نویسنده این اشعار باید توبه کند و بسوی خداوند باز گردد و از آنچه کرده پشیمان شود، و از آن دست بکشد، و تصمیم بگیرد که دوباره آنرا تکرار نکند تا اینکه خداوند را تعظیم نماید، و عبادت را خاص او کرده باشد، و از فرمان او اطاعت و از آنچه از او نهی کرده پرهیز کند، و توبه نصوح همین است، و اگر گناه او مربوط به مردم بود باید حق را به صاحب آن برگرداند، یا از او بخواهد که او را ببخشد، و خداوند بندگانش را به توبه امر نموده و به آنها وعده داده که توبه‌اشان را می‌پذيرد چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﮊ [النور: 31]. «همگى بسوى خدا بازگرديد اى مؤمنان، تا رستگار شويد». و در مورد نصاری می‌فرمايد: ﮋﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫﮬﮭ ﮮ ﮯﮊ [المائدة: 74]. «يا به سوى خدا بازنمى‏گردند، و از او طلب آمرزش نمى‏كنند؟ (در حالى كه) خداوند آمرزنده مهربان است». و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮊ [الفرقان: 68-70]. «و كسانى كه معبود ديگرى را با خداوند نمى‏خوانند؛ و انسانى را كه خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏كشند؛ و زنا نمى‏كنند؛ و هر كس چنين كند، مجازات سختى خواهد ديد. عذاب او در قيامت مضاعف مى‏گردد، و هميشه با خوارى در آن خواهد ماند. مگر كسانى كه توبه كنند و ايمان آورند و عمل صالح انجام دهند، كه خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏كند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است». و می‌فرمايد: ﮋﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗﮊ [الشورى: 25]. «او است كه توبه را از بندگانش مى‏پذيرد، و بديها را مى‏بخشد، و آنچه را انجام مى‏دهيد مى‏داند». و در حدیث صحیحی از رسول الله ص روایت است که فرمودند: (اسلام گناهان پیش از آن را محو می‌كند، و توبه گناهان قبل از توبه را محو می‌كند) از آنجا که شرک خطرناک‌ترین و بزرگترین گناه است و از بیم آنکه مبادا کسی فریب اشعار این نویسنده را بخورد، و به خاطر اینکه خیر خواهی برای خدا و بندگانش واجب است این مطالب مختصر را به رشته تحریر در آوردم، و از خداوند مسئلت دارم که آنرا سودمند قرار دهد، و حالات ما و همه مسلمین را بهبودی بخشد، و به همه ما آگاهی در دین و پایداری بر آن را ارزانی نماید، و ما را از شر خودمان و از شر زشتی‌های اعمال و کارهایمان در پناه خود نگاه دارد، او بر همه چیز تواناست.

صلی الله وسلم وبارك علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

**\*\*\***

رساله دوم: حکم کمک خواستن از جن و شیاطین و نذر کردن برای آنها

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به همه مسلمینی که این را مطالعه می‌كنند، خداوند به من و شما توفیق تمسک به دین و پایداری بر آن را عنایت فرماید. آمین.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

اما بعد: یکی از برادران بنده را در مورد حکم آنچه برخی از افراد جاهل انجام می‌دهند از قبیل به فریاد خواندن غیر از خدا و کمک خواستن از آنها در هنگام مشکلات، مثل به فریاد خواندن جن، و نذر کردن، و ذبح کردن برای آن‌ها و امثال آن، چنانکه بعضی می‌گويند: (اي هفت تا بگیرید او را) منظورشان هفت تن از سران جن‌ها می‌باشند می‌گويند: ای هفت تن او را چنان کنید، استخوان‌هایشان را بشکنید، خونش را بخورید، گوش و بینی‌اش را قطع کنید، و بعضی می‌گويند: (جن‌های ظهر، ای جن‌های عصر او را بگیرید) در بعضی مناطق این امر تا حدود زیادی به چشم می‌خورد، و به فریاد خواستن مردگان از قبیل پیامبران و صالحان و غیره، و به فریاد خواندن ملائکه و کمک خواستن از آنها نیز از همین موارد است، و همه اینها اموری هستند که از بسیاری از افرادی که منتسب به اسلام هستند سر می‌زند، و آنها از آنجا که نمى‌دانند، یا به علت تقلید از گذشتگان خود چنین می‌كنند، و ممكن است زبان به آوردن چنین کلماتی را ناچیز و امری عادی فکر می‌كنند، و می‌گويند عادت کرده‌ایم، و به زبان می‌آید، اما قصدی و اعتقادی نداریم، و همچنین این برادر از من در مورد حکم ازدواج با چنین افردی که به این کارها معروف است پرسید، و در مورد ذبیحه آنها و خواندن نماز پشت سرشان، و بر رويشان در مورد تصدیق و تایید شعبده‌بازان و فال‌گیرانی که ادعا می‌كنند بیماری و علت آنرا فقط با دیدن چیزی که با بدن مریض تماس داشته مثل عمامه و شلوار و رو سری و امثال آن مى‌دانند، سوال کرد.

**پاسخ: الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهم إلى يوم الدين، أما بعد...**

خداوند انسان‌ها و جنها را آفریده است تا فقط او را بپرستند و تنها از او کمک بخواهند و دعا و ذبح و نذر و سایر عبادات را خاص او کنند و پیامبران را با همین پیام فرستاده و آنها را به این فرمان داده است و کتابهای آسمانی را که بزرگترین آن قرآن است برای بیان این مطلب نازل کرده است، تا به توحید دعوت كنند، و مردم از شرک ورزیدن به خدا بر حذر دارند، و این اصل و اساس، اصول و پایه دین امت است، و معنی لا إله إلا الله همین است، چون لا إله إلا الله یعنی هیچ معبود به حقی جز الله نیست، پس این کلمه الوهیت یعنی عبادت را از غیر از الله نفی می‌كند، و آن را فقط و تنها برای خداوند ثابت می‌نمايد، و دلایل زیادی بر این مطلب از کتاب خدا و سنت پیامبرش ص وجود دارد، از آن جمله اینکه می‌فرمايد: ﮋﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الذاريات: ٥٦]. «من جن و انس را نيافريدم جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)».

و می‌فرمايد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [الإسراء: ٢٣]. «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستيد».

و می‌فرمايد: ﮋﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮊ [البينة: 5]. «و دستوري به آنها داده نشده بود جز اين كه خدا را بپرستند، در حالي كه دين خود را براي او خالص كنند». و می‌فرمايد: ﮋﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [غافر: 60]. «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم! كسانى كه از عبادت من تكبر مى‏ورزند به زودى با ذلت وارد دوزخ مى‏شوند!». و می‌فرمايد: ﮋﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻﮊ [البقرة: 186]. «و هنگامى كه بندگان من، از تو در باره من سؤال كنند، (بگو:) من نزديكم! دعاى دعا كننده را، به هنگامى كه مرا مى‏خواند، پاسخ مى‏گويم! پس بايد دعوت مرا بپذيرند، و به من ايمان بياورند، تا راه يابند (و به مقصد برسند)». خداوند در این آیات بیان می‌دارد که او تعالی انسان‌ها و جن‌ها را برای عبادت آفریده و تاکید می‌كند که او چنین حکم می‌كند، و فرمان داده و توصیه نموده است که جز الله کسی پرستش نشود، پس خداوند بندگانش را در قرآن و سنت پیامبر فرمان داده، و توصیه کرده است که کسی جز پروردگارشان را پرستش نکنند، و خداوند عز وجل توضیح داده است که دعا و به فریاد خواندن، عبادت بزرگی است که هر کس از آن سر باز زند وارد جهنم می‌شود، و بندگانش را فرمان داده است که فقط و تنها او را به فریاد بخوانند، و خبر داده كه او نزديك است، و دعای بندگانش را به اجابت مى‌كند. چون دعا نوعی عبادت است که آنها برای آن آفریده شده‌اند و بدان فرمان یافته‌اند، و خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﮊ [الأنعام: 162-163]. «بگو: نماز و قربانى‏ام (تمام عبادات من)، و زندگى و مرگ من، همه براى خداوند پروردگار جهانيان است. همتايى براى او نيست؛ و به همين مامور شده‏ام؛ و من نخستين مسلمانم!». خداوند به پیامبرش ص فرمان داده که به مردم بگوید که نماز و ذبح کردن حیوان و زندگی و مرگ همه برای خداوند پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، پس هر کسی برای غیر از خداوند حیوانی را سر ببرد و ذبح کند به خدا شرک ورزیده است، چنان که اگر برای غیر از خداوند نماز بخواند شرک ورزیده است، پس هر کسی برای غیر از خداوند، برای جن‌ها و ملائکه و مرده‌ها و غیره حیوان ذبح کند و با این کار به آنها تقرب بجوید مثل کسی است که برای غیر از الله نماز بخواند، در حدیث صحیح از پیامبر ص روایت شده که فرمود: (لعنت خداوند بر کسی باد که برای غیر از خداوند حیوان ذبح کند) و امام احمد با سند حسن از طارق بن شهاب از رسول اکرم ص روایت می‌كند که فرمود: (دو نفر از کنار بت قومی گذشتند، هیچ کس از کنار آن عبور نمی‌کرد مگر آنکه چیزی تقدیم آن می‌کرد، به یکی از آنها گفتند: چیزی برای بت قربانی کن، گفت: چیزی ندارم که تقدیم کنم گفتند: چیزی بده گرچه یک مگس باشد، او مگسی برای بت قربانی و تقدیم آن کرد آنگاه او را رها کردند، و این مرد به خاطر این به دوزخ رفت، و به مرد دیگری گفته شد: چیزی تقدیم و قربانی کن، گفت: من برای غیر از خداوند چیزی را قربانی نمی‌کنم آنگاه گردن او را زدند و کشته شد، و او به بهشت رفت) پس وقتی فردی به خاطر تقدیم و قربانی کردن مگسی برای بت، مشرک قرار مى‌گيرد، و به علت اینکار مستحق جهنم می‌شود، پس کسانی که جن‌ها و ملائکه‌ها و اولیاء را به فریاد می‌خوانند و از آنها کمک می‌خواهند و برایشان نذر می‌كنند و به آنها تقرب می‌جویند و برایشان حیوان قربانی می‌كنند به امید اینکه اموالشان را محافطت نماید یا بیماریشان را شفا دهند و یا حیوانات و مزرعه‌اشان از آفت‌ها در امان بمانند، یا از ترس شر جن‌ها چنین می‌كنند، چگونه خواهند بود؟ آری چنین کسانی به طریق اولی از کسی که مگسی را برای بت قربانی کرده مشرک به شمار می‌آيند، و مستحق جهنم می‌شوند و از جمله آنچه در این مورد آمده است فرموده الهی که می‌فرمايد: ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮊ [الزمر: ٢-٣]. «ما اين كتاب را بحق بر تو نازل كرديم؛ پس خدا را پرستش كن و دين خود را براى او خالص گردان. آگاه باشيد كه دين خالص از آن خداست».

و خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮢﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮩ ﮪ ﮫﮬﮭ ﮮﮯﮰ ﮱ ﯓﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﮊ [يونس: 18]. «آنها غير از خدا، چيزهايى را مى‏پرستند كه نه به آنان زيان مى‏رساند، و نه سودى مى‏بخشد؛ و مى‏گويند: «اينها شفيعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آيا خدا را به چيزى خبر مى‏دهيد كه در آسمانها و زمين سراغ ندارد؟!» منزه است او، و برتر است از آن همتايانى كه قرار مى‏دهند». خداوند در این دو آیه خبر می‌دهد که مشرکین علاوه بر او اولیاء و یاورانی از مخلوقات را برگزیده که در کنار الله آنها را به فریاد خوانده و دعا و ترس و امید و ذبح و نذر و امثال آن عبادت می‌كنند، و گمان می‌برند که این اولیاء آنها را به خداوند نزدیک می‌كنند و برایشان نزد خداوند شفاعت می‌نمايند، خداوند این افراد را تکذیب می‌كند و از باطل آنها پرده بر می‌دارد، و آنان دروغگو و کافر و مشرک نامیده و خود را از شرک آنها پاک و منزه دانسته است، او تعالی می‌فرمايد: ﮋﯞ ﯟ ﯠ ﯡﮊ «منزه است او، و برتر است از آن همتايانى كه قرار مى‏دهند». پس معلوم می‌شود که هر کسی فرشته یا پیامبر یا جن یا درخت یا سنگی را به فریاد بخواند و از او کمک بخواهد، یا نذر و ذبح و به آن تقرب بجوید به این امید که نزد خداوند برای او شفاعت می‌كند و او را به خدا نزدیک می‌نمايد، یا به امید اینکه مریض را شفا می‌دهد، یا اموال را حفاظت می‌نمايد، یا مسافر به سلامتی بر می‌گردد، گرفتار شرک بزرگی شده است، شرکی که خداوند در مورد آن می‌فرمايد: ﮋﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗﮊ [النساء: 48]. «خداوند (هرگز) شرك را نمى‏بخشد! و پايين‏تر از آن را براى هر كس (بخواهد و شايسته بداند) مى‏بخشد. و آن كسى كه براى خدا، شريكى قرار دهد، گناه بزرگى مرتكب شده است». و می‌فرمايد: ﮋﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [المائدة: 72]. «زيرا هر كس شريكى براى خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام كرده است؛ و جايگاه او دوزخ است؛ و ستمكاران، يار و ياورى ندارند». و شفاعت در روز قیامت بهره اهل توحید و اخلاص می‌شود و مشرکین از شفاعت محروم‌اند، چنانکه وقتی از پیامبر ص پرسیده شد شفاعت شما نصیب چه کسی می‌گردد؟ فرمود: (هر کسی از ته دل خالصانه بگوید لا إله إلا الله، و فرمود هر پیامبری دعایی داشته که اجابت آن قطعی است، همه پیامبران در این دنیا آن دعای خود را نموده‌اند و من دعای خود را نگاه داشته‌ام تا روز قیامت برای امت خود شفاعت کنم و هر کسی از امت من در حالی بمیرد که با خداوند چیزی را شریک نکرده ان شاءالله شفاعت من نصیب او می گردد).

مشرکین گذشته ایمان داشتند که خداوند پروردگار و آفریننده و روزی دهنده آنهاست، و آنها فقط به خاطر این پیامبران و اولیاء و ملائکه و درختان و سنگ‌ها و امثال آن را به فریاد می‌خواندند که برایشان نزد خدا شفاعت کنند و آنها را به خدا نزدیک نمایند، اما خداوند این عذر آنها را نپذیرفت، و رسول اکرم ص توجیه آنان را قبول نکرد، بلکه خداوند در کتاب بزرگش به آنها اعتراض نموده و آنان را کافر و مشرک نامیده است، و این پندارشان را که معبودانشان برایشان شفاعت می‌كنند و آنها را به خدا نزدیک می‌نمايد تکذیب کرد، و به خاطر این شرک پیامبر ص با آنها جنگید تا عبادت را خاص خداوند کنند، چون خداوند می‌فرمايد: ﮋﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ [البقرة: 193]. «و با آنها پيكار كنيد! تا فتنه (و بت پرستى، و سلب آزادى از مردم،) باقى نماند؛ و دين، مخصوص خدا گردد». و پیامبر ص فرمودند: (فرمان یافته‌ام تا با مردم بجنگم تا اینکه گواهی دهند که هیچ معبود به حقی جز الله نیست و محمد پیامبر خداست و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند و وقتی این کارها را کردند خون‌ها و اموالشان از سوی من در امان است مگر به حق اسلام و حساب آنها با خداست) و فرمود: تا آن که گواهی دهند هیچ معبود به حقی نیست مگر الله، یعنی تا وقتی که عبادت را خاص خدا نمایند و غیر از او را پرستش نکنند، مشرکین از جن‌ها می‌ترسیدند و به آنها پناه می‌بردند، آنگاه خداوند در این مورد آیه نازل کرده و می‌فرمايد: ﮋﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮊ [الجن: 6]. «مرداني از بشر به مرداني از جن پناه مي‌بردند، و آنها سبب افزايش گمراهي و طغيانشان مي‌شدند». و اهل تفسير درباره‌ي ﮋﮐ ﮑﮊ مي‌گويند: یعنی به ترس آنها افزودند، چون جن وقتی ببیند که انسانها به او پناه می‌برند احساس بزرگی و تکبر می‌كند و آنگاه بیشتر انسانها را مى‌ترسانند تا آنها را بیشتر عبادت کنند و بیشتر به آنها پناه ببرند و خداوند در عوض مسلمین را فرمان داد که به خدا و کلمات تامه او پناه ببرند، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﮊ [فصلت: 36]. «و هرگاه وسوسه‏هايى از شيطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه كه او شنوده و داناست». و می‌فرمايد: ﮋﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮊ [الفلق: 1-5]. «بگو: پناه مي‌برم به پروردگار سپيدۀ صبح. از شر تمام آنچه آفريده است. و از شر هر موجود شرور هنگامي كه شبانه وارد مي‌شود. و از شرّ آنها كه در گره‌ها مي‌دمند. و از شرّ هر حسودي هنگامي كه حسد مي‌ورزد». ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙﮊ [الناس: 1-6]. «بگو: پناه مي‌برم به پروردگار مردم. به مالك و حاكم مردم. به (خدا و) معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌كار. كه درون سينۀ انسانها وسوسه مي‌كند. خواه از جن باشد يا از انسان». در حدیث صحیح از پیامبر ص روایت است که فرمود: (هر کسی در جایی اقامت گزید و گفت: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» ـ به کلمات کامل خداوند از آنچه آفریده پناه می‌برم ـ، تا وقتی از آنجا می‌رود هیچ چیز به او زیان نمی‌رساند) هر کس بدنبال نجات است و علاقمند است که دین او محفوظ بماند و از تمامی انواع شرک مصون بماند از آیات و احادیث گذشته می‌داند، وابستگی به مرده‌ها و ملائکه‌ها و جن‌ها و دیگر مخلوقات و به فریاد خواندن آنها و پناه بردن به آنان و امثال آن از اعمال جاهلیت مشرکین است، و زشت‌ترین شرک به خداوند است، بنابراین باید آنرا ترک گفت و از آن بر حذر بود، و نیز یکدیگر را به ترک آن توصیه کرد، و به کسی که این کار را می‌كند اعتراض نمود، و هر کسی که این اعمال شرک‌آمیز را انجام می‌دهد ازدواج با او جایز نیست، و خوردن ذبیحه و نماز خواندن بر او و نماز خواندن پشت سر او جایز نیست، مگر آنکه آشکارا اعلام کند که توبه کرده و بسوی خدا باز گشته است، و دعا و عبادت را خاص خدا بکند، و دعا عبادت است بلکه مغز عبادت دعا است، چنانکه پیامبرص می‌فرمايد: (دعا عبادت است) و از ایشان ص با کلمات دیگری روایت شده که فرمود: (دعا مغز عبادت است) و خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮊ [البقرة: 221]. «و با زنان مشرك و بت‏پرست، تا ايمان نياورده‏اند، ازدواج نكنيد! (اگر چه جز به ازدواج با كنيزان، دسترسى نداشته باشيد؛ زيرا) كنيز باايمان، از زن آزاد بت‏پرست، بهتر است؛ هر چند (زيبايى، يا ثروت، يا موقعيت او) شما را به شگفتى آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‏پرست، تا ايمان نياورده‏اند، در نياوريد! (اگر چه ناچار شويد آنها را به همسرى غلامان باايمان درآوريد؛ زيرا) يك غلام باايمان، از يك مرد آزاد بت‏پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعيت و زيبايى او،) شما را به شگفتى آورد. آنها دعوت به سوى آتش مى‏كنند؛ و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود مى‏نمايد، و آيات خويش را براى مردم روشن مى‏سازد؛ شايد متذكر شوند». بنابراین خداوند از ازدواج با زنان مشرک از قبیل بت‌پرستان و آنان که جن‌ها و ملائکه و غیره را پرستش می‌كنند نهی کرده است، مگر آن اینکه زنان به توحید و خاص کردن عبادت برای خداوند ایمان بیاورند، و پیامبر ص را در آنچه آورده است تصدیق کنند، و از راه او پیروی نمایند، و همچنین خداوند از ازدواج مردان مشرک با زنان مسلمان نهی کرده است، مگر آنکه این مردان به توحید و خاص کردن عبادت برای خداوند ایمان بیاورند، و پیامبر ص را تصدیق کنند، و از ایشان پیروی نمایند، و خداوند خبر داده است که کنیز مؤمن از زن آزاده مشرک بهتر است، گرچه زیبایی و حسن کلام زن آزاده کسی که به او نگاه می‌كند متعجب و شگفت زده نماید. و می‌فرمايد که برده مؤمن از مرد آزاد مشرک بهتر است گرچه زیبایی و شیواگویی و شجاعت و غیره مرد آزاد کسی که به او نگاه می‌كند شگفت زده کند، سپس خداوند اسباب این برتری را چنین بیان کرده است که ﮋﮎ ﮏ ﮐ ﮑﮊ «آنها دعوت به سوى آتش مى‏كنند». یعنی چون زنان و مردان مشرک با گفتار و رفتار و اخلاق خود به سوی جهنم فرا می‌خوانند، اما زنان و مردان با ایمان بوسیله اخلاق و کردار و سیرت خود بسوی بهشت دعوت می‌دهند، پس چگونه ‌اينها با آنها یکسانند؟ و خداوند عز وجل در مورد منافقین می‌گويد: ﮋﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢﮊ [التوبة: 84]. «هرگز بر مرده هيچ يك از آنان، نماز نخوان! و بر كنار قبرش، (براى دعا و طلب آمرزش،) نايست! چرا كه آنها به خدا و رسولش كافر شدند؛ و در حالى كه فاسق بودند از دنيا رفتند». پس خداوند عز وجل در این آیه توضیح می‌دهد که بر کافر و منافق نماز خوانده نمی‌شود، چون آنها به خدا و پیامبرش کفر ورزیده‌اند، و همچنین پشت سر اینها نباید نماز خواند، اینها به عنوان پيشواي مسلمین انتخاب نمی‌شوند، چون کافرند و امانتدار نیستند و دشمنی بزرگی با مسلمین دارند، و به دلیل اینکه کافر و منافق اهل نماز و عبادت نیستند، زیرا با کفر و شرک عملی باقی نمی‌ماند، و خداوند عز وجل در مورد حرام قرار دادن حیوان خود مرده و ذبیحه مشرکین می‌فرمايد: ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕﮊ [الأنعام: 121]. «و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخوريد! اين كار گناه است؛ و شياطين به دوستان خود مطالبى مخفيانه القا مى‏كنند، تا با شما به مجادله برخيزند؛ اگر از آنها اطاعت كنيد، شما هم مشرك خواهيد بود». خداوند مسلمین را از خوردن حیوان خود مرده و ذبیحه مشرک نهی کرده است، چون اگر به هنگام ذبح بسم الله بگوید تسمیه او باطل و اثری ندارد، زیرا ذبح کردن نوعی عبادت است، و شرک عبادت را نابود و باطل می‌كند، مگر آنکه مشرک به سوی خدا باز گردد و توبه نماید، و خداوند عز وجل خوراک اهل کتاب را مباح و جایز قرار داده و فرموده است: ﮋﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﮊ [المائدة: 5]. «طعام اهل كتاب، براى شما حلال است؛ و طعام شما براى آنها حلال». چون اهل کتاب به دینی آسمانی منتسب‌اند و ادعا می‌كنند که پیروان موسی و عیسی هستند گرچه آنها در این ادعا دروغ می‌گويند، و خداوند با مبعوث کردن محمد ص به سوی همه مردم دین آنها را منسوخ و باطل کرده است، اما خداوند به خاطر حکمت و اسراری که در نظر گرفته شد غذا و ازدواج با اهل کتاب را برای ما حلال و جایز قرار داده است، و علما این حکمت‌ها و اسرار را توضیح داده‌اند، به خلاف مشرکین بت پرست یا مشرکینی که مردگان از قبیل پیامبران و اولیا را پرستش می‌كنند، که ازدواج با آنها و خوردن ذبیحه‌شان حلال نیست، زیرا دین آنان اصل و اساسی ندارد و شبهه‌ای در آن نیست، بلکه از اساس باطل است، بنابراین ذبیحه مشرک همچون حیوان خود مرده (مردار) است و خوردن آن جایز نیست، اما اینکه بعضی خطاب به بعضی می‌گويند: (جن تو را گرفته) شیطانی تو را با خود برده است و امثال آن، باید گفت که اینها سخنانی هستند كه به عنوان شتم و ناسزا گفته می‌شوند، مشرک نیستند مگر اینکه گوینده معتقد باشد که جن‌ها بدون اذن الله در مردم تصرف می‌كنند، هر کسی چنین عقيده‌اى در مورد جن‌ها و دیگر مخلوقات داشته باشد به سبب این اعتقاد کافر می‌شود، چون خداوند مالک همه چیز است، و بر همه چیز تواناست، و اوست که سود و زیان می‌رساند، و هیچ کاری جز به اجازه و فرمان و خواست و تقدیر سابق او انجام نمی‌گيرد، چنانکه خداوند به پیامبرش ص فرمان می‌دهد که مردم را از این اصل بزرگ آگاه کند: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﮊ [الأعراف: 188]. «بگو: من مالك سود و زيان خويش نيستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غيب و اسرار نهان نيز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده كند؛) و اگر از غيب باخبر بودم، سود فراوانى براى خود فراهم مى‏كردم، و هيچ بدى (و زيانى) به من نمى‏رسيد؛ من فقط بيم‏دهنده و بشارت‏دهنده‏ام براى گروهى كه ايمان مى‏آورند! (و آماده پذيرش حقند)». پس وقتی سَرور انسانیت و برترین آنها ص اختیار کوچکترین سود و زیانی برای خودش را ندارد، مگر آنکه خدا بخواهد، پس غیر از او دیگر خلق چگونه خواهند بود؟ و آیات زیادی در این خصوص آمده است. اما پرسیدن از فال‌گیران و شعبده‌بازها و طالع بین‌ها و دیگر کسانی که از غیب خبر می‌دهند منکر و ناجایز است، و تصدیق چنین افرادی، منکر و بدتر از پرسیدن آنها می‌باشد، بلکه یکی از شعبه‌های کفر است، زیرا پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کس نزد طالع‌بینی بیاید و از او در مورد چیزی بپرسد، خداوند نماز چهل روز او را قبول نمی‌كند). [مسلم].

و همچنین امام مسلم از معاویه بن حکم سلمی روایت می‌كند که پیامبر ص از آمدن نزد کاهنان و پرسیدن از آنها نهی کرده است، و از پیامبر ص در کتاب‌های سنن روایت شده که فرمودند: (هر کس نزد کاهنان و غیب‌گویی بیاید و او را به آنچه می‌گويد تصدیق کند به آنچه بر محمد ص نازل شده کفر ورزیده است)، و احادیث زیادی در این خصوص آمده است.

بنابراین مسلمین باید از پرسیدن طالع‌بین‌ها و غیب‌گویان و سایر شعبده‌بازها که از غیب خبر می‌دهند، و مسلمین را به نام طب و علاج و غیره فریب می‌دهند، پرهیز کنند چون پیامبر ص از این کار نهی کرده و از آن بر حذر داشته است، و آنچه برخی از مردم به نام طبابت انجام می‌دهند و از غیب خبر می‌دهند، مثل اینکه عمامه مریض، یا روسری او، و یا امثال آن را بو می‌كنند و مى‌گويند: این مریض چنین کرده، و از امور غیبی خبر می‌دهند، که در اصل عمامه مریض بر آن دلالت ندارد، و آنها چنین می‌كنند تا عوام را فریب دهند، و مردم فکر می‌كنند که اینها در طب مهارت دارند، و انواع بیماری‌ها و اسباب آن را مى‌دانند، ممکن است مقداری دارو بدهند و به صورت تصادفی بر حسب تقدیر الهی بیمار شفا یابد و آنگاه مردم گمان می‌برند که علت شفا داروها بوده‌اند، و يا ممكن است بیماری به علت جن و شیاطینی باشد که در خدمت این فرد هستند، که ادعای طبیب بودن می‌كند، و او را از امور غیبی که از آن آگاهی دارند مطلع می‌كنند، و او بر آن اعتماد می‌كند، و جن‌ها و شیاطین را با عبادتی که برایشان مناسب است راضی می‌گرداند، و آنگاه جن‌ها از آن مریض دست می‌کشند، و دیگر او را اذیت نمی‌كنند، و این در مورد جن‌ها و شیاطین و کسانی که آنها را به کار می‌گيرند معروف است.

پس مسلمین باید از این افراد بپرهیزند و دوری کنند، و یکدیگر را به ترک این کار توصیه نمايند، و در کارها فقط به الله سبحانه و تعالی توکل نمایند. و استفاده از رقیه و دعای شرعی و داروهای مباح. و رفتن برای معالجه پیش پزشکانی که بیماری مریض را با وسيله‌هاى محسوس و معقول بررسی می‌كنند، اشکالی ندارد.

در حدیث صحیحی از پیامبر ص روایت است که فرمود: (خداوند هیچ بیماری را فرو نفرستاده مگر آنکه برای آن شفایی قرار داده، که برخی علاج آن را مى‌دانند و برخی آنرا نمى‌دانند). و می‌فرمايد: (هر بیماری دوایی دارد و هرگاه دارو و دوایی به مریض برسد به خواست خداوند بهبودی حاصل می‌شود). و می‌فرمايد: (بندگان خدا! برای معالجه خود دارو استفاده کنید، و با آنچه حرام است خود را مداوا نکنید). و احادیث زیادی در این مورد است، از خداوند عز وجل مسئلت داریم که احوال و اوضاع مسلمین را اصلاح نماید، و دلها و جسم‌هایشان را از هر آفت و بیماری شفا بخشد، و همه را بر هدایت گرد بیاورد، و ما و ایشان را از فتنه‌های گمراه کننده و از اطاعت شیاطین و یاوران آن نجات دهد، بیگمان خداوند بر همه چیز تواناست.

لا حول ولا قوة إلاَّ بالله العلي العظیم، وصلى الله وسلم وبارك علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

**\*\*\***

رساله سوم: حکم تعبد با اوراد شرک‌آمیز و ساخته اهل بدعت

از عبد العزیز بن عبدالله بن باز به حضور برادر محترم...

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اما بعد؛ نامه‌تان بدستم رسید خداوند شما را به هدایت خویش برساند، در نامه‌تان آمده بود که در منطقه شما افرادی هستند که به اوراد و اذکاری تمسک جسته‌اند که خداوند برای آن دلیلی نازل نفرمودهاست،و برخی از این اذکار بدعت هستند، و برخی شرک‌آمیز می‌باشند و آنها این اذکار را به امیر المومنین علی بن ابی طالب نسبت می‌دهند، و این دعاها و اذکار را در مجالس ذکر یا در مساجد بعد از نماز مغرب می‌خوانند و فکر می‌كنند که این کار مایه تقرب به خداوند است، از اینکه می‌گويند: به حق خدا، مردان خدا، ما را به یاری خدا کمک کنید و ما را برای رسیدن به خدا یاری رسانید. و می‌گويند: ای قطب‌ها، ای بزرگان، ای مددکنندگان اجابت کنید، پیش خدا شفاعت کنید، این بنده‌تان است، ایستاده و در آستانه درگاه شما زانو زده است، و بخاطر کوتاهی خود هراسان است، ای رسول خدا، به فریاد ما برس، و ما کسی غیر از شما نداریم، خواسته‌های ما را، شما برآورده می‌سازید، و شما اهل الله هستید، به سیدالشهداء حمزه و دیگر کسانی که از شما هستند مدد می‌جوییم، به فریاد ما برس ای رسول خدا.

و چنان می‌گويند: بار خدایا، درود بفرست بر کسی که او تو را سبب شکافته شدن اسرار جبروتی و بزرگی خود و علت شکافته شدن انوار رحمانی خویش قرار داده‌ای، و او را نایب حضرت پروردگار و خلیفه اسرار ذاتی خود قرار داده‌ای.

از نامه‌تان مشخص است که علاقمند هستید بدانید که کدام یک بدعت، و کدامیک از آن شرک هستند، و آیا نماز پشت سر امامی که این دعا را می‌خواند جایز است یا نه؟

**پاسخ:** الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبی بعده وعلی آله وصحبه من اهتدى بهداه إلى یوم الدین، أما بعد:

بدان که خداوند خلق را آفریده و پیامبران ﻹ را فرستاده تا فقط و تنها او عبادت شود، نه غیر از او، چنان که می‌فرمايد: ﮋﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الشورى: 56]. «من جن و انس را نيافريدم (و پيامبران را برنگزيدم) جز براى اينكه عبادتم كنند».

عبادت یعنی اینکه با انجام دادن، و با پرهیز از آنچه خدا و رسول از آن نهی كرده‌اند از خدا و پیامبر اطاعت شود، و به خدا و رسول او ایمان داشته باشیم، و عمل را خالصانه و فقط برای خدا با نهایت محبت و کمال فروتنی انجام دهیم، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [الإسراء: ٢٣]. «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستيد». یعنی خداوند فرمان داده و توصیه نمود که تنها او پرستش شود. و می‌فرمايد: ﮋ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﮊ [الفاتحة: 2-5]. «ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است». خداوند متعال با این آیات روشن کرده است که تنها او مستحق عبادت است، و تنها او سزاوار است که از او کمک خواسته شود، و خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮊ [الزمر: 2]. «پس خدا را پرستش كن و دين خود را براى او خالص گردان». و می‌فرمايد: ﮋﯓ ﯔﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚﮊ [غافر: ١٤]. «(تنها) خدا را بخوانيد و دين خود را براى او خالص كنيد، هرچند كافران ناخشنود باشند». و می‌فرمايد: ﮋﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ (الجن: 18). «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد». و آیات زیادی در این مورد است و همه بر این دلالت می‌نمايد که واجب است که عبادت تنها و فقط برای الله انجام شود، و مشخص است که دعا با همه انواعش از عبادت است، پس با توجه به این آیات و آنچه در این مورد آمده است برای هیچ کسی جایز نیست که جز خداوند کسی را به فریاد بخواند، و یا از کسی کمک و یاری بجوید، اما در امور عادی و طبیعی و اسباب محسوس که مخلوق زنده‌ی حاضر توانایی آن را دارد کمک خواستن اشکالی ندارد، چون اینها عبادت نیستند، بلکه بر اساس تصریح نصوص و اجماع جایز است که انسان از انسان زنده‌اى که توانایی دارد در امور عادی کمک بگیرد، مثل اینکه برای دفع شر فرزند یا خدمتگذار یا سگش از او کمک بخواهد، یا اینکه انسان برای فردی دیگر که زنده است و توانایی دارد بنویسد، و از او کمک بخواهد، که او را در ساختن خانه‌اش یا درست کردن ماشین یاری کند، و به همین صورت در داستان موسی اشاره شده است: ﮋﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﮊ [القصص: 15]. «آن كه از پيروان او بود در برابر دشمنش از وى تقاضاى كمك نمود». همچنین کمک گرفتن انسان از یارانش در جهاد و جنگ از همین نوع است. اما کمک خواستن از مرده‌ها و جن‌ها و ملائکه و درختان و سنگ‌ها شرک اکبر است، و کاری است که مشرکین در مورد معبودان خود همچون لات و عزی و غیره انجام می‌دادند، و همچنین کمک خواستن از افراد زنده‌اى که فرد معتقد به ولایت آنهاست، کمک خواستن در آنچه جز خداوند بر آن قادر نیست مثل شفا دادن مریض و هدایت، رفتن به بهشت و نجات از دوزخ و امثال آن شرک اکبر است، آیات گذشته و دیگر آیاتی که به معنای آن آمده‌اند همه بر این دلالت می‌نمايند که متوجه شدن دلها در همه کارها به سوی خدا و خاص کردن عبادت فقط برای خدا واجب است، چون بندگان برای همین هدف آفریده شده‌اند، و به همین فرمان یافته‌اند، چنانکه در آیات سابق بیان شد، و چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [النساء: 36]. «و خدا را بپرستيد! و هيچ‏چيز را همتاى او قرار ندهيد». و می‌فرمايد: ﮋﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮊ [البينة: 5]. «و دستوري به آنها داده نشده بود جز اين كه خدا را بپرستند، در حالي كه دين خود را براي او خالص كنند». و پیامبرص در حدیثی که معاذ روایت می‌كند فرمود: (حق خداوند بر بندگان این است که او را بپرستند و چیزی را با او شریک نسازند) و ابن مسعود روایت می‌كند که پیامبر ص فرمودند: (هر کسی بمیرد در حالی‌که که همتایی برای خدا قرار می‌دهد و به فریاد می‌خواند، به دوزخ می‌رود). بخاری. و در صحیحین از ابن عباس م روایت است که پیامبرص وقتی او را به یمن فرستاد به او گفت: (تو نزد قومی که اهل کتاب هستند می‌روی پس اولین چیزی که باید آنان را به آن دعوت دهی گواهی دادن به اینکه هیچ معبود به حقی جز الله نیست)، و در عبارتی دیگر آمده است: (آنان را به این دعوت بده که هیچ معبود به حقی جز الله نیست و من پیغمبر خدا هستم).

و در روایت بخاری آمده است (آنها را به این دعوت بده که خدا را یگانه بدانند).

و در مسلم از طارق بن اشیم اشجعی روایت است که پیامبر ص فرمود: (هر کسی خدا را یگانه بداند و به آنچه غیر از خدا پرستش می‌شود کفر بورزد، خون و مال او مصون است، و حساب او با خداوند عز وجل است). و احادیث زیادی در این مورد آمده است، و این توحید اصل و اساس دین اسلام و پايه امت و رأس دستور و اساس فرائض است، و حکمت از آفرینش جن‌ها و انس‌ها توحید است، و حکمت و فلسفه ارسال پیامبران هم همین است، چنانکه در آیات سابق دال بر این هستند بیان شد، از آن جمله اینکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الذاريات: 56]. «من جن و انس را نيافريدم جز براى اينكه عبادتم كنند».

و می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: ٣٦]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد!». و می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﮊ [الأنبياء: 25]. «ما پيش از تو هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: معبودى بحق جز من نيست؛ پس تنها مرا پرستش كنيد».

و خداوند در مورد نوح و هود و صالح و شعیب ﻹ می‌فرمايد که آنها به قوم خویش گفتند: ﮋﯢ ﯣﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨﮊ [الأعراف: 65]. «(تنها) خدا را پرستش كنيد، كه جز او معبودى براى شما نيست». و این دعوت همه پیامبران است، چنانکه دو آیه گذشته بر این دلالت می‌نمايند، و دشمنان پیامبران اعتراف كرده‌اند که پیامبران آنها را فرمان می‌دهند که تنها خدا را عبادت کنند، و از معبودانی که علاوه از خدا پرستش می‌شوند دست بکشند، چنانکه خداوند عزوجل در داستان عاد می‌گويد که آنها به هود؛ گفتند: ﮋﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀﮊ [الأعراف: 70]. «گفتند: آيا به سراغ ما آمده‏اى كه تنها خداى يگانه را بپرستيم، و آنچه را پدران ما مى‏پرستند، رها كنيم؟!». و خداوند در مورد قریش می‌گويد که وقتی پیامبرمان محمد ص آنها را به اینکه تنها خدا را پرستش کنند و آنچه از ملائکه و اولیاء و بت‌ها و درختانی که علاوه از خداوند آن را می‌پرستند رها کنند گفتند: ﮋﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ [ص: 5]. «آيا او بجاى اينهمه خدايان، خداى واحدى قرار داده؟! اين براستى چيز عجيبى است!». و خداوند متعال درباره آنها می‌فرمايد: ﮋﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ [الصافات: 35-36]. «چرا كه وقتى به آنها گفته مى‏شد: معبودى جز خدا وجود ندارد، تكبر و سركشى مى‏كردند. و پيوسته مى‏گفتند: آيا ما معبودان خود را بخاطر شاعرى ديوانه رها كنيم؟!». و آیات زیادی هست که بر این معنی دلالت می‌نمايد، و از آیات و احادیثی که ذکر نمودیم برایتان روشن می‌گردد که این دعاها و انواع کمک خواسته‌هایی که تو در سوال خود آنرا بیان کرده‌ای همه از انواع شرک اکبر هستند، چون اینها یعنی عبادت و پرشتش غیر از الله، در این دعاها چیزهایی از مرده‌ها خواسته شده که جز الله کسی دیگر توانایی انجام آن را ندارد، و این از شرک مشرکین گذشته زشت‌تر و و بدتر است، چون مشرکین قدیم فقط در حالت آسایش و راحتی شرک می‌ورزيدند، اما در سختی عبادت را فقط خاص خدا می‌كردند، چون آنها می‌دانستند که تنها خداوند مى‌تواند آنها را از سختی نجات دهد، چنانکه خداوند در مورد این مشرکین در کتابش می‌فرمايد: ﮋﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲﮊ [العنكبوت: 65]. «هنگامى كه بر سوار بر كشتى شوند، خدا را با اخلاص مى‏خوانند (و غير او را فراموش مى‏كنند)؛ اما هنگامى كه خدا آنان را به خشكى رساند و نجات داد، باز مشرك مى‏شوند». و خداوند متعال در آیه‌ای دیگر خطاب به آنان می‌گويد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤﮊ [الإسراء: 67]. «و هنگامى كه در دريا ناراحتى به شما برسد، جز او، تمام كسانى را كه (براى حل مشكلات خود) مى‏خوانيد، فراموش مى‏كنيد؛ اما هنگامى كه شما را به خشكى نجات دهد، روى مى‏گردانيد؛ و انسان، بسيار ناسپاس است». اگر کسی از مشرکین این زمان بگوید: هدف ما این نیست که اینها خودشان ما را شفا می‌دهند یا به ما سود و زیان می‌رسانند، بلکه هدف ما این است که اینها در این مورد پیش خدا برای ما شفاعت کنند؟

در پاسخ باید گفت:

هدف و مقصد کفار گذشته همین بود، و منظور آنها این نبود که معبودانشان می‌آفرینند، و روزی می‌دهند، یا خودشان می‌توانند سود و زیان برسانند، و آنچه خداوند در قرآن در مورد مشرکین گفته است که منظور آنها شفاعت و مقام معبودانشان بوده و می‌خواسته‌اند که آنها را به خدا نزدیک کنند ادعای شما را باطل می‌كند، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮊ [يونس: 18]. «آنها غير از خدا، چيزهايى را مى‏پرستند كه نه به آنان زيان مى‏رساند، و نه سودى مى‏بخشد؛ و مى‏گويند: «اينها شفيعان ما نزد خدا هستند!». سپس خداوند ادعای آنها را رد می‌كند و می‌گويد: ﮋ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﮊ [يونس: 18]. «بگو: آيا خدا را به چيزى خبر مى‏دهيد كه در آسمانها و زمين سراغ ندارد؟! منزه است او، و برتر است از آن همتايانى كه قرار مى‏دهند».

پس خداوند بیان می‌دارد که او در آسمانها و زمین از شفاعت کننده‌ای که نزد او شفاعت کند به صورتی که منظور مشرکین است سراغ ندارد، و آنچه را که خدا نمی‌داند وجودی ندارد؛ چون هیچ چیزی برای خداوند پوشیده و پنهان نیست، و می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [الزمر: 1-3]. «اين كتابى است كه از سوى خداوند عزيز و حكيم نازل شده است. ما اين كتاب را بحق بر تو نازل كرديم؛ پس خدا را پرستش كن و دين خود را براى او خالص گردان! آگاه باشيد كه دين خالص از آن خداست». پس خداوند روشن می‌نمايد که عبادت مختص اوست، و بندگان بايد آنرا خاص خداوند کنند، چون وقتی خداوند پیامبرش را به خاص کردن عبادت برای خدا فرمان می‌دهد در حقیقت به همه مردم فرمان می‌دهد، و دین در اینجا یعنی عبادت، و عبادت همانطور که قبلا گذشت یعنی اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر ص، و دعا و کمک خواستن، و ترس و امید، و ذبح نذر در عبادت داخل هستند، همانطور که نماز و روزه و دیگر چیزهایی که خدا و پیامبرش به آن فرمان داده‌اند از زمره عبادت می‌باشد، سپس بعد از این خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮊ [الزمر: 3]. «و آنها كه غير خدا را اولياى خود قرار دادند و دليلشان اين بود كه: «اينها را نمى‏پرستيم مگر بخاطر اينكه ما را به خداوند نزديك كنند». یعنی می‌گويند ما آنها را عبادت می‌کنیم تا ما را به خدا نزدیک کنند، خداوند با رد ادعای آنها می‌گويد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮊ [الزمر: 3]. «خداوند روز قيامت ميان آنان در آنچه اختلاف داشتند داورى مى‏كند؛ خداوند آن كس را كه دروغگو و كفران‏كننده است هرگز هدايت نمى‏كند!». پس خداوند متعال در این آیه کریمه توضیح می‌دهد که کافران معبودان غیر از خدا را فقط به خاطر این پرستش می‌كردند که آنها را به خدا نزدیک کنند، و مقصد کفار در گذشته و حال همین بوده است، و خداوند این را ابطال می‌نمايد و می‌گويد: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮊ [الزمر: 3]. «خداوند روز قيامت ميان آنان در آنچه اختلاف داشتند داورى مى‏كند؛ خداوند آن كس را كه دروغگو و كفران‏كننده است هرگز هدايت نمى‏كند!». پس خداوند دروغ آنها را در ادعای اینکه معبودانشان آنان را به خدا نزدیک می‌كند و کفرشان را که با عبادت معبودان باطل به خدا کفر ورزیده‌اند را واضح نموده، و اگر کسی اندکی درک و تشخیص داشته باشد می‌داند که علت کفر کافران گذشته این بود که آنها پیامبران و اولیاء و درختان و سنگ‌ها و دیگر مخلوقات را میان خود و خداوند میانجی و شفاعت کننده قرار داده بودند، و معتقد بودند که اینها نیازهای آنان را بدون اجازه و رضامندی خداوند بر آورده می‌سازد، چنانکه وزيران پادشاهان را سفارش می‌كنند، پس آنها خداوند عز وجل را با پادشاهان و رهبران مقایسه کرده و می‌گفتند: همانطور که هر کسی نیاز و کاری با پادشاه داشته باشد خواص و وزراء پادشاه را شفیع و میانجی قرار می‌دهد، ما هم با پرستش پیامبر و اولیا خود را به خدا نزدیک می‌کنیم، و این فکر نهایت باطل و پوچی است، چون خداوند شبیه و همتایی ندارد، و با آفريده‌هايش مقایسه نمی‌شود، و هیچ کسی نزد او شفاعت نمی‌كند مگر آنکه خداوند به او اجازه شفاعت بدهد، خداوند فقط برای اهل توحید اجازه شفاعت می‌دهد، و خداوند متعال بر هر چیزی تواناست، و به همه چیز داناست، و او مهربان‌ترین مهربانان است، از هیچ کسی نمی‌ترسد، چون او تعالی بر بندگانش تسلط كامل دارد و هر طور بخواهد در آنان تصرف می‌نمايد و به خلاف پادشاهان و رهبران که آنها بر همه چیز توانایی ندارند، از این رو به افرادی نیازمندند که در کارهایی که ممکن است نتوانند انجام دهند آنها را کمک نمایند، بنابراین به وزراء و لشکریانش نیاز دارند، و همچنین آنها به افرادی نیاز دارند که نیازهای کسانی را که آنها نیازهایشان را نمى‌دانند به آنها بگویند، بنابراین باید افرادی از وزراء و خواص آنها را راضی کند و عاطفه‌شان را تحریک نماید، اما خداوند از همه آفريده‌هايش بی‌نیاز است، و خداوند نسبت به مردم از مادرانشان مهربانتر و او حاکم عادل است هر چیز را به اقتضای حکمت و علم و قدرت خویش در جای آن قرار می‌دهد، پس جایز نیست که به هیچ صورتی خداوند با آفريده‌هايش مقایسه شود، بنابراین خداوند در کتاب خویش توضیح می‌دهد که مشرکین اعتراف می‌كردند که آفریننده، روزی دهنده، تدبیر کننده خداوند است، اقرار می‌كردند که او به درمانده کمک می‌كند و بلا را دور می‌سازد، و زنده می‌كند و می‌میراند و کشمکش و مجادله بین مشرکین و پیامبران فقط در خاص کردن عبادت برای خداوند بود چنانچه خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﮊ [الزخرف: 87]. «و اگر از آنها بپرسى چه كسى آنان را آفريده، قطعا مى‏گويند: خدا». و می‌فرمايد: ﮋﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊ [يونس: 31]. «بگو: «چه كسى شما را از آسمان و زمين روزى مى‏دهد؟ يا چه كسى مالك (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه كسى زنده را از مرده، و مرده را از زنده بيرون مى‏آورد؟ و چه كسى امور (جهان) را تدبير مى‏كند؟» بزودى (در پاسخ) مى‏گويند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پيشه نمى‏كنيد (و از خدا نمى‏ترسيد)؟!». و آیات زیادی در این مورد آمده است و پیش‌تر آیاتی ذکر شدند که بر این دلالت داشتند که کشمکش و اختلاف میان پیامبران و امت‌ها در مورد اخلاص عبادت و خاص کردن طاعت برای خداوند بوده است، چنان که خداوند می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد». و دیگر آیاتی که در این مورد آمده است و خداوند در جاههای زیادی قضیه شفاعت را بیان کرده است، چنان که در سوره بقره می‌فرمايد: ﮋﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﮊ [البقرة: 255]. «كيست كه در نزد او، جز به فرمان او شفاعت كند؟!». و می‌فرمايد: ﮋﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕ ﰖ ﰗﮊ [النجم: 26]. «و چه بسيار فرشتگان آسمانها (با آن مقام و منزلتشان) شفاعت آنها سودى نبخشد مگر پس از آنكه خدا براى هر كس بخواهد و راضى باشد اجازه (شفاعت) دهد!». و در توصیف ملائکه می‌گويد: ﮋﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁﮊ [الأنبياء: 26]. «و آنها جز براى كسى كه خدا راضى (به شفاعت براى او) است شفاعت نمى‏كنند؛ و از ترس او بيمناكند». و خداوند عز وجل خبر داده است که او تعالی کفر را از بندگانش نمی‌پذيرد، و فقط شکر را از آنها می‌پسندد، و شکر یعنی یگانه داشتن خدا و اطاعت از او، و در سوره زمر می‌فرمايد: ﮋﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [الزمر: 7]. «اگر كفران كنيد، خداوند از شما بى‏نياز است و هرگز كفران را براى بندگانش نمى پسندد؛ و اگر شكر او را بجا آوريد آن را براى شما مى‏پسندد!».

و بخاری در صحیح خود از ابوهریره روایت می‌كند که او گفت: ای پیامبر خدا، شفاعت تو در روز قیامت بیشتر نصیب چه کسی می‌گردد؟ فرمود: «هر کسی خالصانه از ته قلب بگوید لا إله إلا الله». و از انس روایت است که پیامبر ص فرمود: «هر پیامبری دعایی دارد که اجابت می‌شود، همه پیامبران دعاهای خود را در دنیا كرده‌اند اما من دعایم را گذاشته‌ام تا در روز قیامت برای امت خود شفاعت کنم، پس شفاعت من به هر کسی از امت من که در حالی بمیرد که به خدا شرک نورزیده است می‌رسد». احادیث زیادی در این مورد آمده است و همه آیات و احادیثی که ذکر کردیم بر این دلالت می‌كنند که عبادت فقط و تنها حق خداوند است و جایز نیست که هیچ چیزی از عبادت برای پیامبران و غیره انجام شود، و شفاعت در اختیار خداوند است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮔ ﮕ ﮖ ﮗﮊ [الزمر: 44]. «بگو: تمام شفاعت از آن خداست». و هیچ کسی مستحق شفاعت قرار نمی‌گيرد مگر بعد از آنکه خداوند به شفاعت‌کننده اجازه دهد، و از کسی که در مورد او شفاعت می‌شود راضی باشد، و خداوند چنانکه قبلا گفته شد جز توحید چیزی را نمی‌پسندد، و مشرکین بهره‌ای از شفاعت ندارند، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔﮊ [المدثر: 48]. «از اين رو شفاعتِ شفاعت‌كنندگان به حال آنها سودي نمي‌بخشد». و می‌فرمايد: ﮋﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﮊ [غافر: 18]. «براى ستمكاران دوستى وجود ندارد، و نه شفاعت‌كننده‏اى كه شفاعتش پذيرفته شود». و ظلم وقتی بطور مطلق ذکر شود منظور از آن شرک است، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮟ ﮠ ﮡﮊ [البقرة: 254]. «و كافران، خود ستمگرند؛ (هم به خودشان ستم مى‏كنند، هم به ديگران)». و می‌فرمايد: ﮋﭱ ﭲ ﭳ ﭴﮊ [لقمان: 13]. «در حقيقت كه شرك، ظلم بزرگى است». اما آنچه شما بیان داشته‌ای که برخی از صوفیان در مساجد و جاههای دیگری می‌گويند: اللهم صل علی من جعلته سبباً لانشقاق أسرارك الجبروتیة وانفلاقاً لأنوارك الرحمانیة، فصار نائباً عن الحضرة الربانیة وخلیفة أسرارك الدنیویة... الخ.

در پاسخ باید گفت:

این کلام و امثال آن از جمله تکلف است که پیامبر ص از آن نهی کرده است، چنانکه مسلم در صحیح از عبد الله بن مسعود روایت می‌كند که پیامبر خدا ص فرمود: «سخت‌گیران و تکلف‌کنندگان هلاک شده‌اند» سه بار این جمله را تکرار فرمود، امام خطابی : می‌گويد: (متنطع) یعنی کسی که سخت گیری و تكلف می‌كند و به شیوه اهل کلام به دنبال چیزهایی می‌رود که فایده‌ای ندارد، و در قضایایی فرو می‌رود که به عقلشان نمی‌رسد.

و ابو السعادات ابن اثیر می‌گويد: (متنطعون: تکلف‌کنندگان) کسانی هستند که در سخن غلو و مبالغه می‌كنند و از ته گلو حرف می‌ زنند. و (متنطع) از نطع گرفته شده، و نطع یعنی ته کام، و به هر کسی که در سخن گفتن یا در عمل سخت گیری و تکلف می‌نمايد این کلمه اطلاق می‌گردد.

با توجه به معنایی که این دو امام از ائمه لغت و زبان گفته‌اند برای شما و برای هر صاحب فکری مشخص می‌شود که درود فرستادن بر پیامبر ص با این کیفیت نوعی تکلف است.

و از تکلف و سخت گیری نهی شده است و مسلمان باید در درود فرستادن بر پیامبر ص از شیوه‌ای استفاده کند که پیامبر برای درود فرستادن بر ایشان ص به مردم نشان داده است، و این کیفیت از دیگر صورت‌های درود، انسان را بی‌نیاز می‌گرداند، چنانکه بخاری و مسلم در صحیحین روایت می‌كنند، بخاری از کعب بن عجره روایت می‌كند که اصحاب ن گفتند: ای رسول خدا، به ما امر شده که بر تو درود بفرستیم پس چگونه بر تو درود بفرستيم؟ فرمود: (بگوئید: اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

و در صحیحین از ابی حمید ساعدی روایت است که آنها گفتند: ای رسول خدا چگونه بر تو درود بفرستیم؟ فرمود:(بگویید: اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

و در صحیح مسلم از ابی مسعود انصاری روایت است که گفت: بشیر بن سعد گفت: ای رسول خدا به ما فرمان داده شده که بر تو درود بفرستیم چگونه بر تو درود بفرستیم؟ پیامبر سکوت کرد سپس گفت: (بگویید: اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. سلام همانطور است که می‌دانید). بنابراین شایسته است مسلمان در درود فرستادن بر پیامبر ص از همین کلمات و امثال این که از پیامبر نقل شده‌اند استفاده کند، چون پیامبر ص از همه مردم بهتر می‌داند چه کلماتی باید در حق او بکار برده شود، همانطور که او بهتر می‌داند چه کلماتی باید در حق پروردگارش بکار برده شوند.

اما کلماتی که با تکلف ترتیب داده شوند و ساخته و پرداخته افراد باشند ممکن است معنای درستی نداشته باشد، مثل کلماتی که شما در سوال ذکر کرده‌اید، نباید این کلمات بکار برده شوند چون این تکلف است و ممکن است با معانی نادرستی تفسیر شوند و علاوه بر این کلماتی که رسول الله ص برای درود انتخاب نموده و امت را به آن راهنمایی کرده است مخالف هستند، و پیامبر ص از همه مردم داناتر و خیرخواه‌تر و دورتر از تکلف و سخت گیری است.

امیدوارم دلایلی که ما برای بیان حقیقت توحید و حقیقت شرک و فرق مشرکین گذشته با مشرکین این زمان ذکر کردیم و آنچه در مورد کیفیت درود فرستادن بر پیامبرص بیان داشتیم کفایت کند و طالب حق را کنترل نماید، اما کسی که که علاقه‌ای به شناخت حق ندارد او پیرو هوا و امیال نفس خود است، خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﮊ [القصص: 50]. «اگر اين پيشنهاد تو را نپذيرند، بدان كه آنان تنها از هوسهاى خود پيروى مى‏كنند! و آيا گمراهتر از آن كس كه پيروى هواى نفس خويش كرده و هيچ هدايت الهى را نپذيرفته، كسى پيدا مى‏شود؟! مسلما خداوند قوم ستمگر را هدايت نمى‏كند!». خداوند در این آیه بیان می‌دارد که مردم در برابر هدایت و دین حقی که خداوند پیامبران را با آن مبعوث کرده است دو گروه هستند: یکی پیام خدا و پیامبرش را می‌پذيرد، و گروه دوم پیرو هوای نفس خود هستند، و خداوند خبر داده که هیچ کسی گمراه‌تر از کسی نیست که از هوای نفس خود پیروی می‌كند.

از خداوند مسئلت می‌نماييم که ما را از پیروی و اطاعت از هوای نفس مصون و محفوظ بدارد، و همچنین از او تعالی می‌خواهیم که ما و شما و سایر برادران ما را از زمره کسانی بگرداند که فرمان خدا و پیامبر را می‌پذيرند و شریعت او را بزرگ و محترم می‌دارند، و از همه بدعتها و هوا پرستی‌هایی که مخالف شریعت هستند پرهیز می‌كنند، بیگمان خداوند بخشنده و بزگوار است.

**وصلى الله علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وأصحابه وأتباعه بإحسان إلى یوم الدین**([[2]](#footnote-2)).

پرهیز از بدعت‌ها

رساله اول: حکم جشن گرفتن برای میلاد پیامبر ص و غیره

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن اهتدی بهداه، أما بعد:

بسیاری در مورد حکم جشن گرفتن برای میلاد پیامبر ص و بلند شدن برای ایشان در مراسم جشن و سلام دادن بر او و دیگر کارهایی که در جشن میلاد انجام می‌شوند می‌پرسند.

**در پاسخ باید گفت:** جشن گرفتن برای میلاد پیامبر و یا کسی دیگر جایز نیست؛ چون این کارها از بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده است و پیامبر ص و خلفای راشدین و دیگر صحابه رضوان الله علیهم و تابعین در قرن‌هایی که فضیلت داده شده‌اند این کار را نكرده‌اند و حال آنکه آنها سنت را بهتر می‌دانسته‌اند و بیشتر پیامبر ص را دوست می‌داشته‌اند و از بعدی‌ها بیشتر پیرو ایشان بودند، و از پیامبر ص روایت است که فرمود: (هر کس در کار ما چیزی ایجاد کند که از ما نیست مردود است). و در حدیثی دیگر می‌گويد: (به سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته تمسک بجویید و با دندان آنرا بگیرید و از چیزهای تازه ایجاد شده بپرهیزید، هر چیز تازه‌ای بدعت است و هر بدعتی گمراهی است). پس در این دو حدیث به شدت از ایجاد بدعت و عمل کردن به آن بر حذر داشته است و خداوند متعال در کتابش می‌فرمايد: ﮋﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮊ [الحشر: 7]. «آنچه را رسول خدا براي شما آورده بگيريد (و اجرا كنيد) و آنچه نهي كرده خوداري نمائيد، و از (مخالفت) خدا بپرهيزيد». و خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮊ [النور: 63]. «پس آنان كه فرمان او را مخالفت مى‏كنند، بايد بترسند از اينكه فتنه‏اى دامنشان را بگيرد، يا عذابى دردناك به آنها برسد». و می‏فرمايد: ﮋﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﮊ [الأحزاب: 21]. «مسلما براى شما در زندگى رسول خدا سرمشق نيكويى بود، براى آنها كه اميد به رحمت خدا و روز رستاخيز دارند و خدا را بسيار ياد مى‏كنند». و می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [التوبة: 100]. «پيشگامان نخستين از مهاجرين و انصار، و كسانى كه به نيكى از آنها پيروى كردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نيز) از او خشنود شدند؛ و باغهايى از بهشت براى آنان فراهم ساخته، كه نهرها از زير درختانش جارى است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و اين است پيروزى بزرگ». و می‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮊ [المائدة: 3]. «امروز، دين شما را كامل كردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پذيرفتم». و آیات زیادی در این مورد آمده است.

و ایجاد چنین جشن‌هایی برای میلاد پیامبر به معنی این است که خداوند دین را برای این امت کامل نکرده است و پیامبر ص آنچه را که امت باید انجام دهد به امت نرسانیده است، تا اینکه این‌ها آمده‌اند چیزهایی در شریعت خداوندی ایجاد كرده‌اند که به آن فرمان نداده است، و گمان می‌برند این کار آنها را به خدا نزدیک می‌كند، تردیدی نیست که این خطر بزرگی است و به معنی اعتراض کردن بر خداوند و پیامبرش می‌باشد و حال آنکه خداوند دین را برای بندگانش کامل نموده و نعمت را بر آنها اتمام کرده است.

و پیامبر ص به طور واضح و آشکار دین را به مردم رسانیده است، و هیچ راهی که انسان را به بهشت می‌رساند و از جهنم دور می‌كند را نگذاشته مگر اینکه آن را برای امت بیان نموده است، چنان که در حدیث صحیح از عبدالله بن عمروب روایت است که گفت: پیامبر خدا ص فرمود: (خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر اینکه بر او لازم بوده که امت خود را به سوی خوبی‌هایی که می‌داند، و آنها را از شر آنچه می‌داند بترساند). مسلم.

و مشخص است که پیامبر ما محمد ص برترین و آخرین پیامبر است و از همه پیام الهی را کاملتر رسانیده و در خیر خواهی از همه کاملتر است، پس اگر جشن گرفتن برای تولد از دین و مورد پسند خداوند می‌بود پیامبر ص آنرا برای امت بیان می‌کرد، یا در دوران حیاتش آنرا انجام می‌داد، و یا اصحاب او ن آنرا انجام می‌دادند، پس وقتی هیچ کسی از آنان این کار را نکرده است، مشخص است که این کار از اسلام نیست، بلکه از زمره بدعتهایی است که پیامبر ص امت خویش را از آن برحذر داشته است، چنانکه در دو حدیث سابق بیان شد، و احادیث دیگری نیز به همین مفهوم آمده‌اند، مثل اینکه پیامبر ص در خطبه جمعه می‌گفت: (اما بعد: بهترین سخن کتاب خداست، و بهترین رهنمود، رهنمود محمد ص است، و بدترین امور چیزهای تازه ایجاد شده می‌باشند و هر بدعتی گمراهی است). مسلم.

و آیات و احادیث زیادی در این مورد آمده است و گروهی از علما به صراحت جشن‌های تولد را رد کرده و از آن بر حذر داشته‌اند، اما برخی از متأخرین مخالفت کرده و گفته‌اند اگر جشن با منکراتی همچون غلو در مورد پیامبر و اختلاط زنان و مردان، استفاده از وسایل لغو و لهو و دیگر منکرات همراه نباشد جایز است، و آنها ادعا كرده‌اند که این جشن‌ها بدعت حسنه هستند، اما قاعده شرعی این است که مردم وقتی در چیزی اختلاف می‌كنند باید آنرا به کتاب خدا و سنت پیامبرش محمد ص ارجاع دهند، چنانکه خداوند عز وجل می‌فرمايد: ﮋﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒﮊ [النساء: 59]. «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اطاعت كنيد خدا را! و اطاعت كنيد پيامبر خدا و اولو الامر ( علما و حكام مسلمان) را! و هرگاه در چيزى نزاع داشتيد، آن را به خدا و پيامبر بازگردانيد (و از آنها داورى بطلبيد) اگر به خدا و روز رستاخيز ايمان داريد! اين (كار) براى شما بهتر، و عاقبت و پايانش نيكوتر است». و می‌فرمايد: ﮋﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊ [الشورى: 10]. «در هر چيز اختلاف كنيد، داوريش با خداست». و ما مسئله جشن میلاد را به کتاب خدا وقتی ارجاع مى‌دهيم و می‌بینیم که کتاب خدا ما را به پیروی از پیامبر ص فرمان می‌دهد و ما را از آنچه ایشان ص نهی کرده است برحذر می‌دارد، و به ما می‌گويد که خداوند برای این امت دین را کامل گردانیده است، و این جشن گرفتن از تعالیم پیامبر ص نیست، بنابراین از دینی که خداوند برای ما آنرا تکمیل نموده و به ما فرمان داده که در آن از پیامبر اطاعت کنیم نیست، و همچنین زمانیکه آنرا به سنت پیامبر ارجاع مى‌دهيم می‌بینیم که نه پیامبر جشن تولد گرفته، و نه به آن فرمان داده است، و نه اصحاب او ن این کار را كرده‌اند، پس می‌دانیم که این از دین نیست بلکه بدعتی است که ایجاد شده است، و نوعی اختیار مشابهت یهود و نصارا است که چنین جشن‌هایی بر پا می‌كنند، بنابراین برای هر کسی که کوچکترین بینش و علاقه‌ای به پذیرفتن حق داشته باشد واضح است که جشن گرفتن برای میلاد از دین اسلام نیست، و بلکه از بدعت‌هایی است که تازه ایجاد گردیده‌اند، و خداوند و پیامبرش ما را به دوری از آن فرمان داده‌اند، و نباید از اینکه مردم در سایر کشورها این مراسم را جشن می‌گيرند فریب خورد، چون که معیار حق عمل اکثریت نیست، بلکه حق فقط با دلايل شرعی شناخته می‌شود، چنانکه خداوند متعال در مورد یهود و نصارا می‌گويد: ﮋﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺﮊ [البقرة: 111]. «آنها گفتند: هيچ كس، جز يهود يا نصارى، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. اين آرزوى آنهاست! بگو: اگر راست مى‏گوييد، دليل خود را (بر اين موضوع) بياوريد!». و می‌فرمايد: ﮋﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢﮊ [الأنعام: 116]. «اگر از بيشتر كسانى كه در روى زمين هستند اطاعت كنى، تو را از راه خدا گمراه مى‌كنند».

و اغلب این جشن‌ها با اینکه بدعت هستند منکرات دیگری همچون اختلاط زنان و مردان و استفاده از موسیقی و نوشیدن چیزهای مست کننده و مخدر و غیره را به همراه دارند، گاهی منکرات بزرگتر از این در آن یعنی شرک اکبر رخ می‌دهد و بر پا کنندگان مراسم با غلو در وصف رسول خدا یا در وصف دیگر اولیا و به فریاد خواندن پیامبر و کمک خواستن از او و اعتقاد داشتن به او که او غیب می‌داند و دیگر امور کفر آمیزی که بسیاری از مردم در جشن میلاد دچار شرک اکبر می‌گردند، و در حدیث صحیح از پیامبر ص روایت است که فرمود: (از غلو و افراط در دین بپرهیزید، آنچه کسانی را که پیش از شما بودند هلاک کرد غلو در دین بود). و می‌فرمايد: (در مورد من غلو و افراط نکنید آنگونه که نصارا در مورد پسر مریم غلو و افراط کردند، من بنده‌ای هستم، پس بگویید بنده خدا و پیغمبرش). بخاری.

و یکی از شگفتی‌ها این است که بسیاری از مردم برای شرکت در این مراسم‌هایی که ساخته و پرداخته بدعت‌گذاران هستند تلاش می‌كنند و دفاع می‌نمايند، اما در نمازهای جمعه و جماعت که خداوند آن را بر آنها فرض نموده شرکت نمی‌كنند و به آن توجهی نمی‌كنند که منکر بزرگی انجام داده‌اند، بدون تردید که علت این کار ضعف ایمان و کمبود بینش و انباشته شدن زنگار انواع گناهان بر دلهاست، از خدا می‌خواهیم که ما و سایر مسلمین را نجات دهد.

بعضی گمان می‌برند که پیامبر ص در جشن میلاد حاضر می‌شود و به خاطر این به احترام او بلند می‌شوند و به او خوش آمد می‌گويند، و این کار بس باطل و از زشت‌ترین نوع جهالت است، چون پیامبر ص قبل از روز قیامت از قبرش بلند نمی‌شود، و با هیچ کسی از مردم ارتباط برقرار نمی‌كند، و روح او در اعلی علیین در بهشت برین است، چنان که خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦﮊ [المؤمنون: 15-16]. «سپس شما بعد از آن مى‏ميريد. سپس در روز قيامت برانگيخته مى‏شويد».

و پیامبر ص فرمود: (من اولین کسی هستم که در روز قیامت قبر او شکافته می‌شود، و من اولین شفاعت کننده و اولین کسی هستم که شفیع قرار داده می‌شوم) پس این آیه کریمه و حدیث شریف و دیگر آیات و احادیث که به معنای آن آمده‌اند همه بر این دلالت می‌نمايند که پیامبر ص و دیگر مرده‌ها در روز قیامت از قبرهایشان بیرون می‌آيند، و این امری است که همه علمای مسلمین بر آن اجماع دارند و در آن میان آنها اختلافی نیست، پس باید هر مسلمانی این چیزها را بداند و از بدعت‌ها و خرافات بی دلیلی که افراد جاهل و امثالشان ایجاد كرده‌اند بپرهیزد.

اما درود فرستادن بر پیامبر ص از برترین عبادتها است و از اعمال صالح می‌باشد چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮊ [الأحزاب: 56]. «خدا و فرشتگانش بر پيامبر درود مى‏فرستد؛ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، بر او درود فرستيد و سلام گوييد و كاملا تسليم (فرمان او) باشيد». و پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی یک بار بر من درود بفرستد خداوند در عوض ده بار برای او درود می‌فرستد).

و در همه اوقات می‌توان درود فرستاد و در آخر نمازها بر آن تاکید شده و نزد همه علماء در تشهد اخیر درود خواندن واجب است، و در جاهای زیادی همچون بعد از اذان و به هنگام شنیدن نام پیامبر ص و در شب و روز جمعه، سنت موکده است.

از خداوند می‌خواهیم که به ما و همه مسلمین توفیق آگاهی یافتن در دین و پایداری بر آن را عنایت کند و به ما تمسک به سنت و پرهیز نمودن از بدعت را ارزانی کند، بی‌گمان او تعالی بخشنده و بزرگوار است.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه.

**\*\*\***

رساله دوم: جشن گرفتن در شب اسراء و معراج

**الحمد لله، والصلوة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه. أما بعد:**

تردیدی نیست که اسراء و معراج از نشانه‌های بزرگ الهی هستند كه بر صداقت پیامبر ص بر بالا بودن جایگاه ایشان نزد خداوند دلالت دارد، همانطور که نشانه قدرت آشکار خداوند بر بالاتر بودن از همه آفريده‌هايش قرار دارد، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﮊ [الإسراء: 1]. «پاك و منزه است خدايى كه بنده‏اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصى -كه گرداگردش را پربركت ساخته‏ايم- برد، تا برخى از آيات خود را به او نشان دهيم؛ چرا كه او شنوا و بيناست».

و به تواتر از پیامبر ص ثابت شده که او به آسمانها برده شده و دروازه آسمانها بروی او گشوده شده‌اند تا اینکه از آسمان هفتم گذشته است، و خداوند با او آنچه خواسته سخن گفته است و نمازهای پنج‌گانه را بر او فرض گردانیده است، خداوند ابتدا پنجاه نماز بر او فرض کرد، اما پیامبر باز به خداوند مراجعه نمود و خواست تخفیف به او بدهد و همچنان به مراجعه ادامه داد تا اینکه نمازها پنج تا شدند، پس پنج نماز فرض است، و پاداش آن پاداش پنجاه نماز می‌باشد، چون پاداش هر نیکی ده برابر می‌شود. خداوند را به خاطر همه نعمتهایش سپاس می‌گوییم.

شبی که واقعه اسراء و معراج رخ داد در احادیث صحیح مشخص نشده که در رجب است یا در ماهی دیگر، و همه روایاتی که این شب را تعیین می‌كنند نزد علمای اهل حدیث ثبوت ندارند، و خداوند حکمت والایی در مشخص نکردن و بردن آن از یاد مردم دارد، و اگر هم مشخص باشد برای مسلمین جایز نیست که در آن بصورت ویژه عبادتهایی انجام دهند، و جایز نیست که آنرا جشن بگیرند؛ چون پیامبر ص و اصحابش این شب را جشن نگرفته‌اند، و چیزی ویژه آن نكرده‌اند، و اگر جشن گرفتن جایز می‌بود پیامبر ص این مسئله را برای امت توضیح می‌داد و اگر چنین کاری انجام می‌داد همه آنرا می‌دانستند، و اصحاب ن آنرا برای ما نقل می‌كردند، چنان که همه آن چیزی که امت بدان نیاز دارد نقل نموده‌اند و در نقل دین هیچ کوتاهی نورزیده‌اند، و بلکه آنها برای انجام هر خیر و خوبی پیشگام بوده‌اند، پس اگر جشن گرفتن در این شب مشروع و جایز بود آنها پیش از همه مردم آنرا انجام می‌دادند، و پیامبر ص از همه مردم برای مردم خیر خواه‌تر است و ایشان رسالت را تا آخرین حد به مردم رسانیده و امانت را ادا کرده است، بنابراین اگر بزرگداشت این شب و جشن گرفتن آن از دین می‌بود پیامبر ص از آن غافل نمی‌ماند و آن را پنهان نمی‌کرد، پس وقتی پیامبر این را نگفته و انجام نداده است معلوم می‌شود که جشن گرفتن و بزرگداشت این شب از اسلام نیست، و خداوند دین این امت را تکمیل کرده است و نعمت را بر آنان اتمام نموده و کسی که در دین چیزی را مشروعیت بدهد که خداوند به آن فرمان نداده رد کرده است، چنانکه خداوند متعال در سوره مائده می‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮊ [المائدة: 3]. «امروز، دين شما را كامل كردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پذيرفتم». و می‌فرمايد: ﮋﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﮊ [الشورى: 21]. «آيا معبودانى دارند كه بى‏اذن خداوند آيينى براى آنها ساخته‏اند؟! اگر مهلت معينى براى آنها نبود، در ميانشان داورى مى‏شد (و دستور عذاب صادر مى‏گشت) و براى ظالمان عذاب دردناكى است». و در احادیث صحیح از رسول خدا ص ثابت است که از بدعتها بر حذر داشته و تصریح نموده که هر بدعتی گمراهی است، و اینگونه امت را از خطر بدعت آگاه کرده و آنها را از ارتکاب آن بر حذر داشته است، از آن جمله اینکه در صحیحین از عایشه ك روایت که پیامبر ص فرمود: (هر کسی در امر ما چیزی ایجاد کند که از آن نیست مردود است). و در روایتی از مسلم آمده است: (هر کسی کاری کند که امر و دستور ما بر آن نیست کارش مردود است). و همچنین در صحیح مسلم از جابر روایت است که می‌گويد: پیامبر ص در خطبه روز جمعه خود می‌گفت: (اما بعد: بهترین سخن کتاب خداست، و بهترین رهنمود، رهنمود محمد ص و بدترین امور چیزهای تازه ایجاد شده هستند و هر بدعتی گمراهی است).

و نسایی با سند جید اضافه کرده: (و هر گمراهی در جهنم است) و در سنن از عرباض بن ساریه روایت است که می‌گويد: پیامبر ص برای ما موعظه رسایی ایراد کرد که دلها از آن به لرزه افتادند و اشک از چشمان جاری شد آنگاه ما گفتیم: ای رسول خدا، گویا موعظه کسی است که می‌خواهد خداحافظی کند، پس ما را وصیت کن، فرمود: (شما را توصیه می‌کنم که تقوای الهی را پیشه کنید، و گوش دهید و فرمان برید، حتی اگر برده حبشی امیرتان شد، هر کسی از شما بعد از من زنده بماند اختلاف زیادی می‌بیند، پس شما سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته که بعد از من می‌آيند را لازم بگیرید و به آن تمسک بجویید و با دندان به آن چنگ بزنید، و از بدعتها و چیزهای تازه ایجاد شده بپرهیزید، و هر چیز تازه ایجاد شده بدعت است و هر بدعتی گمراهی است) و احادیث زیادی در این باره آمده است و از اصحاب پیامبرص و از سلف صالح که بعد از آنان آمده‌اند ثابت است که از بدعتها بر حذر می‌داشته‌اند چون بدعت اضافه کردن در دین و شریعتی است که خداوند به آن فرمان نداده است، و بدعت‌گذارى نوعی مشابهت با دشمنان خدا یعنی یهود و نصارا است که آنها در دین خود چیزهایی اضاف کردند و بدعتهایی ایجاد کردند که خداوند به آن فرمان نداده بود، و ایجاد بدعت یعنی خرده گرفتن از دین اسلام و متهم کردن به عدم کمال، و مشخص است که این چیز فسادی بزرگ و منکری زشت و مخالفت با فرموده الهی است که می‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ و مخالفت صریح با حدیث پیامبر ص است که در آن از بدعتها بر حذر داشته است، و دلایلی که در رد بدعت جشن گرفتن شب اسراء و معراج و برای بر حذر داشتن از آن، و جهت اثبات اینکه به دین تعلقی ندارد ذکر نمودیم، کفایت می‌كند، و طالب حق را قانع می‌نمايد، و از آنجا که خداوند خیر خواهی برای مسلمین و بیان دین را واجب نموده و کتمان علم را حرام کرده است، بر آن شدم که برادران مسلمانم را از این بدعت آگاه کنم، بدعتی که در بسیاری از شهرها رواج یافته است تا جاییکه بعضی از مردم آنرا از دین مى‌دانند. و از خداوند مسئلت می‌نمایيم که حالات همه مسلمین را بهبودی ببخشد، و به آنان آگاهی در دین ارزانی کند، و ما و آنان را به تمسک حق و پایداری بر آن و ترک آنچه با حق مخالف است توفیق دهد. بیگمان او توانا و کارساز است.

وصلى الله وسلم وبارك علی عبده ورسوله نبینا محمد وآله وصحبه.

**\*\*\***

رساله سوم: حکم جشن گرفتن شب نیمه شعبان

**الحمد لله الذي أكمل لنا الدين وأتم علينا النعمة والصلاة والسلام على نبيه ورسوله محمد نبي التوبة والرحمة. أما بعد:**

خداوند متعال مي‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮊ [المائدة: 3]. «امروز، دين شما را كامل كردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پذيرفتم».

و در آیه ديگر می‌فرمايد: ﮋﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﮊ [الشورى: 21]. «آيا معبودانى دارند كه بى‏اذن خداوند آيينى براى آنها ساخته‏اند؟!».

و در صحیحین از عایشه ك روایت است که می‌گويد: پیامبر ص فرمود: (هر کسی در این امر ما چیزی اضاف کند مردود است).

و در مسلم از جابر روایت است که پیامبر ص در خطبه جمعه می‌گفت: (اما بعد، بهترین سخن، کتاب خداست، و بهترین رهنمود، رهنمود محمد ص است و بدترین امور چیزهای تازه ایجاد شده می‌باشند و هر بدعتی گمراهی است).

و آیات و احادیث زیادی در این مورد آمده است و همه به صراحت بر این دلالت می‌نمايد که دین این امت را کامل گردانید و نعمت خویش را بر آن اتمام نموده است، و همچنین نشانگر این هستند که پیامبر ص از جهان چشم فرو نبست مگر بعد از آنکه دین را به صورت واضح و آشکار به مردم رسانید و همه اقوال و اعمالی که خداوند برای امت به عنوان شریعت مقرر کرده برای مردم بیان نمود، و پیامبر ص به وضوح بیان داشته است که گفته‌ها و کارهایی که بعد از او مردم در دین ایجاد می‌كنند و به دین اسلام نسبت می‌دهند همه بدعت‌اند و پذیرفته نیستند و به کسی که آنرا ایجاد کرده برگردانده می‌شود گر چه نیت بدعت‌گذار نیک بوده باشد، و اصحاب رسول خدا ص این را می‌دانستند و همچنین علمای اسلام بعد از آنها متوجه این قضیه بودند، بنابراین با بدعتها مخالفت ورزیده و از آن بر حذر داشتند، همانطور که علمایی همچون ابن وضاح و طرطوشي و ابی شامه و غیره که در مورد بزرگداشت سنت و رد بدعت کتاب تالیف كرده‌اند به این مطلب اشاره نموده‌اند.

یکی از بدعت‌هایی که مردم ایجاد كرده‌اند بدعت جشن گرفتن در شب پانزدهم شعبان و روزه گرفتن روز آن است، و حال آنکه هیچ دلیلی برای اینکار وجود ندارد، اما در فضیلت نیمه شعبان احادیث ضعیفی آمده که اعتماد و استفاده از آن جایز نیست، و احادیثی که در مورد فضلیت نماز در نیمه شعبان روایت شده‌اند همه موضوع و ساختگی هستند، چنانکه بسیاری از علماء به این امر تذکر داده‌اند، و پاره‌ای از سخنانشان بیان خواهد شد.

و همچنین روایاتی از برخی از سلف از اهل شام و غیره در این مورد آمده است. اما آنچه جمهور علما به آن باور دارند این است که جشن گرفتن نیمه شعبان بدعت است، و همه احادیثی که در فضیلت نیمه شعبان آمده‌اند ضعیف و برخی موضوع هستند، از جمله علمایی که به این امر متذکر شده حافظ ابن رجب است که در کتابش (لطائف المعارف) ضعیف و موضوع بودن این احادیث را بیان نموده است و بر احادیث ضعیف فقط در عباداتی عمل می‌شود که اصل آن با دلیل صحیح ثابت باشد، اما جشن گرفتن شب نیمه شعبان اصل و اساس صحیحی ندارد تا با احادیث ضعیف تقویت شود.

و این قاعده را امام ابو العباس شیخ الاسلام ابن تیمیه : ذکر کرده است، و ما برای خواننده محترم آنچه را برخی از علماء در مورد این مسئله گفته‌اند ذکر می‌کنیم تا در این خصوص آگاه باشید، علماء رحمهم الله اجماع كرده‌اند که باید آنچه مردم در آن اختلاف دارند به کتاب خداوند عزوجل و به سنت پیامبر ص ارجاع داده شود و آنچه قرآن و سنت حکم و داوری کند همان شریعت و پیروی از آن واجب است، هر آنچه که قرآن و سنت با آن مخالفت نماید باید آنرا دور انداخت، و عبادت‌هایی که در قرآن و سنت نیامده بدعت هستند، و انجام آن جایز نیست، چه برسد به دعوت دادن به سوی آن و پسندیده دانستن آن، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒﮊ [النساء: 59]. «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اطاعت كنيد خدا را! و اطاعت كنيد پيامبر خدا و اولو الامر ( علما و حكام مسلمان) را! و هرگاه در چيزى نزاع داشتيد، آن را به خدا و پيامبر بازگردانيد (و از آنها داورى بطلبيد) اگر به خدا و روز رستاخيز ايمان داريد! اين (كار) براى شما بهتر، و عاقبت و پايانش نيكوتر است». و در آیه ديگر می‌فرمايد: ﮋﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊ [الشورى: 10]. «در هر چيز اختلاف كنيد، داوريش با خداست». و در آیه ديگر می‌فرمايد: ﮋﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [آل عمران: 31]. «بگو: «اگر خدا را دوست مى‏داريد، از من پيروى كنيد! تا خدا (نيز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است». و می‌فرمايد: ﮋﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﮊ [النساء: 65]. «به پروردگارت سوگند كه آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اينكه در اختلافات خود، تو را به داورى طلبند؛ و سپس از داورى تو، در دل خود احساس ناراحتى نكنند؛ و كاملا تسليم باشند». و آیات زیادی در این مورد آمده است، و آیه مذکور به صراحت می‌گويد که باید مسایل مورد خلاف به کتاب و سنت بر گردانده شود و باید به داوری قرآن و سنت راضی شد، و راضی بودن به حکم قرآن و سنت مقتضای ایمان است و برای دنیا و آخرت بندگان مایه خیر و برکت است و سرانجام بهتری دارد. حافظ ابن رجب در کتابش (لطائف المعارف) در مورد این مسئله می‌گويد:

(افرادی از تابعین شام همچون خالد بن معدان و مکحون و لقمان بن عمرو و غیره شب نیمه شعبان را بزرگ می‌داشتند و در آن زیاد عبادت می‌كردند، و مردم فضیلت و بزرگداشت آن را از آنها فرا گرفته‌اند، می‌گويند در این مورد روایاتی اسرائیلی به آنها رسیده بود و وقتی در دیگر شهرها مردم از عمل آنها مطلع شدند اختلاف کردند بعضی این کار را پذیرفتند و در بزرگداشت این شب با آنها موافقت کردند، از آن جمله گروهی از عابدان بصره و دیگران، و بیشتر اغلب علمای حجاز به آنها اعتراض کرده و عمل آنها را نپذیرفتند از آن جمله آن علماء مى‌‌توان عطاء و ابن ابی ملیکه را نام برد و عبدالرحمن بن زید بن اسلم این را از فقهای اهل مدینه نقل کرده است، و قول اصحاب مالک نیز همین است و آنها می‌گويند: گرامیداشت نیمه شعبان بدعت است و علمای اهل شام در کیفیت احیای آن دو نظریه ارائه داده‌اند: یکی احیای این شب به صورت گروهی در مساجد مستحب است، و خالد بن معدان و لقمان بن عامر و کسانی دیگر در این شب بهترین لباسهای خود را می‌پوشیدند، و خوشبویی استعمال می‌كردند، و چشمانشان را سرمه می‌کشیدند، و این شب را در مسجد به عبادت می‌پرداختند، و اسحاق بن راهویه با آنها در مورد این کار اظهار موافقت نمود و گفت احیای شب نیمه شعبان در مساجد بطور گروهی بدعت نیست، این را کرمانی در مسائل خود از او نقل کرد است.

و نظریه دوم این بود که جمع شدن در مساجد برای نماز خواندن و داستان گفتن و دعا مکروه است و اگر کسی تنها برای خودش نماز بخواند مکروه نیست، و این قول اوزاعی امام و فقیه و عالم اهل شام است، و این قول إن شاءالله به حق نزدیکتر است، تا اینکه می‌گويد: از امام احمد سخنی در مورد شب نیمه شعبان سراغ نداریم و در مورد احیای شب نیمه شعبان - با توجه به دو روايتي كه از او درباره‌ي شب دو عيد نقل شده است - دو روایت را می‌توان ارائه داد، و او در مورد احیای شب عید دو روایت دارد، در روایتی احیای آن را به صورت گروهی مستحب نمی‌داند؛ چون از پیامبر ص و اصحابش نقل نشده است، و در روایتی دیگر آنرا مستحب می‌داند چون عبدالرحمن بن یزید بن الأسود آنرا انجام داده و او از تابعین است، پس همینطور در مورد شب احیای نیمه شعبان پیامبر ص چیزی ثابت نیست، و همچنین از صحابه در این مورد چیزی ثابت نشده، و فقط احیای آن از گروهی از تابعین که از فقهای برجسته اهل شام بوده‌اند ثابت است). پایان کلام حافظ ابن رجب.

در کلام ابن رجب تصریح شده است که در مورد احیای شب نیمه شعبان چیزی از پیامبر ص و صحابه ثابت نیست اما اینکه اوزاعی : احیای آن را برای افراد به صورت جداگانه مستحب دانسته و حافظ ابن رجب این قول را پسندیده و انتخاب کرده است باید گفت که این قول عجیب و ضعیف است؛ چون هر چیزی که با دلایل شرعی ثبوت ندارد برای مسلمان جایز نیست که آنرا در دین خدا قرار دهد، خواه آن کار را به صورت فردی انجام دهد یا به صورت گروهی، و خواه آن را بصورت پنهانی و یا آشکارا انجام دهد، چون فرموده پیامبر ص کلی و عام است که می‌فرمايد: (هر کسی کاری را انجام دهد که ما به آن فرمان نداده‌ایم عمل او مردود است). و دیگر دلایلی که در مورد انکار بدعت‌ها و بر حذر داشتن از آن آمده است.

و امام ابوبکر طرطوشی : در کتابش (الحوادث و البدع) می‌گويد:

(و ابن وضاح از زید بن اسلم روایت می‌كند که گفت: هیچ کسی از اساتید و فقهای ما به نیمه شعبان توجه نمی‌كردند، و به سخن مکحول توجه نمی‌كردند، و بر این باور نبودند که این شب از دیگر شب‌ها افضل است). و به ابن ابی ملیکه گفتند: زیاد نمیری می‌گويد پاداش عبادت در شب پانزده شعبان مانند عبادت در شب قدر است، ابن ابی ملیکه گفت: اگر این سخن را از او می‌شنیدم و عصایی در دست داشتم او را می‌زدم.   
- و زیاد داستان سرا و قصه‌گو بود ـ.

و علامه شوکانی در فوائد المجموعه می‌گويد: (این حدیث که: ای علی، هر کسی در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بخواند که در هر رکعتی سوره فاتحه و قل هو الله احد را ده بار بخواند خداوند همه نیازهای او را بر آورده می‌سازد... الخ)، موضوع و ساختگی است و کلمات صریحی که در بیان پاداش این شب آمده‌اند برای انسان هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که این حدیث موضوع است، و همچنین راویان این حدیث افراد مجهول و نامشخصی هستند و از چند طریق روایت شده که همه موضوع هستند و راویان مجهول و ناشناخته‌اند و در (المختصر) می‌گويد: حدیثی که در مورد نماز در شب نیمه شعبان آمده باطل است، و ابن حبان از علی روایت کرده که: (شب نیمه شعبان را احیا کنید و روز آن را روزه بگیرید) این حدیث ضعیف است.

و در (اللآلی) می‌گويد: حدیث، خواندن صد رکعت نماز در شب نیمه شعبان با خواندن سوره اخلاص ده بار در هر رکعتی، موضوع است و همه راویان آن در هر سه طریق مجهول و ضعیف‌اند.

و حدیث: (دوازده رکعت با سی سوره اخلاص) موضوع و باطل است، و همچنین حدیث چهار رکعت، موضوع و باطل است.

و گروهی از فقها همچون صاحب (الإحیاء) و غیره و برخی از مفسرین با این حدیث فریب خورده‌اند. و نماز خواندن در شب نیمه شعبان با شيوه‌هاى مختلفی روایت شده که همه موضوع و باطل می‌باشند، و این با روایت ترمذی از عایشه ك را که می‌گويد: (پیامبر ص به مقبره بقیع رفت و نزول خداوند در شب نیمه شعبان به آسمان دنیا و اینکه افرادی برای بیشتر از موهای گوسفند آمرزیده می‌شوند) منافاتی ندارد، و بلکه سخن فقط در مورد احادیثی است که درباره نماز خواندن در این شب ساخته شده‌اند، با اینکه حدیثی که از عایشه ك روایت می‌شود ضعیف و منقطع است، همانطور که حدیث سابق که از علی در مورد احیای شب نیمه شعبان روایت شده است با این نماز مقرر باشد، منافاتی ندارد، اما چنان که گفتیم حدیث ضعیف است.

و حافظ عراقی می‌گويد: حدیث نماز در شب نیمه شعبان دروغی است که به پیامبرص نسبت داده شده است، و امام نووی در کتاب (المجموع) می‌گويد: نمازی که معروف به نماز رغائب است و این نماز دوازده رکعت است که بین مغرب و عشاء در شب اولین جمعه رجب خوانده می‌شود، و نماز شب نیمه شعبان که صد رکعت است، هر دو نماز بدعت و منکرند، و از اینکه در کتاب (قوت القلوب) و کتاب (إحیاء علوم الدین) ذکر شده‌اند نباید فریب خورد، و همچنین نباید فریب حدیثی را خورد که در مورد این نمازها روایت می‌شود، چون همه اینها باطلند و حقیقت ندارند، و همچنین از اینکه حکم این نمازها برای بعضی از ائمه مشتبه بوده و در مورد استحباب آن چیزهایی نوشته‌اند نباید فریب خورد، چون این امام در این مورد اشتباه کرده است.

و امام ابو محمد عبدالرحمن بن اسماعیل مقدسی کتاب ارزشمندی در ابطال این دو نماز تألیف کرده است، او در این زمینه بسیار خوب و زیبا سخن گفته است، و اهل علم در مورد این مسئله سخنان بسیار زیادی گفته‌اند و اگر بخواهیم همه آنچه را در این مورد می‌دانیم نقل کنیم بحث طولانی می‌شود، و آنچه بیان کردیم برای کسی که طالب حق است کافی است و او را قانع می‌كند و با توجه به آیات و احادیث و کلام علماء که پیش‌تر ذکر شدند برای طالب حق روشن می‌شود که بزرگداشت و جشن گرفتن نیمه شعبان با نماز خواندن یا دیگر کارها و اختصاص دادن روز آن با روزه گرفتن بدعتی است که بیشتر علما آنرا رد کرده و با آن مخالفت نموده‌اند و در شریعت مطهر اساسی ندارد، بلکه چیزی است که بعد از عصر صحابه ن پدید آورده شده است، و برای طالب حق و دیگران در این مورد فرموده الهی کافی است که می‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [المائدة: 3]. «امروز، دين شما را كامل كردم». و آیات دیگری که در این خصوص آمده‌اند، و گفته پیامبر ص که فرمود: (هر کسی در کارها چیزی پدید بیاورد که از آن نیست مردود است).

و دیگر احادیثی که در این مورد آمده‌اند، و در صحیح مسلم از ابوهریره روایت است که می‌گويد: پیامبر ص فرمود: (شب جمعه را از میان شب‌ها به احیا و زنده نگاه داشتن اختصاص ندهید، و روز جمعه را از میان روزها به روزه گرفتن اختصاص ندهید، مگر اینکه فردی از شما از قبل روزه گرفته باشد). پس اگر اختصاص دادن بعضی از شبها به بعضی از عبادت‌ها جایز می‌بود شب جمعه از دیگر شبها اولی بود، چون روز جمعه بر اساس تصریح پیامبر ص که در احادیث صحیح آمده بهترین روز است، پس وقتی پیامبر ص اختصاص دادن آن به احیا و قیام از میان شب‌ها بر حذر داشته است این دلالت می‌كند که تخصیص دیگر شبها به عبادت به طریق اولی جایز نیست، مگر آنکه دلیل صحیحی باشد که بر تخصیص دلالت نماید، و از آنجا که شب قدر و شب‌های رمضان احیا و کثرت عبادت در آن مشروع است پیامبر ص امت را به قیام آن تشویق نموده و خودش آنرا انجام داده است، چنانکه در صحیحین از پیامبرص روایت شده که فرمود: (هر کسی با ایمان و چشمداشت پاداش شبهای رمضان را با عبادت احیا کند تمام گناهان گذشته او بخشیده می‌شود. و هر کسی شب قدر را با ایمان و امید پاداش احیا کند گناه گذشته‌اش آمرزیده می‌شوند). پس اگر شب نیمه شعبان، یا شب اولین جمعه رجب، یا شب اسراء و معراج به جشن گرفتن يا چيزي از عبادت تخصیص می‌یافتند پیامبر ص امت را به آن راهنمایی می‌کرد یا خودش آنرا انجام می‌داد، و اگر چنین می‌بود اصحاب آنرا برای امت نقل می‌كردند و آنرا از امت پنهان نمی‌كردند، زیرا آنها بهترین مردم و بعد از پیامبران خیرخواه‌ترین افراد بوده‌اند و خداوند از اصحاب پیامبر ص خوشنود بوده و آنها را راضی گردانیده است، و هم اینک شما از سخنان علما متوجه شدید که از پیامبر خدا ص و از صحابه ن چیزی در مورد فضیلت شب اولین جمعه رجب یا شب نیمه شعبان ثابت نیست، پس معلوم است که گرامیداشت این شبها بدعتی است که در اسلام پدید آورده است، و همچنین تخصیص این شبها به عبادت بدعت و منکر است، و همچنین شب بیست و هفت رجب که برخی از مردم معتقدند که شب اسراء و معراج است جایز نیست که به عبادت تخصیص داده شود، همانطور که گرامیداشت آن جایز نیست، این هم در صورتی است که شب اسراء و معراج به طور دقیق مشخص شده باشد، پس وقتی اقوال صحیح علما دال بر این هستند که شب اسراء و معراج مشخص نیست چگونه خواهد بود، و هر کسی می‌گويد که شب اسراء و معراج شب بیست و هفتم رجب است، سخنش باطل است و در احادیث صحیح اساسی ندارد و شاعر چه زیبا می‌سراید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خیر الأمور السالقات علی الهدی |  | وشر الأمور المحدثات البدائع |

بهترین کارها آن هستند که در گذشته بر اساس هدایت انجام می‌شده‌اند. و بدترین کارها بدعت‌هایی هستند که تازه ایجاد شده‌اند.

و از خداوند مسئلت می‌نمایم که به ما و سایر مسلمین توفیق دهد تا به سنت چنگ بزنیم، و بر آن پایدار باشیم، و از آنچه مخالف سنت است پرهیز و دوری نمائیم، بیگمان خداوند بزرگوار و بخشنده است.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

**\*\*\***

رساله چهارم: تذکری مهم در مورد دروغ بودن وصیت‌نامه‌ای که به شیخ احمد خادم حرمین شریف نبوی نسبت داده می‌شود

از عبدالله بن باز به هر کسی از مسلمین که نامه را مورد ملاحظه قرار می‌دهد، خداوند مسلمین را بر پایبندی به اسلام نگاه دارد و ما و آنان را از شر افتراهای جاهلان و افراد عامی و نادان نجات دهد. آمین.

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، أما بعد:

از نامه‌ای اطلاع یافتم که به شیخ احمد خادم مسجد نبوی نسبت داده شده است، این اعلانیه با این عنوان آمده است (این وصیت‌نامه شیخ احمد خادم مسجد النبی در مدینه است).

او در آن می‌گويد:

شب جمعه بیدار بودم و قرآن را تلاوت می‌کردم، بعد از تلاوت اسماء الله الحسنى را خواندم وقتی تمام کردم آماده خواب شدم پیامبر ص را دیدم که گفت: ای شیخ احمد، گفتم: لبیک ای رسول خدا، ای گرامی‌ترین آفریده خدا، آنگاه ایشان به من گفتند: من از کارهای زشت مردم شرمنده هستم و نتوانستم با پروردگارم و با ملائکه روبه‌رو شوم چون از این جمعه گذشته تا این جمعه یکصد و شصت هزار نفر بر غیر دین اسلام وفات كرده‌اند، سپس پاره‌ای از گناهانی که مردم به آن مبتلا هستند را ذکر کرد، و سپس گفت: این وصیت رحمتی از سوی خداوند توانا و جبار برای مردم است سپس برخی از علائم قیامت را نام برد تا اینکه گفت: ای شیخ این وصیت را به اطلاع مردم برسان چون آنچه در این هست با قلم تقدیر از لوح محفوظ نقل شده‌اند و هر کسی این را بنویسد و از شهری به شهر دیگر و از محله‌ای به محله دیگر برساند برای او کاخی در بهشت ساخته می‌شود، و هر کسی آنرا ننویسد از شفاعت من در روز قیامت محروم می‌شود، و هر کسی آنرا بنویسد اگر فقیر باشد خداوند او توانگر و ثروتمند می‌نمايد، و اگر بدهکار باشد خداوند بدهکاری و وام‌های او را پرداخت می‌كند، و اگر گناهی مرتکب شده، خداوند او و پدر و مادرش را به برکت این وصیت‌نامه می‌بخشد، و هر کسی از بندگان خدا این را ننویسد خداوند او را در دنیا و آخرت روسیاه می‌كند.

و سه بار سوگند خورد و گفت والله این حقیقت است، و اگر من دروغ بگویم از دنیا در حال کفر می‌روم، و هر کسی این وصیت‌نامه را تصدیق کند از عذاب جهنم نجات می‌يابد، و هر کسی آنرا انکار کند کافر می‌شود.

این خلاصه مطالبی بود که در این وصیت‌نامه که به دروغ به پیامبر ص نسبت داده شده، آمده است. از چند سال است که بارها قضیه این وصیت‌نامه را می‌شنویم که هر از چند گاهی بین مردم پخش و توزیع می‌گردد، و متن و کلمات این وصیت‌نامه متفاوت است و گوینده دروغگویش می‌گويد: او پیامبر ص را در خواب دیده و پیامبر این وصیت‌نامه را به او داده است و در این وصیت‌نامه‌ای که اخیرا پخش شده می‌گويد: پیامبر ص را زمانی دیده که برای خوابیدن آماده شده است، یعنی در حالت بیداری او را دیده است!

این دروغگو در این وصیت‌نامه چیزهای زیادی را ادعا کرده است که دروغ و باطلی آشکار و واضح است و هم اینک شما را از دروغ و باطل بودن آن آگاه می‌کنیم، و در سالهای گذشته نیز در مورد آن تذکر داده‌ام و برای مردم بیان کرده‌ام که دروغی آشکار است، اخیرا وقتی مطلع شدم که پخش و توزیع شده است در مورد نوشتن درباره آن دچار تردید شدم، زیرا باطل بودن آن آشکار و هویدا و معلوم است که جعل‌کننده آن برای دروغ گفتن جرات زیادی دارد، و فکر نمی‌کردم کسی اندک بینشی داشته باشد، یا از فطرت سالمی برخوردار باشد، فریب این سخنان پوچ را بخورد، اما بسیاری از برادران به من اطلاع دادند که این وصیت‌نامه بسیاری از مردم را گول زده و آنها آنرا در میان خود دست به دست گردانده و بعضی آنرا تصدیق كرده‌اند، بنابراین لازم دیدم که باید برای بیان باطل بودن این وصیت‌نامه و برای توضیح اینکه این وصیت دروغی است که به پیامبر ص نسبت داده می‌شود مطلبی بنویسم تا کسی فریب آنرا نخورد، و هر صاحب علم و ایمان و یا افرادی که فطرتشان سالم و از عقل درستی برخوردارند وقتی در این وصیت‌نامه تامل و اندیشه کنند مى‌دانند که این به دلایل زیادی دروغ است.

و من از یکی از خویشاوندان شیخ احمد که این دروغ به او نسبت داده شده در مورد این وصیت پرسیدم، او در پاسخ به من گفت: که این را به دروغ به شیخ احمد نسبت می‌دهند، و او اصلا چنین چیزی نگفته است، و شیخ احمد مدت زیادی است که وفات یافته است، و به فرض آنکه همین شیخ احمد یا کسی که از او بزرگتر است ادعا کند که پیامبر ص را در حالت خواب یا بیداری دیده و پیامبر او را به این وصیت توصیه کرده است، ما به یقین می‌دانیم که او درو غ می‌گويد، و اگر دروغ نمی‌گويد کسی که به او این سخنان را گفته شیطان است، و به دلایل زیادی پیامبر ص نیست که برخی از این دلایل عبارتند از:

1- پیامبر ص بعد از وفاتش در حالت بیداری دیده نمی‌شود، و هر کسی از جاهلان صوفی‌ها که ادعا می‌کند که پیامبر را در حالت بیداری دیده، و یا می‌گويند پیامبر در جشن میلاد النبی و امثال آن حاضر می‌شود، مرتکب اشتباه فاحشی شده است، و نهایت فریب را خورده است، و با کتاب و سنت و اجماع علما مخالفت کرده است، چون مرده‌ها فقط در روز قیامت از قبرهایشان بیرون می‌آيند نه در دنیا، و هر کسی خلاف این را بگوید دروغ می‌گويد و یا فریب خورده است و حقی را که سلف صالح شناخته‌اند و اصحاب رسول الله ص و پیروانشان بر آن بودند، نشناخته است. خداوند می‌فرمايد: ﮋﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦﮊ [المؤمنون: 15-16]. «سپس شما بعد از آن مى‏ميريد؛ سپس در روز قيامت برانگيخته مى‏شويد». و پیامبر ص می‌فرمايد: (من اولین کسی هستم که در روز قیامت قبر او شکافته می‌شود، و من اولین شفاعت‌کننده هستم که شفیع قرار می‌گیرم). و آیات و احادیث زیادی در این مورد آمده است.

2- پیامبر ص خلاف حق را نمی‌گويد، نه در زمان حیاتش، و نه بعد از وفاتش، و این وصیت‌نامه آشکارا با پیامبر مخالف است، می‌شود پیامبر ص را در خواب ديد، و هر کسی پیامبر ص را در خواب به همان صورتش حقيقي‌اش ببیند، او را دیده است؛ چون که شیطان نمی‌تواند خود را به صورت ایشان در بیاورد، چنانکه در حدیث آمده است، ولی آنچه مهم است ایمان و صداقت و عدالت و دیانت و امانتداری کسی است که خواب را می‌بیند، و آیا او پیامبر ص را در صورتش دیده یا در غیر صورت او، اگر حدیثی از پیامبر ص روایت شود که در حیات خود آنرا گفته و این حدیث از طریق افراد معتمد و عادل روایت نشده باشد، به آن حدیث اعتماد نمی‌شود، و از آن استدلال نمی‌شود، و اگر حدیثی از طریق افراد ثقه و دارای قوت حافظه روایت شده باشد اما با روایت کسی مخالف است که از آن راوی‌ها حافظه‌اش قوی‌تر و از آنها معتمدتر است و جمع بین هر دو روایت ممکن نباشد یکی از منسوخ قرار مى‌گيرد و به آن عمل نمی‌شود، و دومی ناسخ قرار مى‌گيرد و به آن عمل می‌شود، البته اگر این کار با شرایط خود ممکن باشد، و اگر جمع بین دو روایت کسی که حافظه‌اش ضعیف‌تر و عدالت و درستکاری او کمتر است رد و طرد شود و در مورد آن چنین حکم شود که این روایت شاذ است و به آن عمل نمی‌شود.

پس چگونه وصیت کسی که آنرا از پیامبرص نقل می‌كند معلوم نیست و درستکاری و امانتداری او مشخص نمی‌شود پذیرفته می‌شود، پس باید این وصیت‌نامه دور انداخته شود و به آن التفات نگردد، گرچه در آن چیزی مخالفت با شریعت وجود نداشته باشد پس وقتی وصیت مشتمل بر امور زیادی است که بر بطلان آن دلالت می‌نمايد و نشانگر این هستند که به دروغ به پیامبر ص نسبت داده شده است، و متضمن دین و آئینی است که خداوند به آن فرمان نداده است، چگونه قابل قبول است.

و پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی سخنی را به من نسبت دهد که من آنرا نگفته‌ام باید جايگاهى را برای خودش در دوزخ آماده کند) و سازنده‌ اين وصیت‌نامه به پیامبرص چیزهایی نسبت داده که پیامبر آنرا نگفته است و دروغ صریح و خطرناکی را بر او بسته است.

بنابراین اگر توبه نکند و به مردم اعلام نکند که این وصیت منسوب به پیامبر ص دروغ است به طریق اولی مستحق عذاب می‌گردد، و او اگر توبه کند باید دروغ بودن آن را برای مردم اعلام بدارد چون هرکسی که باطلی را میان مردم پخش می‌نمايد و به دین نسبت می‌دهد، توبه‌اش صحیح نیست مگر آنکه باطل بودن آنرا اعلام کند تا مردم بدانند که او از دروغ خود بازگشته و خودش را تکذیب کرده است، چون خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞﯟ ﯠ ﯡ ﯢﮊ [البقرة: 159-160]. «كسانى كه دلايل روشن، و وسيله هدايتى را كه نازل كرده‏ايم، بعد از آنكه در كتاب براى مردم بيان نموديم، كتمان كنند، خدا آنها را لعنت مى‏كند؛ و همه لعن‏كنندگان نيز، آنها را لعن مى‏كنند؛ مگر آنها كه توبه و بازگشت كردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نيك،) اصلاح نمودند، (و آنچه را كتمان كرده بودند؛ آشكار ساختند؛) من توبه آنها را مى‏پذيرم؛ كه من تواب و رحيمم».

خداوند متعال در این آیه کریمه توضیح می‌دهد که هر کسی چیزی از حق را پنهان کند توبه‌اش پذیرفته نیست مگر بعد از آن که اصلاح و روشنگری نماید، و خداوند دین را برای بندگانش کامل گردانیده و با بعثت پیامبرش محمد ص و با شریعت کاملی که بر او وحی نموده نعمت را بر آنها تکمیل کرده است، پیامبر را از میان مردم نبرد مگر بعد از اکمال و توضیح دین چنانکه می‌فرمايد: ﮋﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮊ [المائدة: 3]. «امروز، كافران از (زوال) آيين شما، مايوس شدند؛ بنابر اين، از آنها نترسيد! و از (مخالفت) من بترسيد! امروز، دين شما را كامل كردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آيين (جاودان) شما پذيرفتم». و افتراکننده این وصیت در قرن چهاردهم آمده و می‌خواهد دین جدیدی را به خورد مردم بدهد که هر کس از دستورات آن اطاعت کند به بهشت می‌رود! و می‌گويد هر کس از دستور آن پیروی نکند از بهشت محروم خواهد بود و به دوزخ خواهد رفت! و می‌خواهد این وصیت‌نامه دروغین را بزرگتر و برتر از قرآن قرار دهد، چنانکه در آن می‌گويد: هر کسی این وصیت‌نامه را بنویسد و از شهری به شهر دیگر بفرستد یا از محلی به محل دیگر برساند در بهشت برای او کاخی ساخته می‌شود، و هر کسی آنرا ننویسد و نفرستد از شفاعت پیامبر ص در روز قیامت محروم می‌شود، و این زشت‌ترین نوع دروغ است، و روشن‌ترین دلیل بر دروغ این وصیت و بی‌حیا بودن سازنده آن است، چون هر کسی قرآن را بنویسد و از شهری به شهر دیگر بفرستد اگر به قرآن عمل نکند چنان پاداش و فضیلتی به او نمی‌رسد، پس چگونه نویسنده و ناقل این وصیت‌نامه دروغین به چنین پاداشی دست می‌يابد، و هر کسی که قرآن را ننویسد و از شهری به شهر دیگر نرساند اگر به پیامبر ص ایمان داشته باشد و از شریعت او پیروی کند از شفاعت او محروم نمی‌شود، و این یکی از دروغ‌هایی است که در این وصیت‌نامه آمده است که برای باطل بودن آن و دروغ بودن آن و حماقت و وقاحت و عدم شناخت ناشر آن از رهنمود نبوی ص کافی است، و علاوه بر این چیزهای دیگري در این وصیت‌نامه آمده که همه بر دروغ و باطل بودن آن دلالت می‌نمايد و اگر سازنده و پردازنده آن هزار بار قسم بخورد و بر عليه خويش دعاي بزرگترين عذابها و شديدترين عقوبتها بنمايد که این وصیت‌نامه صحت دارد و او راست می‌گويد، راستگو قرار نمی‌گيرد، و و صیت‌نامه درست نمی‌شود، بلکه سوگند به خدا که این وصیت‌نامه دروغی بزرگ و باطلی بس زشت است، و ما خدا و ملائکه و مسلمین را گواه می‌گیریم که این وصیت دروغی است که به پیامبر ص نسبت داده شده است، خداوند کسی را که به پیامبر ص دروغ نسبت می‌دهد خوار نماید و او را به آنچه مستحق آن است سزا دهد، و علاوه از امور گذشته امور زیادی هست که بر دروغ و باطل بودن این وصیت‌نامه دلالت می‌نمايد: اول اینکه او در وصیت‌نامه می‌گويد: از جمعه گذشته تا این جمعه یکصد و شصت هزار نفر بر غیر از دین اسلام مرده‌اند، این علم غیب است و وحی بعد از وفات پیامبر ص قطع شده است و ایشان در حیات خود غیب نمی‌دانسته است، پس چگونه بعد از وفاتش غیب می‌داند، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮊ [الأنعام: 50]. «بگو: «من نمى‏گويم خزاين خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بياموزد،) از غيب آگاه نيستم».

و می‌فرمايد: ﮋﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰﮊ [النمل: 65]. «بگو: كسانى كه در آسمانها و زمين هستند غيب نمى‏دانند جز خدا».

و در حدیث صحيح از پيامبر ص روایت است که فرمود: (مردانی در روز قیامت از حوض من دور کرده می‌شوند، آنگاه می‌گویم: پروردگارا، اصحابم، اصحابم، آنگاه به من گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که بعد از تو چه چیزهایی ایجاد كرده‌اند، آنگاه من همان سخنی را می‌گویم که بنده صالح خدا گفته است: ﮋ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭﮊ [المائدة: 117]. «و تا زمانى كه در ميان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم؛ ولى هنگامى كه مرا از ميانشان برگرفتى، تو خود مراقب آنها بودى؛ و تو بر هر چيز، گواهى».

**دومین مسئله‌ای** که بر باطل بودن این وصیت‌نامه و دروغ بودن آن دلالت می‌كند این است که در آن می‌گويد: (هر کسی این وصیت‌نامه را بنویسد اگر فقیر باشد خداوند او را توانگر می‌كند، و اگر بدهکار باشد خداوند بدهکاری او را رفع می‌كند، و اگر گناهی بر او باشد خداوند به برکت این وصیت‌نامه او و پدر و مادرش را می‌بخشد).

این دروغی بزرگ و دلیلی واضح و روشن بر دروغگو بودن سازنده وصیت‌نامه و قلّت حياي او از خداوند است، چون کسی با نوشتن قرآن به چنین چیزهایی دست نمی‌يابد، پس چگونه با نوشتن این وصیت‌نامه باطل به این سه چیز دست می‌يابد!

آری، این انسان پلید می‌خواهد اینگونه مردم را فریب دهد و آنها را به این وصیت‌نامه وابسته نماید تا آن را بنویسند و به دنبال این فضیلت دروغین باشند، و اسبابی را که خداوند برای بندگانش مشروع نموده رها کنند، گفته است که هر کسی این را بنویسد ثروتمند می‌شود، وام‌هایش ادا می‌گردند، و گناهانش بخشوده می‌شوند.

از اسباب خواری و اطاعت از هوای نفس و شیطان به خدا پناه می‌بریم.

**سومین مسئله‌ای** که بر باطل بودن این وصیت‌نامه دلالت می‌كند این است که او در آن می‌گويد: و هر کسی از بندگان خدا که این وصیت‌نامه را ننویسد در دنیا و آخرت روسیاه می‌شود، این نیز دروغ و به وضوح بر باطل بودن این وصیت‌نامه و دروغگو بودن سازنده آن دلالت می‌كند، چگونه فرد عاقلی به خود اجازه می‌دهد که این وصیت‌نامه را بنویسد که مرد مجهول و نامشخصی در قرن چهاردهم آنرا ارائه داده و به دروغ به پیامبر ص نسبت داده و ادعا می‌كند که هر کس آنرا ننویسد در دنیا و آخرت روسیاه می‌شود، و هر کس آنرا بنویسد اگر فقیر باشد ثروتمند می‌گردد، بعد از آنکه بدهکار بوده بدهکاری‌هایش پرداخت می‌گردند، و گناهانش بخشیده می‌شوند.

بار خدایا تو پاکی، این تهمتی بس بزرگ است، و دلایل و واقعیت به دروغ بودن این دروغگو و جسارت او به خدا و حیا نکردن او از خدا و مردم گواهی می‌دهد، زیرا افراد زیادی این وصیت‌نامه را ننوشته‌اند، اما چهره‌اشان سیاه نشده است، و شمار زیادی که تعدادشان را فقط خدا می‌داند این وصیت‌نامه را بارها نوشته‌اند اما بدهکاری و وام‌هایشان پرداخت نشده و هنوز فقیر هستند، بار خدایا از انحراف قلبها و زنگار گناهان به تو پناه می‌بریم، و شریعت برای کسی که برترین و بزرگترین کتاب یعنی قرآن را بنویسد چنین پاداشی مقرر نکرده است، پس چگونه به کسی که وصیتی دروغین و مشتمل بر انواع امور پوچ و باطل و جمله‌ای کفر آمیز را بنویسد مستحق چنین پاداشی می‌گردد.

سبحان الله! خداوند در مورد کسی که به خود جرات دروغ بستن بر او را می‌دهد چقدر بردبار و شکیبا است.

**مسئله چهارم** از مسایلی که نشانگر این است که این وصیت‌نامه باطل و دروغ محض است این است که او در آن می‌گويد: (هر کسی این وصیت‌نامه را تصدیق کند از عذاب جهنم نجات می‌يابد، و هر کسی آنرا انکار کند کافر می‌شود). این هم جسارت و دروغ بستن بر خداوند است، و این افترا کننده همه مردم را فرا می‌خواند که دروغ او را تصدیق کنند، و ادعا می‌كند که آنها با تصدیق این وصیت‌نامه از عذاب جهنم نجات می‌یابند، و هر کسی آن را تکذیب کند کافر می‌شود، سوگند به خدا که این درغگو، دروغ بزرگی را بر خدا بسته است، و سخن بی‌جایی گفته است. در حقیقت کسی که آنرا تصدیق کند سزاوار است که کافر باشد، نه کسی که آنرا تکذیب کند، چون این وصیت‌نامه دروغ باطل است و صحت ندارد، و ما خدا را گواه می‌گیریم که این وصیت‌نامه دروغ است و سازنده آن دروغگو است و می‌خواهد آئینی برای مردم بسازد که خداوند به آن فرمان نداده است، و می‌خواهد چیزهایی وارد دین مردم کند که از دین نیستند، و حال آنکه خداوند این دین را کامل گردانیده و نعمت خویش را بر امت اتمام کرده است، آن هم در چهارده قرن پیش از این دروغ، پس برادر و خوانندگان عزیز آگاه باشید و از تصدیق چنین دروغهایی به شدت بپرهیزید، و مبادا میان شما رواج یابد، و بدانید که حق نوری دارد که جوینده‌اش دچار اشتباه نمی‌شود و فریب نمی‌خورد، بنابراین حق را بوسیله دلیل آن بجویید و هر جا که دچار اشکال می‌شوید از علما بپرسید، و از قسم دروغگویان فریب نخورید، شیطان برای پدر و مادرتان آدم و حوا سوگند خورد که خیرخواه آنهاست، و حال آنکه او بزرگترین خائن و دروغگوترین دروغگوست، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴﮊ [الأعراف: 21]. «و براى آنها سوگند ياد كرد كه من براى شما از خيرخواهانم». پس از شیطان و پیروان دروغگویش بپرهیزید، زیرا شیطان و پیروانش قسم‌های دروغین زیادی می‌خورند و عهدهای زیادی می‌بندند که آن را می‌شکنند و گفته‌های آراسته و زیبای زیادی برای فریفتن و گمراه کردن با خود دارند!

خداوند مرا و شما و سایر مسلمین را از شر شیاطین و فتنه‌های گمراه کنندگان، و انحراف منحرفان، و فریب دادن دشمنان باطل‌گرای که می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و مردم را در دینشان دچار اشتباه نمایند نجات بدهد، اما بدانید که خداوند نور خویش را کامل می‌نمايد و دینش را یاری می‌دهد گر چه شیاطینی که دشمن خدا هستند و پیروان کافر و ملحدان آنان، این را دوست نداشته باشند.

اما ظهور و پدید آمدن منکراتی که این دروغگو به آن اشاره کرده امری است که واقعیت دارد و قرآن و سنت به شدت از این منکرات بر حذر داشته‌اند، و قرآن و سنت مایه هدایت می‌باشند و کفایت می‌كنند، از خداوند مسئلت می‌نمایم که احوال مسلمین را بهبود ببخشد و به آنها پیروی از حق و استقامت بر آن و توبه از همه گناهان را ارزانی نماید بیگمان خداوند توبه‌پذیر و بر همه چیز تواناست.

اما آنچه از علامات قیامت نام برده است، باید گفت که احادیث علامت‌های قیامت را بیان كرده‌اند و قرآن به بخشی از آن اشاره کرده است، و هر کس می‌خواهد علامات قیامت را بداند در کتاب‌های حدیث و تالیفات علما آن را می‌يابد و مردم نیازی ندارند که این دروغگو آنها را بفریبد و حق را با باطل بیامیزد،

وحسبنا الله ونعم الوکیل، لا حول ولا قوة إلاَّ بالله العلي العظیم، والحمد لله رب العالمین وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله الصادق الأمین، وعلی آله وأصحابه وأتباعه بإحسان إلی یوم الدین([[3]](#footnote-3)).

جادو و غیب گویی

والحمد لله والصلاة والسلام علی من لا نبی بعده. و بعد:

از آنجا که اخیراً شعبده‌بازان و شیادان زیادی که ادعای طبابت می‌كنند از طریق جادو و طالع‌بینی به معالجه می‌پردازند در بعضی مناطق پخش شده‌اند و از افراد ساده و جاهل سوء استفاده می‌كنند، مناسب دیدم که با توجه به مسئله خیرخواهی برای خدا و بندگان خدا که مسئولیت هر مسلمانی است توضیح دهم که این کار خطر بزرگی برای اسلام و مسلمین است، چون اینکار وابسته شدن و دست دراز کردن به غیر الله و مخالفت با فرمان خدا و فرمان پیامبرش ص می‌باشد.

بنابراین با استعانت از خداوند می‌گویم: به اتفاق مداوا و معالجه جایز است، و مسلمان باید به پزشکان متخصص بیماری‌های داخلی یا جراحی یا متخصصان اعصاب و غیره مراجعه کند تا بیماری‌اش تشخیص داده شود و با داروهای مباح و جایز بر اساس علم پزشکی مداوا گردد، چون اینکار استفاده از اسباب عادی است که با توکل بر خداوند منافات ندارد، و خداوند بیماری را آورده و علاج را هم با آن آورده است که برخی معالجه و داروی آنرا مى‌دانند و بعضی آنرا نمى‌دانند، اما خداوند شفای بندگانش را در چیزهایی که حرام کرده قرار نداده است.

بنابراین جایز نیست که بیمار پیش کسانی برود که ادعای علم غیب می‌كنند تا بوسیله آنها بیماری‌اش را بداند، همچنین جایز نیست که سخنان آنها را تصدیق کنند، چون آنها بر اساس حدس و گمان سخن می‌گويند، یا جن‌ها را استحضار می‌كنند تا از آنها کمک بگیرند، و اینها اگر ادعای علم غیب کنند کافر و گمراهند. امام مسلم در صحیح خود روایت می‌كند که پيامبر ص فرمود: (هر کس پیش طالع‌بینی آمد و او را در مورد چیزی پرسید، خداوند نماز چهل روز او را قبول نمی‌كند).

و ابوهریره از پيامبر ص روایت می‌كند که فرمود: (هر کسی نزد کاهن و غیب‌گویی بیاید و او را در آنچه می‌گويد تصدیق نماید بدون شک به آنچه بر محمدص نازل شده کفر ورزیده است). ابوداود وسنن اربعه اين را روايت كرده است. و حاکم با این لفظ صحیح دانسته است که: (هر کسی نزد طالع‌بین یا کاهنی آمد و او را با آنچه می‌گويد تصدیق کرد به راستی که بر محمد ص کفر ورزیده است). و عمران بن حصین می‌گويد: پيامبر ص فرمود: (از ما نیست کسی که فال بگیرد یا برایش فال گرفته شود، یا غیب‌گویی کند یا برای او غیب‌گویی شود، و یا جادو کند یا برایش جادو شود، و هر کسی پیش غیب‌گویی بیاید و او را در آنچه می‌گويد تصدیق کند به آنچه بر محمد ص نازل شده کفر ورزیده است). بزار با سند جید این را روایت کرده است.

در این احادیث از آمدن پیش طالع‌بین‌ها و غیب‌گویان و جادوگران و امثالشان و پرسیدن از آنها و تصدیقشان نهی شده و وعید آمده است، پس مسئولین امر و کسانی که قدرت دارند باید از آمدن نزد کاهنان و فال‌بین‌ها جلوگیری کنند، و کسانی را که در بازارها این کارها را انجام می‌دهند منع کنند، و به شدت با آنها و با کسانی که پیش آنها می‌آيند برخورد نماید، و نباید از راست گفتن آنها در بعضی امور و از اینکه افراد زیادی به آنها مراجعه می‌كنند فریب خورد، چون افرادی که به آنها مراجعه می‌نمايند افراد جاهل و نادانی هستند که تاسی به آنان جایز نیست، چون پيامبر ص از آمدن پیش فال‌بین و غیب‌گویان و پرسیدن از آنها و تصدیق آنها نهی کرده است. چون این کار خطر بزرگ و عواقب وخیمی‌دارد، و چون که آنها افراد دروغگو و فاسقی هستند، چنان که این احادیث دلیلی بر کفر غیب‌گو و جادوگر می‌باشند، چون غیب‌گو و جادوگر ادعای علم غیب می‌كنند، و ادعای علم غیب کفر است، و آنها به هدف خود نمی‌رسند مگر آن که برای جن‌ها خدمت کنند، و آنها را علاوه بر خدا پرستش نمایند، و این کار کفر و شرک ورزيدن به خداست و کسی که آنها را در ادعای علم غیب تصدیق می‌كند همانند آنهاست، و هر کسی پیش اینها برود پیامبر خدا ص از او بیزار است، و مسلمان نباید آنچه را که آنها معالجه می‌نامند بپذیرد، مانند تعویذهایی که آنرا تزیین و نقاشی می‌كنند، همچون ذوب کردن و ریختن سرب و دیگر خرافاتی که انجام می‌دهند، همه این کارها کهانت و فریفتن مردم می‌باشد، و هر کسی این امور را بپذیرد در واقع آنها را در کفر و باطلشان یاری داده است، و همچنین جایز نسیت که مسلمانی پیش آنها برود و از آنها بپرسد که پسرش یا فامیلش با چه كسي ازدواج می‌كند و از آنها در مورد اینکه آیا زن و شوهر و خانواده‌هایشان با یکدیگر ازدواج می‌كنند و وفادار می‌مانند، یا اینکه با یکدیگر دشمن و از هم جدا می‌شوند، چون این امور غیبی هستند که فقط خداوند به آن آگاهی دارد و جادو از چیزهای حرام و کفر آمیز است، چنانکه خداوند در مورد دو فرشته می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ [البقرة: 102]. «و (يهود) از آنچه شياطين در عصر سليمان بر مردم مى‏خواندند پيروى كردند. سليمان هرگز (دست به سحر نيالود؛ و) كافر نشد؛ ولى شياطين كفر ورزيدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نيز يهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت‏» و «ماروت‏»، نازل شد پيروى كردند. (آن دو، راه سحر كردن را، براى آشنايى با طرز ابطال آن، به مردم ياد مى‏دادند. و) به هيچ كس چيزى ياد نمى‏دادند، مگر اينكه از پيش به او مى‏گفتند: «ما وسيله آزمايشيم كافر نشو! (و از اين تعليمات، سوء استفاده نكن!)» ولى آنها از آن دو فرشته، مطالبى را مى‏آموختند كه بتوانند به وسيله آن، ميان مرد و همسرش جدايى بيفكنند؛ ولى هيچ گاه نمى‏توانند بدون اجازه خداوند، به انسانى زيان برسانند. آنها قسمتهايى را فرامى‏گرفتند كه به آنان زيان مى‏رسانيد و نفعى نمى‏داد. و مسلما مى‏دانستند هر كسى خريدار اين گونه متاع باشد، در آخرت بهره‏اى نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر مى‏دانستند!!». این آیات کریمه بر این دلالت می‌نمايند که جادو کفر است و جادوگران بین زن و مرد جدایی می‌اندازند، و همین طور آیات مذکور دلالت می‌كنند که جادو خودش سود و زیانی نمی‌آورد، بلکه به اذن تکوینی و تقدیری خداوند موثر واقع می‌گردد؛ چون خداوند است که خیر و شر را آفریده است. و دروغ پردازنی که این علوم را از مشرکین فرا گرفته‌اند و بوسیله آن افراد کم عقل را می‌فریبند دچار زیان‌ها و مصایب سختی می‌شوند، چنانکه آیه کریمه دلالت می‌كند که کسانی که جادو را می‌آموزند چیزهایی می‌آموزند که به آنها زیان می‌رساند، و سودی به آنان نمی‌رساند و نزد خداوند بهره‌ای ندارند. و این وعید و تهدید بزرگی است که نشانگر آن است که جادوگران در دنیا و آخرت دچار زیان بزرگی گردیده‌اند و آنها خودشان را به قیمت بسیار ناچیزی فروخته‌اند به خاطر این خداوند آنها را مذمت می‌نمايد و می‌گويد: ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ خريد در اينجا به معنى فروش است.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که ما را از شر جادوگران و کاهنان و سایر شعبده بازان نجات دهد، و همچنین از او تعالی می‌خواهیم مسلمین را از شر آنان محافظت کند، و به حکام مسلمین توفیق دهد که مردم را از آنها بر حذر دارند، و حکم خداوند را در مورد آنها اجرا کنند تا بندگان از ضرر و کارهای پلیدشان راحت شوند، بی‌گمان خداوند بخشنده و بزرگوار است. و خداوند برای بندگانش چیزهایی مقرر داشته که بوسیله آن از شر جادو قبل از انجام شدن آن محفوظ می‌مانند و همچنین برایشان روشن کرده که بعد از گرفتار جادو شدن چگونه خود را معالجه نمایند و این رحمت و احسان الهی در حق آنان است.

اینک چیزهایی بیان می‌شود که بوسیله آن می‌توان خود را از خطر جادو قبل از آن که پیش بیاید حفاظت کرد، و همچنین اموری که بعد از گرفتار شدن به جادو خود را بوسیله آن می‌توان معالجه کرد بیان می‌شوند.

اما آنچه بوسیله آن قبل از جادو خود را می‌توان از خطر آن محافظت کرد مهم‌ترين و مفیدترین آن حفاطت خود با اذکار و دعاهای شرعی و ماثور است از آن جمله:

خواندن آیت الکرسی بعد از اذکاری که بعد از سلام دادن هر نماز فرض خوانده می‌شود، و همچنین خواندن آیت الکرسی به هنگام خوابیدن، و آیت الکرسی بزرگترین آیه در قرآن کریم است.

**آیة الکرسی:** ﮋﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸ ﯹﯺ ﯻ ﯼ ﯽﮊ [البقرة: 255].«هيچ معبودى بحق نيست جز خداوند يگانه زنده، كه قائم به ذات خويش است، و موجودات ديگر، قائم به او هستند؛ هيچگاه خواب سبك و سنگينى او را فرانمى‏گيرد؛ (و لحظه‏اى از تدبير جهان هستى، غافل نمى‏ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است، از آن اوست؛ كيست كه در نزد او، جز به فرمان او شفاعت كند؟! (بنابراين، شفاعت شفاعت‏كنندگان، براى آنها كه شايسته شفاعتند، از مالكيت مطلقه او نمى‏كاهد.) آنچه را در پيش روى آنها (بندگان) و پشت سرشان است مى‏داند؛ (و گذشته و آينده، در پيشگاه علم او، يكسان است.) و كسى از علم او آگاه نمى‏گردد؛ جز به مقدارى كه او بخواهد. (اوست كه به همه چيز آگاه است؛ و علم و دانش محدود ديگران، پرتوى از علم بى‏پايان و نامحدود اوست.) عرش او، آسمانها و زمين را دربرگرفته؛ و نگاهدارى آن دو (آسمان و زمين)، او را خسته نمى‏كند. بلندى مقام و عظمت، مخصوص اوست». و از جمله چیزهاییکه از خطر جادو حفاظت می‌كند خواندن ﴿ﭑﭒﭓﭔ﴾ و ﴿ﭤﭥﭦﭧ﴾ و ﴿ﮀﮁﮂﮃ﴾ است که بعد از هر نماز فرضی خوانده شوند، و این سه سوره سه بار بعد از نماز صبح در اول روز، و بعد از نماز مغرب خوانده شوند.

و همچنین خواندن دو آیه آخر سوره بقره در اول شب: ﮋﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﮊ [البقرة: 285-286]. «پيامبر، به آنچه از سوى پروردگارش بر او نازل شده، ايمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، كاملا مؤمن مى‏باشد.) و همه مؤمنان (نيز)، به خدا و فرشتگان او و كتابها و فرستادگانش، ايمان آورده‏اند؛ (و مى‏گويند:) ما در ميان هيچ يك از پيامبران او، فرق نمى‏گذاريم (و به همه ايمان داريم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنيديم و اطاعت كرديم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داريم)؛ و بازگشت (ما) به سوى توست. خداوند هيچ كس را، جز به اندازه تواناييش، تكليف نمى‏كند. (انسان،) هر كار (نيكى) را انجام دهد، براى خود انجام داده؛ و هر كار (بدى) كند، به زيان خود كرده است. (مؤمنان مى‏گويند:) پروردگارا! اگر ما فراموش يا خطا كرديم، ما را مؤاخذه مكن! پروردگارا! تكليف سنگينى بر ما قرار مده، آن چنان كه (به خاطر گناه و طغيان،) بر كسانى كه پيش از ما بودند، قرار دادى! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداريم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوى! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مايى، پس ما را بر جمعيت كافران، پيروز گردان».

و در حدیث صحیح از رسول خدا ص روایت است که فرمود: (هر کسی در شب آیت الکرسی را بخواند در آن شب همواره از سوی خدا نگهبانی دارد و تا صبح هیچ شیطانی به او نزدیک نمی‌گردد). و همچنین از ایشان ص روایت است که فرمود: (هر کسی دو آیه آخر سوره بقره را شب بخواند تا صبح او را کافی هستند). یعنی او را از هر شری کفایت و حفاظت می‌كنند، و از جمله کارهایی که از خطر جادو حفاظت می‌كند این است که به کثرت این دعا تکرار شود که: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ) این دعا را در شب و روز و به هنگام اقامت در خانه یا در صحرا یا در هوا یا در دریا بخواند زیرا پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی در جایی منزل گرفت و گفت: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ)، تا وقتی آنجا هست هیچ چیزی به او زیانی نمی‌رساند.

و همچنین از جمله دعاهایی که از خطر جادو محافظت می‌كند این است که مسلمان در اول روز و در اول شب سه بار بگوید: (بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) چون در حدیث صحیح روایت شده که پیامبرص به خواندن این دعا تشویق می‌کرد و می‌گفت این سبب سلامت ماندن از هر بلایی است.

و این اذکار و دعاها از بزرگترین عوامل حفاظت‌کننده از شر جادو و دیگر بلاها هستند که هر کسی با صداقت و ایمان و اعتماد به خدا و شرح صدر بر آنچه این اذکار بر آن دلالت می‌نمايند همواره بر آن مواظبت نماید از شر جادو محفوظ می‌ماند، و همچنین بزرگترین وسیله برای از بین بردن اثر جادو هستند که اگر همواره با تضرع و استعانت از خداوند برای دور کردن زیان و مشکل خوانده شوند، موثر خواهند بود.

ـ از دعاهایی که پیامبر ص برای معالجه جادو و غیره اصحابش را با آن دم می‌کرد این دعا بود: (اَللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ البَاسَ، اشْفِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لاَ شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لاَ يُغَادِرُ سَقَمًا) سه بار این دعا را بگوید.

ـ از آن جمله دعا و رقیه‌ای است که جبرئیل با آن پیامبر ص را دم کرد این است: (بِاسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ ) این را سه بار تکرار کند.

ـ از جمله چیزهایی که جادو با آن معالجه می‌گردد و برای مردی که بر اثر جادو نمی‌تواند با زنش همبستر شود بسیار مفید است، این است که هفت برگ سبز از برگ درخت کنار(سدر) بگیرد و آن را با سنگ یا چیزی بکوبد و خرد نماید و در ظرفی بگذارد و به آن آب اندازه‌اى که برای غسل کفایت می‌كند اضافه نماید و آیت الکرسی و ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ و ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ و ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ را بخواند و دم کند.

و آیات سحر را که در سوره اعراف آمده‌اند: ﮋﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﮊ [الأعراف: 117-119]. «(ما) به موسى وحى كرديم كه: «عصاى خود را بيفكن!» ناگهان (بصورت مار عظيمى در آمد كه) وسايل دروغين آنها را بسرعت برمى‏گرفت. (در اين هنگام،) حق آشكار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. و در آنجا (همگى) مغلوب شدند؛ و خوار و كوچك گشتند».

و آیاتی که در سوره یونس آمده‌اند: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﭫ ﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ [يونس: 79-82]. «فرعون گفت: «(برويد و) هر جادوگر (و ساحر) دانايى را نزد من آوريد. هنگامى كه ساحران (به ميدان مبارزه) آمدند، موسى به آنها گفت: «آنچه (از وسايل سحر) را مى‏توانيد بيفكنيد، بيفكنيد! هنگامى كه افكندند، موسى گفت: «آنچه شما آورديد، سحر است؛ كه خداوند بزودى آن را باطل مى‏كند؛ چرا كه خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمى‏كند. او حق را به وعده خويش، تحقق مى‏بخشد؛ هر چند مجرمان كراهت داشته باشند».

و آیاتی که در سوره طه آمده‌اند: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [طه: 65-69]. «(ساحران) گفتند: «اى موسى! آيا تو اول (عصاى خود را) مى‏افكنى، يا ما كسانى باشيم كه اول بيفكنيم؟! گفت: «شما اول بيفكنيد!» در اين هنگام طنابها و عصاهاى آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر مى‏رسيد كه حركت مى‏كند! موسى ترس خفيفى در دل احساس كرد (مبادا مردم گمراه شوند) گفتيم: «نترس! تو مسلما (پيروز و) برترى. و آنچه را در دست راست دارى بيفكن، تمام آنچه را ساخته‏اند مى‏بلعد! آنچه ساخته‏اند تنها مكر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد».

همه این آیات را بخواند و در آب دم کند و سپس سه بار از آن بنوشد و با باقی آن غسل کند و اینگونه بیماری و مشکل او إن شاءالله رفع می‌شود، و اگر نیاز بود که آنرا دو بار یا بیشتر استفاده کند اشکال ندارد تا وقتي بيماري رفع شود.

و از جمله چیزهایی که بوسیله آن جادو از بین می‌رود تلاش برای یافتن محل جادو است که آنرا پیدا کند و از بین ببرد و آنوقت جادو باطل می‌گردد.

اینها اموری بودند که بوسیله آن می‌توان از شر جادو خود را حفاظت کرد و با آن جادو باطل می‌گردد.

اما معالجه جادو با عمل جادوگران که با ذبح حیوان و غیره به جن‌ها تقرب می‌جویند جایز نیست، چون این کار شیطانی و بلکه شرک اکبر است و باید از آن پرهیز کرد. و همچنین جایز نیست که برای معالجه سحر و جادو به کاهنان و فال بین‌ها و شعبده‌بازها مراجعه شود، و آنچه آنها می‌گويند انجام داده شود، چون آنها ایمان ندارند، و دروغگو و فاسد می‌باشند، و ادعای علم غیب می‌كنند، و مردم را فریب می‌دهند، و پیامبر ص از مراجعه کردن به نزد چنین افرادی و تصدیق آنها نهی کرده است. چنانکه در اول این رساله بیان شد، و در حدیث صحیح از رسول خدا ص روایت است که از او در مورد باطل کردن جادو پرسیدند فرمود: این از کار شیطان است. امام احمد وابو داود با اسناد جيد.

یعنی اینکه در زمان جاهلیت مردم پیش جادوگردان می‌رفتند تا جادو را باطل کنند و یا با جادو آن را باز نموده و از بین ببرند. و در این مورد از پیامبر ص پرسیدند، ایشان فرمودند که کاری شیطانی است. اما باز کردن و ابطال جادو با دم و دعاهای شرعی و داروهای مباح اشکالی ندارد، چنان که قبلا بیان شد. و علامه ابن قیم و شیخ عبدالرحمن بن حسن در فتح المجید و دیگر علماء این را به صراحت بیان كرده‌اند.

از خداوند مسئلت می‌نماييم که مسلمین را از هر بلایی مصون بدارد، و دینشان را حفاظت کند، و به آنها آگاهی در دین و دوری از همه آنچه که با شریعت مخالف است را ارزانی نماید([[4]](#footnote-4)).

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وصحبه.

پرهیز از ساختن مسجد بر قبرها

پرسیده‌اند که آیا جایز است که بر محل اصحاب کهف مسجدی ساخته شود؟

در پاسخ باید گفت:

بسم الله والحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله، اما بعد: اطلاع یافتم که در مجله رابطة العلوم الإسلامیة، در باب أخبار مسلمین در ماه، آمده است که رابطة العلوم الإسلامیة در کشور پادشاهی اردن می‌خواهد بر غاری که اخیرا در قریه الرحیب کشف شده و غاری است که گفته می‌شود اصحاب کهف در همین غار خوابیده‌اند مسجدی بسازد. از آنجا که لازم است انسان خیرخواه دین خدا و بندگانش باشد، لازم دیدم که در همین مجله سخنی با رابطة العلوم الإسلامیة اردن داشته باشم و رابطه را در مورد اینکه قصد ساختن مسجدی بر غار مذکور دارد نصیحت کنم، چون شریعت اسلامی از ساختن مساجد بر قبور انبیاء و صالحین و بر آثار آنها نهی کرده، و کسی را که اقدام به چنین کاری می‌نمايد لعنت کرده است، زیرا این کار از وسيله‌هاى شرک و غلو و افراط در پیامبران و صالحان است، و واقعیت امر به صحت آنچه شریعت به آن فرمان داده گواهی می‌دهد، چون شریعت از سوی خدا آمده و دلیل قاطعی بر صداقت پیامبر در آنچه از سوی خدا آورده و به مردم رسانیده می‌باشد.

و هر کسی در اوضاع عالم اسلامی و شرک و غلو و افراطی که سبب ساختن مساجد بر قبرها و تعظیم و بزرگداشت آن و مقرر کردن دربان برای آن پدید آمده فکر کند به یقین می‌داند که ساختن مساجد بر قبور از وسيله‌ها و ذرایع شرک است و می‌داند که یکی از محاسن و خوبی‌های شریعت منع از ساختن آن است.

بخاری و مسلم از عایشه ك روایت می‌كند که گفت: پیامبر ص فرمود: (لعنت خدا بر یهود و نصارا باد كه آنها قبور پیامبرشان را مسجد قرار دادند) عایشه ك می‌گويد: پیامبر از کار آنها برحذر می‌داشت، و می‌گويد: اگر این نمی‌بود قبرش را برجسته می‌كردند، اما از ترس آنکه مبادا مسجد قرار داده شود به حالت خود باقی ماند.

در صحیحین از ام سلمه و ام حبیبه را روایت است که می‌گويند: از کلیسایی برای پیامبر سخن گفتیم که آنرا در حبشه دیده بودیم و از عکس‌هایی که در آن بود برایشان گفتیم، فرمود: (وقتی مرد صالحی از آنان وفات می‌یافت بر قبر او مسجدی می‌ساختند و این عکسها را در آن می‌کشیدند ایشان بدترین مردم نزد خدا هستند).

و در صحیح مسلم از جندب بن عبدالله روایت است که گفت: پنج روز قبل از وفات پیامبر ص از ایشان شنیدم که گفت: (من به خدا تبری می‌جویم از اینکه فردی از شما خلیل من باشد، خداوند مرا همچون ابراهیم خلیل و دوستش قرار داده است، و اگر از امت خود کسی را به عنوان خلیل و دوست خود انتخاب می‌کردم ابوبکر به عنوان دوست و خلیل بر می‌گزیدم، آگاه باشید قبرها را مسجد قرار ندهید من شما را از این نهی می‌کنم).

و احادیث زیادی در این مورد آمده است، ائمه و علمای مذهب چهارگانه و غیره همه از مسجد قرار دادن قبرها نهی كرده‌اند و از این کار برحذر داشته‌اند، آنها با این کار به سنت پیامبر ص عمل کرده و برای امت خیر خواهی نموده‌اند تا در آنچه افراطی‌های یهودیان و نصارا و امثالشان از گمراهان این امت افتاده‌اند و گرفتار شده‌اند، گرفتار نشوند.

پس لازم است رابطة العلوم الإسلامیة در اردن و دیگر مسلمین به سنت تمسک بجویند و در مسیر ائمه گام بردارند و از آنچه خدا و پیامبرش از آن بر حذر داشته‌اند پرهیز کنند، و صلاح بندگان و سعادت و نجات آنها در دنیا و آخرت در همین امر است، و بعضی از مردم بر ساختن مسجد بر غار از این آیه استدلال كرده‌اند که خداوند در بیان داستان اصحاب کهف می‌فرمايد: ﮋﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳﮊ [الكهف: 21]. «ما مسجدى بر (مدفن) آنها مى‏سازيم (تا خاطره آنان فراموش نشود)».

در جواب باید گفت که خداوند از سران و صاحبان قدرت آن زمان خبر می‌دهد که آنها چنین گفتند و این به معنی آن نیست که خداوند سخن آنها را پسندیده و تایید می‌كند، بلکه خداوند گفتار آنان را مذمت می‌نمايد، و عیب مى‌گيرد و از کارشان بر حذر می‌دارد، و وقتی پیامبر ص که از همه مردم مفهوم آیه را بهتر می‌داند امت را از مسجد ساختن برقبرها نهی می‌كند و از آن برحذر می‌دارد و کسانی را که چنین می‌كنند لعنت و مذمت نموده است، اگر این کار جایز بود پیامبر ص چنان سخت با آن برخورد نمی کرد، اما می‌بینیم که پیامبر ص به شدت این کار را محکوم می‌كند، و انجام دهنده آنرا لعنت کرده است، و خبر داده که او از بدترین مردم نزد خداوند است، فکر می‌کنم در این مورد این مقدار برای طالب حق قانع‌کننده و کافی است، و اگر به فرض آن که مسجد ساختن بر قبرها برای امت‌هایی پیش از ما جایز بوده است، جایز نیست که ما از آنها الگو برداری کنیم، چون شریعت ما، همه شریعت‌ها را منسوخ کرده است، و پیامبر ما آخرین پیامبر، و شریعت او شامل و فراگیر است، و ایشان ص ما را از ساختن مسجد بر قبرها نهی کرده است، از این رو برای ما جایز نیست که با او مخالفت کنیم، و واجب است که از او پیروی کنیم، و به آنچه او آورده تمسک جوییم، و شریعت‌های گذشته و عاداتی که برای انجام دهندگان آنها خوب و زیبا جلوه می‌كرده‌اند و پیامبر ما با آن مخالفت ورزیده را رها کنیم، چون هیچ چیزی از شریعت خدا کاملتر نیست، و هیچ رهنمودی از رهنمود پیامبر زیباتر نمی‌باشد.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که بر پایداری بر دین و تمسک به شریعت پیامبرش محمد ص در اقوال و اعمال و ظاهر و باطن و در همه کارها تا وقتی از دنیا می‌رویم توفیق دهد بی‌گمان او شنوای نزدیک است([[5]](#footnote-5)).

وصلى الله وسلم على عبده ورسوله محمد وآله وصحبه ومن اهتدی بهداه إلى یوم الدین.

دفن کردن مرده‌ها در مساجد

بسم الله والحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله ومن اهتدی بهداه، أما بعد:

در روزنامه خرطوم در تاریخ 17/ 4/ 1415 هجری، بیانیه‌ای آمده بود که سید محمد حسن ادریسی در کنار قبر پدرش در مسجدشان در شهر ام درمان به خاک سپرده شد... الخ.

از آنجا که خداوند خیر خواهی برای مسلمین و رد منکر را واجب کرده است، بر آن شدم تا تذکر دهم که دفن مرده‌ها در مساجد جایز نیست، بلکه از وسيله‌هاى شرک و از اعمال یهود و نصارا است که خداوند آنها را به خاطر این کار مذمت و لعنت کرده است، چنانکه در صحیحین از عایشه ك روایت شده که می‌گويد: پیامبر ص فرمود: (لعنت خدا بر یهود و نصارا باد، آنها قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند). و در صحیح مسلم جندب بن عبدالله از پیامبر ص روایت می‌كند که فرمود: (کسانی که پیش از شما بودند قبور انبیاء و صالحان خود را مسجد قرار دادند، هان آگاه باشید قبرها را مسجد قرار ندهید من شما را از این کار باز می دارم). و احادیث زیادی در این مورد آمده است، بنابراین بر مسلمین در هر جا که باشند ـ حکومت‌ها و ملت‌ها ـ واجب است که از خدا بترسند و از آنچه خداوند از آن نهی کرده بپرهیزند و مرده‌هایشان را بیرون از مساجد دفن کنند چنانکه پیامبر ص و اصحابش ن مرده‌های خود را بیرون از مساجد دفن می‌كردند، و همچنین پیروانشان چنین می‌كردند، اما اینکه قبر پیامبر ص و ابوبکر و عمر م در مسجد پیامبر قرار گرفته است نمی‌تواند دلیلی بر این باشد که دفن مرده‌ها در مساجد جایز است چون پیامبر ص در خانه‌اش ـ خانه عایشه ك ـ دفن شد، سپس دو یارش در کنار او دفن گردیدند، سپس در راس صده اول هجری زمانیکه ولید بن عبدالملک مسجد را توسعه داد حجره را داخل مسجد قرار داد و اهل علم به او اعتراض کردند، اما او نظرش این بود که داخل قرار گرفتن حجره مانعی برای توسعه نیست بنابراین مسئله واضح است و مشتبه نیست.

و اینگونه برای هر مسلمانی واضح و روشن می‌گردد که پیامبر ص و یارانش ابوبکر و عمر در مسجد دفن نشده‌اند، و اینکه با توسعه مسجد قبرهای آنان را در مسجد قرار داده‌اند دلیلی براین نیست که دفن کردن مرده‌ها در مسجد جایز است و چون آنها در خانه پیامبر ص دفن شده‌اند، و عمل ولید نمی‌تواند حجت باشد، و بلکه قرآن و سنت و اجماع سلف امت ن حجت و دلیل است. و خداوند ما را از پیروان راستین سلف بگرداند.

در تاریخ 14/ 5/ 1415 هجری از روی خیر خواهی و انجام وظیفه این مطلب به رشته تحریر در آمده است([[6]](#footnote-6)).

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وأتباعهم بإحسان.

بیان کفر و گمراهی کسی که ادعا می‌كند بیرون رفتن از شریعت محمد ص جایز است

الحمدلله رب العالمین، والصلاة والسلام خاتم الأنبیاء والمرسلین نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین، أما بعد:

از مقاله‌ای که در روزنامه الشرق الأوسط شماره 5824 در تاریخ 5/6/1415هـ انتشار یافته بود مطلع شدم این مقاله را فردی به نام..... تحت عنوان (فهم نادرست) نوشته است.

خلاصه مقاله این است که او امری از دین اسلام که از ضروریات آن است و در مورد آن نص آمده و اجماع شده را انکار می‌كند، آن مطلب این است که رسالت محمدص عام و برای همه مردم است و او ادعا می‌كند که هر کسی از محمد ص پیروی نکند و یهودی و یا مسیحی باقی بماند بر دین درست و حقی قرار دارد، سپس نویسنده در مورد اینکه خداوند کافران و گناهکاران را عذاب می‌دهد زبان درازی کرده و این را چیزی بیهوده دانسته است.

و همچنین نصوص شرعی را تحریف کرده و آنرا مطابق با میل خود تفسیر کرده، و از دلایل شرعی و نصوص صریحی که دال بر این هستند که رسالت محمد ص عام است و هر کس به آن ایمان نیاورد کافر است، و خداوند جز اسلام دینی را نمی‌پذيرد، اعراض کرده است. و از دیگر نصوص صریح نیز اعراض کرده و روی برتافته است تا جاهلان فریب سخن او را بخورند.

این کار که او کرده کفر صریح و ارتداد از اسلام و تکذیب خدا و پیامبرش می‌باشد، چنانکه هر کسی از اهل علم و ایمان اين مقاله را بخواند به آن پی می‌برد، و ولی امر باید او را به دادگاه فرا بخواند و از او بخواهند که توبه نماید و به مقتضای شریعت برایش حکم صادر کند.

خداوند بیان کرده که رسالت محمد ص عام و برای همه است و پیروی از آن بر همه انسانها و جن‌ها واجب است، و این مطلب را هر انسانی که کمترین بهره‌ای از دانش داشته باشد می‌داند، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣﮊ [الأعراف: 158]. «بگو: اى مردم! من فرستاده خدا به سوى همه شما هستم؛ همان خدايى كه حكومت آسمانها و زمين، از آن اوست؛ معبودى بحق جز او نيست؛ زنده مى‏كند و مى‏ميراند؛ پس ايمان بياوريد به خدا و فرستاده‏اش، آن پيامبر درس نخوانده‏اى كه به خدا و كلماتش ايمان دارد؛ و از او پيروى كنيد تا هدايت يابيد». و می‌فرمايد: ﮋﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﮊ [الأنعام: 19]. «اين قرآن بر من وحى شده، تا شما و تمام كسانى را كه اين قرآن به آنها مى‏رسد، بيم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم)». و می‌فرمايد: ﮋﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [آل عمران: 31]. «بگو: «اگر خدا را دوست مى‏داريد، از من پيروى كنيد! تا خدا (نيز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است». و می‌فرمايد: ﮋﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﮊ [آل عمران: 85]. «و هر كس جز اسلام (و تسليم در برابر فرمان حق،) آيينى براى خود انتخاب كند، از او پذيرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زيانكاران است». و می‌فرمايد: ﮋﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮊ [سبأ: 28]. «و ما تو را جز براى همه مردم نفرستاديم تا (آنها را به پاداشهاى الهى) بشارت دهى و (از عذاب او) بترسانى». و می‌فرمايد: ﮋﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔﮊ [الأنبياء: 107]. «ما تو را جز براى رحمت جهانيان نفرستاديم». و می‌فرمايد: ﮋﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓﮊ [آل عمران: 20]. «و به آنها كه اهل كتاب هستند (يهود و نصارى) و بى‏سوادان (مشركان) بگو: آيا شما هم تسليم شده‏ايد؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسليم شوند، هدايت مى‏يابند؛ و اگر سرپيچى كنند، (نگران مباش! زيرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقايد) بندگان، بيناست». و می‌فرمايد: ﮋﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﮊ [الفرقان: 1]. «خير و بركت خداوند بسيار و انعام وى بزرگ است و او از صفات مخلوقان برتر و والا و خجسته مى‌باشد كسى كه قرآن را بر بنده‏اش نازل كرد تا بيم‏دهنده جهانيان باشد». و بخاری و مسلم از جابر س روایت كرده‌اند که پیامبر ص فرمود: (پنج چيز به من عطا شده است كه قبل از من، به هيچ پيامبري عطا نشده ‏است: 1- از مسافت يك ماه، دشمنانم دچار ترس و وحشت مي‏شوند. 2- زمين براي من مسجد و پاك قرار داده شده است. بنابر اين، هر كجا وقت نماز فرارسيد، امتم مي‏توانند همانجا (اگر آب نبود، تيمم نمايند) و ‏نماز بخوانند. 3- مال غنيمت براي من حلال گردانده شده است در حالي كه قبل از من، براي هيچ پيامبري، حلال نبوده است. 4- حق شفاعت به من عنايت شده است. 5- هر پيامبري فقط براي قوم خودش فرستاده شده است در حالي كه من براي تمام مردم دنيا مبعوث شده‏ام). در این حدیث توضیح داده شده است که رسالت پیامبر ما محمد ص عام و برای همه انسان‌ها است، و رسالت او شریعت‏های گذشته را منسوخ کرده، و هر کسی از محمد ص پیروی نکند کافر و گمراه و مستحق عذاب خداوند است. خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓﮊ [هود: 17]. «و هر كس از گروه‏هاى مختلف به او كافر شود، آتش وعده‏گاه اوست». و می‌فرمايد: ﮋﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮊ [النور: 63]. «پس آنان كه فرمان او را مخالفت مى‏كنند، بايد بترسند از اينكه فتنه‏اى دامنشان را بگيرد، يا عذابى دردناك به آنها برسد». و می‌فرمايد: ﮋﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﮊ [النساء: 14]. «و آن كس كه نافرمانى خدا و پيامبرش را كند و از مرزهاى او تجاوز نمايد، او را در آتشى وارد مى‏كند كه جاودانه در آن خواهد ماند؛ و براى او مجازات خواركننده‏اى است». و می‌فرمايد: ﮋﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮊ [البقرة: 108]. «آيا مى‏خواهيد از پيامبر خود، همان‏تقاضاى (نامعقولى را) بكنيد كه پيش از اين، از موسى كردند؟! (و با اين بهانه‏جويى‏ها، از ايمان آوردن سر باز زدند.) كسى كه كفر را به جاى ايمان بپذيرد، از راه مستقيم (عقل و فطرت) گمراه شده است.

و آیات زیادی در این خصوص آمده است و خداوند اطاعت از پیامبر ص را در کنار اطاعت از خودش قرار داده است، و بیان کرده که هر کسی معتقد به دینی غیر از اسلام باشد زیانمند شده و خداوند هیچ عملی را از او نمی‌پذيرد، بنابراین می‌فرمايد: ﮋﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻﮊ [آل عمران: 85]. «و هر كس جز اسلام (و تسليم در برابر فرمان حق،) آيينى براى خود انتخاب كند، از او پذيرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زيانكاران است». و می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖﮊ [النساء: 80]. «كسى كه از پيامبر اطاعت كند، خدا را اطاعت كرده». و می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [النور: 54]. «بگو: «خدا را اطاعت كنيد، و از پيامبرش فرمان بريد! و اگر سرپيچى نماييد، پيامبر مسؤول اعمال خويش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت كنيد، هدايت خواهيد شد؛ و بر پيامبر چيزى جز رساندن آشكار نيست!». و می‌فرمايد: ﮋﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﮊ [البينة: 6]. «كافران از اهل كتاب و مشركان (به اين آيين جديد) در آتش دوزخند، جاودانه در آن مي‌مانند، و آنها بدترين مخلوقاتند».

و مسلم در صحیح خود روایت می‌كند که پیامبر ص فرمود: (سوگند به كسي كه جانم در دست اوست هيچ فردي از اين امت و هيچ يهودي و نصراني دين من به او برسد(و درباره اسلام بشنود) سپس ايمان نياورد مگر اينكه او از اهل آتش خواهد بود).

و پیامبر ص با سخن و عمل خویش بطلان دیانت کسی را که به دین اسلام نگرویده بیان کرده است، ایشان با یهود نصارا جنگید همانطور که با دیگر کفار جنگید، و از آن دسته که حاضر به پرداخت جزیه شدند جزیه گرفت، تا از رسیدن دعوت به دیگران مانع نشوند، و هر کسی از آنها که می‌خواهد بدون اینکه هراسی از این داشته باشد که قومش او را از پذیرفتن اسلام باز دارند یا او را به قتل برسانند، به اسلام وارد شود.

و بخاری و مسلم از ابوهریره س روایت می‌كنند که گفت: (در حالیکه در مسجد بودیم پیامبر خدا ص بیرون رفت و گفت: بروید بسوی یهودیان، همراه او حرکت کردیم تا اینکه به بیت المدراس رسیدیم، آنگاه رسول الله ص ایستاد و آنها را صدا زد و گفت: ای گروه یهودیان، مسلمان شوید در امان خواهید بود، گفتند: تو پیام خود را رساندی ای ابوالقاسم، پیامبر ص فرمود: می‏خواهم مسلمان شوید تا در امان بمانید، گفتند: پیام خود را رساندی ای ابو القاسم، پیامبر ص فرمود: می‏خواهم مسلمان شوید تا در امان بمانید، سپس برای بار سوم گفتند: پیام خود را رساندی ای ابو القاسم). منظور این است که پیامبر به نزد اهل دیانت یهودیان رفت و آنها را به اسلام دعوت داد و فرمود: مسلمان شوید تا در امان بمانید و این را تکرار کرد. و همچنین نامه‏ای به هرقل نوشت و او را به اسلام دعوت داد و به او خبر داد که اگر از پذیرفتن اسلام امتناع ورزد گناه کسانی که به سبب او از پذیرفتن اسلام امتناع ورزیده‏اند برگردن اوست، امام بخاری و مسلم روایت كرده‌اند هرقل نامه پیامبر را خواست و آن را خواند در آن آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحیم، از جانب محمد بنده و پيامبر خدا به هرقل پادشاه روم: سلام بر كسي كه هدايت را برگزيند. اما بعد: بدانيد كه من به اسلام دعوت مي‏كنم. اگر دعوت اسلام را بپذيري، در امان خواهي بود و نزد خداوند پاداشي دو چندان خواهي داشت. و اگر (از قبول دعوت من) روي بگرداني، گناه رعيت و زيردستانت برگردن تو خواهد بود. خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ [آل عمران: 64]. «بگو: اى اهل كتاب! بياييد به سوى سخنى كه ميان ما و شما يكسان است؛ كه جز خداوند يگانه را نپرستيم و چيزى را همتاى او قرار ندهيم؛ و بعضى از ما، بعضى ديگر را -غير از خداى يگانه- به خدايى نپذيرد. هرگاه (از اين دعوت،) سرباز زنند، بگوييد: گواه باشيد كه ما مسلمانيم!. (اي اهل كتاب! بياييد بسوي چيزي كه ميان من و شما مشترك است. يعني اينكه: بجز خداي يكتا، كسي را نپرستيم، و چيزي با وي شريك نگردانيم. و هيچ يك از ما ديگري را بجاي خداوند، پروردگار خود قرار ندهد. اگر روگرداني نمودند، بگوييد: (اي اهل كتاب!) گواه باشيد كه ما مسلمانيم).

و سپس وقتی آنها روی گردانی کردند و گرویدن به اسلام را نپذیرفتند پیامبر ص و اصحابش ن با آنها جنگیدند و پیامبر بر آنها مقرر کرد که جزیه بدهند.

و برای اینکه تاکید شود که آنها گمراه و دینشان بعد از منسوخ شدن بوسیله دین محمد ص باطل است خداوند به مسلمان فرمان داده که در هر شب و روز و در هر نماز و در هر رکعتی از خداوند بخواهد که او را به راه راست و صحیح و مقبول که اسلام است هدایت نماید، و از راه کسانی که بر آنان خشم گرفته که یهودیان و امثالشان هستند و مى‌دانند که بر باطل هستند اما بر آن اصرار می‌ورزند دور نماید، و همچنین از خداوند بخواهد که او را از راه گمراهان که بدون علم و آگاهی عبادت می‌كنند و گمان می‏برند که بر هدایت هستند و حال آنکه بر راه گمراهی قرار دارند که نصارا و امثالشان از دیگر امت‏هایی هستند که دینداری آنها بر اساس جهالت و گمراهی است، دور کند، و همه اینها برای آن هستند تا مسلمان به یقین بداند که هر دینی غیر از اسلام باطل است، و هر کسی که خداوند را بر اساس دینی غیر از اسلام پرستش کند گمراه است، و هر کس به این معتقد نباشد از مسلمین نیست. و دلایل زیادی در این خصوص در کتاب و سنت آمده است، بنابراین نویسنده‏ى مقاله باید هر چه زودتر توبه کند و مقاله‏ای بنویسد و در آن توبه‏اش را اعلام دارد، و هر کسی صادقانه توبه کند و به سوی خدا برگردد خداوند توبه او را می‌پذيرد، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂﮊ [النور: 31]. «و همگى بسوى خدا بازگرديد اى مؤمنان، تا رستگار شويد». و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮊ [الفرقان: 68-70]. «و كسانى كه معبود ديگرى را با خداوند نمى‏خوانند؛ و انسانى را كه خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏كشند؛ و زنا نمى‏كنند؛ و هر كس چنين كند، مجازات سختى خواهد ديد. عذاب او در قيامت مضاعف مى‏گردد، و هميشه با خوارى در آن خواهد ماند. مگر كسانى كه توبه كنند و ايمان آورند و عمل صالح انجام دهند، كه خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏كند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است». و پیامبر ص می‌فرمايد: (اسلام گناهان پیش از آن را محو می‌كند، و توبه آنچه را که پیش از آن بوده محو می‌نمايد). و پیامبر ص در حدیثی دیگر می‌فرمايد: (کسی که از گناه توبه کرده همانند کسی است که گناه نکرده است). و آیات و احادیث زیادی در این مورد آمده است.

و از خداوند می‏خواهم که حق را به ما نشان دهد، و پیروی از آن را نصیب ما گرداند، و باطل را در نظر ما باطل بنماید، و به ما دوری گزدیدن از آن را ارزانی کند، و به ما و نویسنده و همه مسلمین توفیق توبه نصوح و راستین دهد، و ما را از فتنه‏های گمراه‏کننده و اطاعت از هوای نفس و شیطان پناه بدهد، و او کارساز و تواناست.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلی یوم الدین([[7]](#footnote-7)).

پرسش‌هایی در مورد عقیده و پاسخ به آن

سوال اول: در مورد مخالفت‌های شرعی

در برخی از جوامع اسلامی مخالفت‏های متعددی با شریعت اسلامی انجام می‌شود، برخی از این مخالفت‏ها در کنار بعضی از قبرها انجام مى‌گيرد، و بعضی مربوط به قَسَم و نذر است، و برخی شرک اکبر هستند که انسان را از دایره اسلام بیرون می‌كنند، و برخی در سطح پایین‏تری از این قرار دارند، چه خوب است اگر جناب عالی احکام این مسایل را برای آنها به عنوان نصیحت برای همه مسلمین توضیح دهید و از سهل‏انگاری در مورد این مخالفت‏ها و اهمیت ندادن به آن بر حذر دارید.

پاسخ: الحمد لله وصلی الله وسلم على رسول الله وعلى آله وأصحابه ومن اهتدی بهداه.

اما بعد: بسیاری از مردم امور جایز را با امور شرک‏آمیز و کارهایی که بدعت هستند اشتباه می‌گيرند چنانکه بسیاری به علت جهالت و تقلید کورکورانه مرتکب شرک اکبر می‌شوند، بنابراین بر علما در هر کجا واجب است که برای مردم دینشان را توضیح دهند، و حقیقت توحید و حقیقت شرک را برای آنان بیان کنند، همانطوری که بر علما واجب است که برای مردم وسيله‌هاى شرک و انواع بدعت‏هایی که میان مردم رواج دارد را بیان کرده و توضیح دهند، تا مردم از آن بپرهیزند؛ چون خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﮊ [آل عمران: 187]. «و (به خاطر بياوريد) هنگامى را كه خدا، از كسانى كه كتاب (آسمانى) به آنها داده شده، پيمان گرفت كه حتما آن را براى مردم آشكار سازيد و كتمان نكنيد!». و در آيه ديگر می‌فرمايد: ﮋ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞﯟ ﯠ ﯡ ﯢﮊ [البقرة: 159-160]. «كسانى كه دلايل روشن، و وسيله هدايتى را كه نازل كرده‏ايم، بعد از آنكه در كتاب براى مردم بيان نموديم، كتمان كنند، خدا آنها را لعنت مى‏كند؛ و همه لعن‏كنندگان نيز، آنها را لعن مى‏كنند؛ مگر آنها كه توبه و بازگشت كردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نيك،) اصلاح نمودند، (و آنچه را كتمان كرده بودند؛ آشكار ساختند؛) من توبه آنها را مى‏پذيرم؛ كه من تواب و رحيمم». و پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی به کار خیر راهنمایی کند به اندازه انجام دهنده خیر به او پاداش می‏رسد). مسلم.

و همچنین پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی به هدایتی فرا بخواند به اندازه پاداش کسانی که از او پیروی می‌كنند به او پاداش می‏رسد و از پاداش آنها چیزی کم نمی‌شود، و هر کسی به سوی گمراهی فرا بخواند به اندازه گناه کسانی که از او پیروی می‌كنند به او گناه می‏رسد بدون اینکه از گناه آنها کم شود).مسلم.

ودرصحیحیناز پیامبر ص روایت است که فرمود: (خداوند در مورد هر کسی اراده خیر داشته باشد او را در دین فقیه می‏گرداند).

و آیات و احادیث زیادی آمده که به نشر علم و تشویق مردم به آن فرا می‌خواند و كتمان ورويگرداني از علم را بر حذر می‏دارد. اما انواع شرک و بدعتهایی که در بسیاری از شهرها در کنار قبرها انجام مى‌گيرد امری مشخص و قابل توجه است که باید بیان شود، و مردم از آن برحذر داشته شوند، از جمله این شرک و بدعتها این است که: صاحبان قبرها را صدا می‏زنند و از آنها کمک می‏خواهند، و از آنها می‏خواهند که مریض‏ها را شفا دهند، و در مقابل دشمن پیروزشان کنند، همه این کارها از شرک اکبر است که اهل جاهلیت بر آن بودند، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦﮊ [البقرة: 21]. «اى مردم! پروردگار خود را پرستش كنيد؛ آن كس كه شما، و كسانى را كه پيش از شما بودند آفريد، تا پرهيزكار شويد». و می‌فرمايد: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الذاريات: 56]. «من جن و انس را نيافريدم (و پيامبران را برنگزيدم) جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)!». و می‌فرمايد: ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [الإسراء: 23]. «خداوند فرمان داده و توصیه نموده که کسی جز او را پرستش نکنید». و می‌فرمايد: ﮋ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮊ [البينة: 6]. «و دستوري به آنها داده نشده بود جز اين كه خدا را بپرستند، در حالي كه دين خود را براي او خالص كنند». و آیات زیادی در این خصوص آمده است.

و عبادتی که جن‌ها و انس‏ها برای آن آفریده شده‌اند و به آن فرمان یافته‏اند یگانه دانستن خداوند و خاص کردن همه عبادت‏هایی که به انجام آن فرمان داده از قبیل نماز و روزه و زکات و حج و ذبح و نذر و دیگر انواع عبادات برای او، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﮊ [الأنعام: 162]. «بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگى و مرگ من، همه براى خداوند پروردگار جهانيان است». و نسک یعنی عبادت، و یکی از عبادتها ذبح کردن و قربانی کردن حیوان است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌﮊ [الكوثر: 1-2]. «ما به تو كوثر (خير و بركت فراوان و من جمله نهر در بهشت است كه دو لبه‌ى آن از طلا، و بستر آن دُرّ و ياقوت است، خاك آن پاكيزه‌تر و خشبوتر از مشك، و آب آن شيرين‌تر از عسل و سپيدتر از برف است). پس براي پروردگارت نماز بخوان و قرباني كن». و پیامبر ص فرمود: (لعنت خدا بر کسی که حیوان را برای غیر خدا ذبح می‌كند). اين روايت را مسلم در صحيحش از حديث امير المؤمنين علي بن ابي طالب س روايت كرده است. و خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [الجن: 18]. «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﮊ [المؤمنون: 117]. «و هر كس معبود ديگرى را با خدا بخواند -و مسلما هيچ دليلى بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ يقينا كافران رستگار نخواهند شد ». و می‌فرمايد: ﮋﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ [فاطر: 13-14]. «اين است خداوند، پروردگار شما؛ حاكميت (در سراسر عالم) از آن اوست: و كسانى را كه جز او مى‏خوانيد (و مى‏پرستيد) حتى به اندازه پوست نازك هسته خرما مالك نيستند. اگر آنها را بخوانيد صداى شما را نمى‏شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمى‏گويند؛ و روز قيامت، شرك (و پرستش) شما را منكر مى‏شوند، و هيچ كس مانند (خداوند آگاه و) خبير تو را (از حقايق) با خبر نمى‏سازد». پس خداوند در این آیات توضیح داده است که نماز خواندن برای غیر از خدا، و ذبح برای غیر از او، و به فریاد خواندن و صدا زدن مرده‌ها و بت‌ها و درختان و سنگ‌ها، همه شرک به خداوند و کفر ورزیدن به اوست، و همه کسانی که علاوه بر خدا به فریاد خوانده می‌شوند از قبیل پیامبران و ملائکه‏ها و یا اولیاء و جن‌ها و یا بت‌ها و دیگر چیزها نمی‌توانند به کسی که آنها را صدا مى‌زند سود یا زیانی برسانند، و صدا زدن و کمک خواستن کسانی غیر از الله، شرک و کفر است، چنانکه خداوند توضیح داد که اینها صدا و فریاد کسی را که آنها را می‌خواند، نمی‏شنوند، و به فرض اگر بشنوند او را اجابت نمی‌كنند، بنابراین بر همه مكلفين از انسانها و جن‌ها واجب است که از این کار پرهیز کنند و دیگران را از آن بر حذر دارند، و باطل بودن آنرا بیان کنند، و تذکر دهند که این کار با توحیدی که پیامبران به آن فرا می‌خوانده‏اند مخالف است، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد». و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﮊ [الأنبياء: 25]. «ما پيش از تو هيچ پيامبرى را نفرستاديم مگر اينكه به او وحى كرديم كه: معبودى بحق جز من نيست؛ پس تنها مرا پرستش كنيد». و پیامبر ص سیزده سال در مکه فقط بسوی خداوند دعوت می‌كرد، و مردم را از شرک ورزیدن برحذر می‌داشت، و معنی لا إله إلا الله را برایشان توضیح می‌داد، اما تعداد اندکی دعوت او را پذیرفتند، و بیشتر مردم از پذیرفتن دعوت او و اطاعت از او سرباز زدند، آنگاه پیامبرص به مدینه هجرت کرد و آنجا دعوت بسوی خدا را برای مهاجرین و انصار گسترش داد و نشر نمود، و در راه الله جهاد کرد، و به پادشاهان و سران دنیا نامه نوشت، و دعوت خویش و هدایتی را که با خود آورده بود برایشان توضیح داد، و او و اصحابش در این راه صبر و بردباری نمودند، تا اینکه خداوند دین خود را چیره و پيروز گرداند و مردم گروه گروه به اسلام گرویدند و توحید منتشر شد و شرک از مکه و مدینه و سایر جزیرت العرب بوسیله پیامبر و بعد از او بدست اصحابش از بین رفت، سپس جهاد در راه خدا را در شرق و غرب ادامه دادند تا اینکه خداوند آنان را بر دشمنانش پیروز گردانید و آنها را روی زمین قدرت داد و حکمفرما نمود و دین خدا بر سایر ادیان همانطور که خداوند وعده داده بود پيروز شد، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮﮊ [التوبة: 33]. «او كسى است كه رسولش را با هدايت و آيين حق فرستاد، تا آن را بر همه آيين‏ها غالب گرداند، هر چند مشركان كراهت داشته باشند». و از جمله بدعت و وسيله‌هاى شرک نماز خواندن در کنار قبرها و قرآن خواندن بر آن و ساختن مسجد و گنبد بر آن است، و همه اینها بدعت و منکر از وسيله‌ها و ذرائع شرک اکبر می‌باشند، بنابراین در حدیث صحیح از پیامبر ص روایت شده که فرمود: (لعنت خدا بر یهود و نصارا باد آنها قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند). و در صحیح مسلم جندب بن عبدالله س از پیامبرص روایت می‌كند که فرمود: (کسانی که پیش از شما بودند قبرهای پیامبران و صالحان خود را در مسجد قرار دادند، هان آگاه باشید قبرها را مسجد قرار ندهید من شما را از این کار باز می‌دارم...). پیامبر ص در این دو حدیث و در احادیث دیگری که در این خصوص آمده‌اند روشن نموده است که یهودیان و نصارا قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار می‌دادند بخاطر این پیامبر ص امتش را از اختیار مشابهت با آنها در مسجد قرار دادن قبرها و نماز خواندن بر آن و نشستن و ماندن در کنار آن و قرآن خواندن در کنار آن نهی کرده است، چون همه این کارها وسيله‌هايی هستند که منجر به شرک و غلو و افراط در مورد صاحبان قبر می‌شدند، چنان که یهود و نصارا اینگونه هستند، و جاهلان اين امت هم در مورد صاحبان قبور دچار غلو افراط گردیده‌اند، تا جایی که صاحبان قبرها را پرستش می‌نمايند، و برایشان حیوان سر می‌برند، و از آنها کمک می‌خواهند، و برایشان نذر کرده و از آنان می‌خواهند که بیماران را شفا دهند، و آنها را بر دشمنان پیروز کنند، چنانکه هر کسی از آنچه از شرک اکبر که در کنار قبر حسین و بدوی و شیخ عبدالقادر گیلانی و ابن عربی و غیره انجام می‌شود آگاه است این را به خوبی مى‌دانند، و در حدیث از پیامبر ص روایت است که ایشان ص از گچکاری قبرها، و نشستن بر آن، و ساختن بر آن، و نوشتن بر آن نهی کرده است، چون گچکاری و ساختن بر قبرها از وسیله‌های شرک اکبر هستند. پس بر همه مسلمین ـ بر ملت‌ها و حکومت‌ها ـ واجب است که از این شرک و این بدعتها بر حذر دارند، و از علمایی که عقیده‌شان صحیح و درست است بپرسند، و در آنچه از امور دینشان دچار اشکال می‌شوند راه سلف در پیش بگیرند، تا خداوند را از روی آگاهی پرستش کنند، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﮊ [الأنبياء: 7]. «اگر نمى‏دانيد، از آگاهان بپرسيد». **و** پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی راهی را طى کند و در آن به دنبال علم و دانش باشد خداوند راه رسیدن به بهشت را برای او هموار می‌سازد). و پیامبرص می‌فرمايد: (هر کس که خداوند به او اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهی می‌دهد). و معلوم است که بندگان بیهوده آفریده نشده‌اند و بلکه برای هدفی بزرگ و ارزشمند آفریده شده‌اند و آن هدف این است که تنها خدا را بپرستند نه چیزهایی غیر از او را، چنانکه می‌فرمايد: ﮋﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﮊ [الذاريات: 56]. «من جن و انس را نيافريدم (و پيامبران را برنگزيدم) جز براى اينكه عبادتم كنند (و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند)!». و تنها راه شناخت این عبادت تدبر و اندیشیدن در کتاب بزرگ خداوند و سنت مطهر است، و شناخت اوامر خدا و پیامبر ص، پرسیدن از علما در آنچه اشکال پیش می‌آید، می‌باشد، و اینگونه عبادتی که خداوند بندگان را به خاطر آن آفریده است شناخته می‌شود، و بصورتی انجام مى‌گيرد که خداوند مشروع و مقرر نموده است، و این تنها راه رسیدن به موفقیت و کرامت و نجات از خشم و عذاب الهی است، به امید اینکه خداوند مسلمین را به انجام آنچه مایه رضامندی اوست توفیق دهد، و به آنان آگاهی در دین ارزانی نمايد، و از او تعالی خواهانيم که بهترین افراد را حاکم مسلمین بگرداند و رهبران آنها را اصلاح نماید و علمای مسلمین را توفيق دهد تا وظیفه دعوت و تعلیم و نصیحت و توجیه که مسئولیت آنهاست را انجام بدهند، بی‌گمان خداوند بخشنده و بزرگوار است. و یکی از انواع شرک ورزیدن سوگند خوردن به غیر الله است مانند سوگند خوردن، به پيامبران و به سر فلاني، یا به زندگی فلانی، و سوگند خوردن به امانت و شرافت، در حدیث صحیح از پیامبر ص روایت است که فرمود: (هر کسی سوگند می‌خورد به خداوند سوگند بخورد یا ساکت بماند).

و فرمود: (هر کسی به چیزی غیر از خداوند سوگند خورد براستی که شرک ورزیده است...). امام احمد از امیر المومنین عمر بن خطاب س این حدیث را با اسناد صحیح روایت کرده است، و می‌فرمايد: (هر کسی به غیر از خداوند سوگند بخورد کفر یا شرک ورزیده است) ابوداود و ترمذی بروایت از ابن عمر. و پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کس به امانت سوگند بخورد از ما نیست...).

و می‌فرمايد: (به پدرانتان سوگند نخورید و به مادرانتان و به انبازها سوگند نخورید، و به خداوند سوگند نخوريد مگر آن كه راست گفته باشید). و احادیث زیادی در این مورد آمده است.

سوگند خوردن به غیر از خداوند شرک اصغر است، و اگر سوگند خورنده معتقد به تعظیم چیزهایی باشد که آن چیز علاوه بر خدا سود و زیان می‌رساند، یا شایستگی این را دارد که به فریاد خوانده شود و از آن کمک گرفته شود، به شرک اکبر منجر می‌گردد، و گفتن هر چه خدا و هر چه فلانی بخواهد، و اگر خدا و فلانی نبود، و این از خدا و از فلانی است، همه شرک اصغر هستند؛ چون پیامبر ص فرمود: (نگویید آنچه خدا و فلاني بخواهد، بلکه بگویید آنچه خدا بخواهد و سپس فلانی بخواهد). و با این معلوم می‌شود که اگر کسی بگوید اگر خدا و سپس فلانی نبود، یا بگوید این از طرف خدا سپس از طرف فلانی است...

در صورتيكه فرد سبب کاری شده باشد اشکالی ندارد. و از پیامبر ص روایت است که مردی به او گفت: هرچه خدا و تو بخواهی, پیامبر ص به او گفت: آیا مرا همتا و انباز خدا قرار می‌دهی؟!

بگو: هر چه فقط خدا بخواهد... این حدیث دلالت می‌كند که وقتی بگوید هرچه تنها خدا بخواهد کامل‌تر است، و اگر بگوید: آنچه خدا و سپس فلانی بخواهد اشکالی ندارد، و اینگونه بین احادیث و دلایل جمع می‌گردد.

سوال دوم: در مورد توسل

بعضی از مردم توسل به ایمان آوردن به پیامبر و به محبت و طاعت او را با توسل به ذات و جایگاه او قاطی می‌كنند، همانطور که توسل به دعای پیامبر ص در دوران حیاتش را با دعا خواستن از او بعد از وفاتش در می‌آمیزند و مخلوط می‌كنند، و این در آمیختن باعث شده آنچه که جایز است با آنچه که ممنوع است مشتبه و آمیخته شود، بنابراین اگر ممکن است در این مورد توضیح دهید تا شبهه بر طرف شود و هواپرستانی که در این مسایل مسلمین را دچار شبهه می‌كنند و فریب می‌دهند، رد شوند.

پاسخ: تردیدی نیست که بسیاری از مردم به علت جهالت و کمبود افرادی که به آنها تذکر دهند و آنان را به سوی حق راهنمایی کنند فرق توسل جایز را با توسل ناجایز نمى‌دانند، و معلوم است که این دو با یکدیگر تفاوت و فرق بزرگی دارند، توسل مشروع چیزی است که خدوند پیامبران را با آن فرستاده، و کتابها را با آن نازل فرموده، و جن‌ها و انسانها را برای آن آفریده است، و آن عبادت خداوند و محبت او و محبت پیامبر ص و دوست داشتن همه پیامبران و مومنان و ایمان داشتن به رستاخیز و بهشت و جهنم و همه چیزهایی است که خدا و پیامبرش از آن خبر داده‌اند.

همه اینها وسیله شرعی برای رسیدن به بهشت و نجات از جهنم و سعادت دنیا و آخرت هستند، از آن جمله دعا و به فریاد خواندن خداوند و توسل به او با اسما حسنای او و صفاتش، و توسل به او با محبت او و ایمان آوردن به او، و توسل به او با همه اعمال صالحی که برای بندگانش مشروع نموده، و آن را وسیله برای رسیدن به رضامندی خویش و دست یافتن به بهشت قرارداده است، و همچنین این امور را وسیله‌ای برای رفع مشکلات و آسان شدن کارها در دنیا و آخرت قرار داده است، چنان که می‌فرمايد: ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮊ [الطلاق: 2-3]. «و هركس از خدا بپرهيزد و ترك گناه كند، خداوند براي او راه نجاتي قرار مي‌دهد. و او را از جائي كه گمان ندارد روزي مي‌دهد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸﮊ [الطلاق: 4]. «و هركس تقواي الهي پيشه كند خداوند كار را بر او آسان مي‌سازد». و می‌فرمايد: ﮋ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈﮊ [الطلاق: 5]. «و هركس تقواي الهي پيشه كند (و از مخالفت فرمان او بپرهيزد) خداوند گناهانش را مي‌بخشد، و پاداش او را بزرگ مي‌دارد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙﮊ [الحجر: 45]. «به يقين، پرهيزگاران در باغها(ى سرسبز بهشت) و در كنار چشمه‏ها هستند». و می‌فرمايد: ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪﮊ [القلم: 34]. «براي پرهيزكاران نزد پروردگارشان باغهاي پرنعمت بهشت است». و می‌فرمايد: ﮋ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎﮊ [الأنفال: 29]. «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهيزيد، براى شما وسيله‏اى جهت جدا ساختن حق از باطل قرارمى‏دهد؛ (روشن‏بينى خاصى كه در پرتو آن، حق را از باطل خواهيد شناخت؛) و گناهانتان را مى‏پوشاند؛ و شما را مى‏زمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظيم است». و آیات زیادی در این خصوص آمده است.

و از جمله توسل جایز، توسل جستن به خداوند با محبت پیامبرش و ایمان داشتن به او و پیروی کردن از شریعت اوست، چون این امور از بزرگترین اعمال صالح و بزرگترین عبادت‌ها هستند.

اما توسل جستن به مقام و جایگاه پیامبر ص، یا به ذات او، یا به حق او، یا به جایگاه کسی دیگر از پیامبران و صالحان، یا به ذات و یا به حق آنها از بدعت‌هایی است که اصل و اساسی ندارد، و بلکه از وسيله‌هاى شرک است، چون اصحاب ن که از همه مردم به پیامبر ص و به حق آگاهترند این کار را نکردند، و اگر در آن خیری می‌بود آنها از ما پیشی می‌گرفتند، و وقتی در زمان عمر س دچار قحط‌سالی شدند به سوی قبر پیامبر ص نرفتند، و به او توسل نکردند، و در کنار قبرش دعا نکردند، بلکه عمر س از عموی پیامبر عباس بن عبدالمطلب خواستند که برای باران دعا کند و اوس بالای منبر گفت: پروردگارا! ما قبلاً به وسيله پيامبرت ص طلب باران مي‏كرديم و تو باران نازل مي‌فرمودي، اكنون بوسيله عموي پيامبرمان (يعني عباس) از تو طلب باران مي‏كنيم. راوي مي‏گويد: (بوسيله دعاي عباس باران مي‌باريد). بروایت امام بخاری.

سپس عمر س به عباس گفتند دعا کند و مردم آمین گفتند آنگاه خداوند باران فرو فرستاد. و داستان کسانی که در غار گرفتار شدند معروف است، و در صحیحین آمده است و خلاصه‌اش این است که سه نفر از کسانی که پیش از ما بوده‌اند برای شب گذراندن و برای آنکه از باران محفوظ بمانند به غاری پناه می‌برند وقتی داخل غار رفتند صخره‌اى از داخل کوه غلتید و دهان غار را به سوی آنها مسدود کرد و آنها نتوانستند سنگ را از دهان غار دور کنند بنابراین با خود گفتند: هیچ چیزی شما را از این صخره نجات نمی‌دهد مگر اینکه با توسل با اعمال خود خداوند را به فریاد بخوانید، آنگاه پیش خدا دعا کردند و از او کمک خواستند، و یکی با ذکر نیکی به پدر و مادرش به خدا متوسل شد، و دیگری به عفت و پاکدامنی‌اش از زنا، گرچه كه قدرت انجام آن را داشت، و سومی به امانتداری خود، آنگاه خداوند صخره را از راه آنها دور کرد و از غار بیرون آمدند، این داستان دلیل بزرگی است برای اینکه اعمال صالح از بزرگترین اسباب در حل مشکلات و بیرون رفتن از تنگناها و سلامت ماندن از سختی‌های دنیا و آخرت هستند.

اما توسل جستن به مقام و جایگاه، یا به حق، یا به ذات فلان فرد، از بدعتهای منکر و از وسيله‌هاى شرک است. و کمک خواستن از مرده و به فریاد خواندن او شرک اکبر است.

و اصحاب ن وقتی پیامبر ص زنده بود از او می‌خواستند که برایشان دعا کند و وقتی دچار قحط‌سالی می‌شدند از پیامبر می‌خواستند که برایشان دعا نماید، اما وقتی پیامبر ص وفات نمود دیگر بعد از وفاتش از او چیزی نخواستند، و به سوی قبر او برای طلب شفاعت و غیره نیامدند، چون آنها می‌دانستند که بعد از وفات پیامبر خواستن از او جایز نیست، و این کار فقط در زمان حیات او جایز است، و روز قیامت همه مردم به سوی او می‌روند تا برایشان شفاعت کند، تا خداوند میان آنها فیصله نماید، و از ایشان می‌خواهند تا برایشان شفاعت نماید تا خداوند آنها را به بهشت وارد کند، این هم بعد از آن است که مردم به آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی † مراجعه می‌كنند اما آنها عذر می‌آورند که نمی‌توانند شفاعت کنند، و هر یک از آنها می‌گويد: نفسی، نفسی، نزد کسی دیگر بروید، وقتی نزد عیسی؛ می‌آيند آنها را راهنمایی می‌كند که نزد پیامبر ما محمد ص بیایند، آنگاه مردم نزد ایشان ص می‌آيند و ایشان می‌گويند: (أنا لها، أنا لها) چون خداوند به او وعده داده است، بنابراین پیش خدا به سجده می‌افتد و ستایش‌های زیادی برای او می‌گويد و همچنان در سجده می‌ماند تا آنکه به او گفته می‌شود: سرت را بلند کن و بگو، سخنت گوش داده می‌شود و بخواه خواسته‌ات برآورده می‌شود، و شفاعت کن شفاعتت پذیرفته می‌شود. این حدیث در صحیحین آمده و به حدیث شفاعت مشهور است، و مقام محمود که خداوند به او اشاره نموده همین است، چنان که در سوره اسراء می‌فرمايد: ﮋﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈﮊ [الإسراء: 79]. «و پاسى از شب را (از خواب برخيز، و) قرآن (و نماز) بخوان! اين يك وظيفه اضافى براى توست؛ اميد است پروردگارت تو را به مقامى در خور ستايش برانگيزد».

وصلى الله على نبينا محمد وعلی آله وأصحابه وأتباعه بإحسان وجعلنا الله من أهل شفاعته إنَّه سمیع قریب.

سوال سوم: معنی لا إله إلا الله چیست؟ و مقتضي و شروط آن چه مي‌باشد؟

بسیاری از کسانی که از امت اسلامی به حساب می‌آيند معنی لا إله إلا الله را نمى‌دانند و به خاطر آن در نتیجه کارهایی از آنان سر مى‌زند که با معنی لا إله إلا الله تضاد و منافات دارد، معنی لا إله إلا الله چیست؟و مقتضي و شروط آن چه مي‌باشد؟

پاسخ: تردیدی نیست که این کلمه یعنی لا إله إلا الله اساس دین، و لا إله إلا الله محمد رسول الله اولین رکن از ارکان اسلام است چنانکه در حدیث صحیح از پیامبرص روایت است که فرمود: (اسلام بر اساس پنج چیز بنا شده است: (گواهی دادن به اینکه هیچ معبود به حقی جز الله نیست و اینکه محمد پیغمبر خداست ـ لا إله إلا الله محمد رسول الله ـ و بر پا داشتن نماز، و پرداختن زکات و روزه گرفتن ماه رمضان و حج بیت الله).

و در صحیحین از ابن عباس م روایت است که پیامبر ص وقتی معاذ را به یمن فرستاد به او گفت: (تو نزد قومی از اهل کتاب می‌روی، آنها را ابتدا به این دعوت بده که گواهی بدهند، هیچ معبود به حقی جز الله نیست، و من پیغمبر خدا هستم، اگر در این مورد از تو اطاعت کردند به آنان خبر بده که خداوند در شب و روز پنج نماز بر آنان فرض کرده است، اگر در این مورد از تو اطاعت کردند آنگاه به آنان خبر بده که خداوند صدقه‌ای بر آنان فرض گردانیده که از ثروتمندان آنها گرفته می‌شود و به فقرای آنها بر گردانده می‌شود). متفق علیه.

و احادیث زیادی در این مورد آمده است و لا إله إلا الله یعنی هیچ معبود به حقی جز الله نیست، و این کلمه إله بودن به حق را از غیر خداوند نفی می‌كند، و می‌گويد که إله و معبود به حق فقط خداوند است، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔﮊ [الحج: 62]. «اين بخاطر آن است كه خداوند حق است؛ و آنچه را غير از او مى‏خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است». و می‌فرمايد: ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﮊ [المؤمنون: 117]. «و هر كس معبود ديگرى را با خدا بخواند -و مسلما هيچ دليلى بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ يقينا كافران رستگار نخواهند شد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯽ ﯾ ﯿﮊ [البقرة: 163]. «و خداى شما، خداوند يگانه‏اى است». و می‌فرمايد: ﮋ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠﮊ [البينة: 5]. «و دستوري به آنها داده نشده بود جز اين كه خدا را بپرستند، در حالي كه دين خود را براي او خالص كنند». و آیات زیادی در این مورد آمده است، و این کلمه بزرگ به گوینده‌اش فایده‌ای نمی‌رساند و او را از دایره شرک بیرون نمی‌كند، مگر آنکه معنای آن را بداند، و به آن عمل کند، و آن را تصدیق نماید. منافقین این کلمه را گفتند و با وجود آن، آنها در پایین‌ترین طبقه جهنم هستند، چون آنها به این کلمه ایمان نداشتند و به آن عمل نکردند. و همچنین یهودیان این کلمه را می‌گويند و حال آنکه آنها کافرترین مردم هستند، چون به این کلمه ایمان ندارند، و همینطور قبرپرستان و اولياءپرستان، از كافران این امت این کلمه را می‌گويند اما با کردار و گفتار و عقیده‌شان با آن مخالفت می‌كنند، سپس گفتن این کلمه برای آنان فایده‌ای ندارد، و با گفتن آن مسلمان قرار نمی‌گيرند، چرا كه آنها با اقوال و كردار و عقائدشان با آن مخالفت مي‌كنند.

و یکی از علما شرایط لا إله إلا الله را هشت تا ذکر کرده که آنها را در دو بیت شعر جمع کرده است او می‌گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| علم یقین وإخلاص وصدقك مع |  | محبة وانقیاد والقبول لها |

(علم یقینی و اخلاص و صداقت و محبت و انجام و پذیرفتن آن).

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وزید ثامنها الکفران منك |  | سوی الإله من الأشیاء قد ألها |

و هشتم اینکه به همه معبودانی که به جز خداوند معبود قرار داده شده‌اند کفر بورزی.

در این دو بیت شعر، **شرایط لا إله إلا الله** ذکر شده‌اند.

**اول**: دانستن معنای آن که منافی با جهل است و قبلاً گذشت که لا إله إلا الله یعنی هیچ معبود به حقی جز الله نیست، پس همه معبودانی که مردم علاوه بر خداوند می‌پرستند معبودان باطلی هستند.

**دوم**: یقین که ضد آن شک است، یعنی گوینده لا إله إلا الله باید یقین داشته باشد که معبود به حق الله است.

**سوم**: اخلاص، یعنی بنده همه عبادتها را خاص خداوند بکند، پس اگر عبادتی را برای غیر از خداوند از قبیل پیامبر یا ولی یا بت یا جن یا چیزی دیگر انجام داد به خدا شرک ورزیده، و این شرط را نقض کرده است، بنابراین گفتن لا إله إلا الله برای او فایده‌ای ندارد.

**چهارم**: صداقت، یعنی صادقانه این کلمه را بگوید که آنچه با زبان می‌گويد با قلبش مطابقت داشته، و آنچه در قلبش است نيز با زبانش در مطابقت باشد، پس اگر تنها با زبان آنرا گفت و قلبش به معنای آن باور نداشت گفتن کلمه سودی برای او ندارد، و چون سایر منافقین کافر است.

**پنجم**: محبت، یعنی خداوند عز وجل را دوست بدارد، پس اگر کلمه‌ای را به زبان آورد كه خداوند را دوست نمی‌داشت، کافر می‌شود، و همچون سایر منافقین وارد اسلام نشده است. چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﮊ [آل عمران: 31]. «بگو: اگر خدا را دوست مى‏داريد، از من پيروى كنيد! تا خدا (نيز) شما را دوست بدارد». و می‌فرمايد: ﮋ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮊ [البقرة: 163]. «بعضى از مردم، معبودهايى غير از خداوند براى خود انتخاب مى‏كنند؛ و آنها را همچون خدا دوست مى‏دارند. اما آنها كه ايمان دارند، دوستى‏شان به خدا، (از مشركان نسبت به معبودهاشان،) شديدتر است».

**ششم**: انقیاد و اطاعت از آنچه معنی کلمه بر آن دلالت می‌كند، یعنی فقط خدا را بپرستد و از شریعت او پیروی کند و به آن ایمان بیاورد و معتقد باشد که حق است، پس اگر لا إله إلا الله را گفت اما خدا را پرستش نکرد و از شریعت الهی پیروی نکرد، و از آن سر باز زد مسلمان قرار نمی‌گيرد، همچون ابلیس و غیره.

**هفتم**: پذیرفتن آنچه لا إله إلا الله بر آن دلالت می‌نمايد، یعنی خاص کردن عبادت برای خداوند که لا إله إلا الله بر آن دلالت می‌نمايد را بپذیرد و به آن ملتزم باشد.

**هشتم**: کفر ورزیدن به آنچه علاوه بر خداوند پرستش شوند، یعنی از عبادت غیر الله بیزاری بجوید و معتقد باشد که آن باطل است، چنانکه می‌فرمايد: ﮋ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕﮊ [البقرة: 256]. «كسى كه به طاغوت (بت و شيطان، و هر موجود طغيانگر) كافر شود و به خدا ايمان آورد، به دستگيره محكمى چنگ زده است، كه گسستن براى آن نيست».

و در حدیث صحیح از رسول خدا ص روایت است که فرمود: (هر کسی بگوید لا إله إلا الله و به همه آنچه که علاوه از خدا پرستش می‌شوند کفر بورزد تجاوز به خون و مال او حرام است و حساب او با خداوند است). و در روایتی دیگر می‌فرمايد: (هر کسی خدا را یگانه بداند و به آنچه جز او پرستش می‌شوند کفر بورزد تجاوز به مال و خون او حرام است). مسلم.

پس بر همه مسلمین واجب است که با رعایت شرایط این کلمه را محقق نمایند، و هرگاه مسلمان به معنی کلمه عمل کرد و بر آن پایداری نمود مسلمان است، و خون و مال او مصون است، گرچه تفاصیل این شرایط را نداند چون منظور دانستن حق و عمل کردن به آن است، گرچه مومن شرایط مذکور را به تفصیل نداند.

و طاغوت آن چیزی است که به جز خداوند پرستش می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﰕﮊ [البقرة: 256]. «كسى كه به طاغوت (بت و شيطان، و هر موجود طغيانگر) كافر شود و به خدا ايمان آورد، به دستگيره محكمى چنگ زده است، كه گسستن براى آن نيست». و می‌فرمايد: ﮋ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [النحل: 36]. «ما در هر امتى رسولى برانگيختيم كه: «خداى يكتا را بپرستيد؛ و از طاغوت اجتناب كنيد!». و کسانی که جز خدا پرستش می‌شوند اما خودشان به این امر راضی نیستند همچون پیامبران و صالحان و ملائکه، اینها طاغوت نیستند، و بلکه طاغوت شیطانی است که به عبادت پیامبران و ملائکه و صالحان دعوت می‌كند، و این کار را برای مردم زیبا جلوه می‌دهد. از خداوند می‌خواهیم که مسلمین را از هر بلا و آفتی مصون بدارد. اما فرق اعمالی که با کلمه لا إله إلا الله منافات دارند با اعمالی که با کمال واجب آن منافات دارند این است هر سخن و عملی و عقيده‌اى که صاحب خود را مرتکب شرک اکبر قرار می‌دهد کاملا با معنی لا إله إلا الله تضاد و منافات دارد، کارهایی همچون به فریاد خواندن مرده‌ها و ملائکه و بت‌ها و درختان و سنگ‌ها و ستارگان و غیره، و ذبح کردن برای آنها و نذر و سجده برای آنان.

همه این کارها به طور کامل با توحید منافات دارند، و با این کلمه متضادند، و آن را باطل می‌كنند، و همچنین حلال دانستن آنچه که خداوند حرام کرده است، مثل زنا و شراب و نافرمانی پدر و مادر و ربا خواری، و همچنین اگر کسی چیزی از ضروریات دین همچون وجوب نمازهای پنجگانه و زکات و روزه و نیکی با پدر و مادر و به زبان آوردن شهادتین و امثال آن را انکار کند کار او کاملا با لا إله إلا الله متضاد است.

اما اقوال و کارها و اعتقاداتی که توحید و ایمان را ضعیف می‌كنند و با کمال لازم آن منافات دارند زیادند، برخی عبارتند از: شرک اصغر، همچون ریا کاری، و سوگند خوردن به غیر از خدا، و گفتن اینکه آنچه خدا و فلانی بخواهد، و یا این را گفتن که این از خدا و از فلانی است، و همین طور همه گناهان توحید و ایمان را ضعیف می‌كنند، و با کمال لازم آن منافات دارند، پس باید از همه آنچه که با توحید و ایمان منافات دارد یا از پاداش آن می‌کاهد پرهیز شود و ایمان از دیدگاه اهل سنت و جماعت عبارت است از: قول و عمل كه با طاعت و معصيت كم و زياد می‌شود.

و دلایل زیادی در این مورد هست که علما در کتاب‌های عقیده و کتابهای تفسیر و حدیث توضیح داده‌اند، از آن جمله اینکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﮊ [التوبة: 124]. «و هنگامى كه سوره‏اى نازل مى‏شود، بعضى از آنان (به ديگران) مى‏گويند: «اين سوره، ايمان كدام يك از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:) اما كسانى كه ايمان آورده‏اند، بر ايمانشان افزوده؛ و آنها (به فضل و رحمت الهى) خوشحالند». و می‌فرمايد: ﮋ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﮊ [الأنفال: 2]. «مؤمنان، تنها كسانى هستند كه هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان مي‌گردد؛ و هنگامى كه آيات او بر آنها خوانده مى‏شود، ايمانشان فزونتر مى‏گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توكل دارند». و می‌فرمايد: ﮋ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﮊ [مريم: 76]. «(اما) كسانى كه در راه هدايت گام نهادند، خداوند بر هدايتشان مى‏افزايد».

سوال چهارم: در مورد توحید الوهیت

در عصر حاضر بحث و سخنرانی‌ها و کتاب‌های زیادی در مورد اثبات وجود خدا و ربوبيت او نوشته می‌شود بدون اینکه از آن بر لازم و مقتضای ربوبیت یعنی توحید الوهیت استدلال شود، و چون به توحید الوهیت پرداخته نمی‌شود در نتیجه توحید الوهیت را نمى‌دانند و به آن توجهی نمی‌شود، چه خوب است اگر شما در مورد توحید الوهیت که اساس نجات و نقطه آغاز دعوت پیامبران است و اصلی که چیزهای دیگر بر آن قرار دارند، توضیح دهید.

**پاسخ:** تردیدی نیست که خداوند پیامبران را فرستاده و کتابها را نازل کرده است تا حقی که او بر بندگان دارد را بیان کند، و آنها را به خاص کردن عبادت فقط برای الله فرا بخواند، و آنها را دعوت نمايد تا همه عبادتهای خود را فقط برای الله انجام دهند، زیرا بیشتر مردم روی زمین می‌دانستند که خداوند پروردگار و آفریننده و روزی دهنده آنهاست، و آنها از روی جهالت و تقلید از پدران و نیاکانشان برخی از عبادت‌های خود، یا همه را برای غیر از خداوند انجام می‌دادند، و به خاطر این گرفتار شرک اکبر شدند، چنانکه قوم نوح و دیگر امت‌های بعد از آن و اوایل این امت چنین بودند، و وقتی پیامبر ص آنها را به یگانه دانستن خداوند فرا خواند نپذیرفتند و گفتند: ﮋ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽﮊ [ص: 5]. «آيا او بجاى اينهمه خدايان، خداى واحدى قرار داده؟! اين براستى چيز عجيبى است!». و خداوند در مورد آنها می‌گويد: ﮋ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮊ [الصافات: 35-36]. «چرا كه وقتى به آنها گفته مى‏شد: معبودى بحق جز خدا وجود ندارد، تكبر و سركشى مى‏كردند. و پيوسته مى‏گفتند: آيا ما معبودان خود را بخاطر شاعرى ديوانه رها كنيم؟!». و باز خداوند در مورد آنان می‌گويد: ﮋ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥﮊ [الزخرف: 23]. «ما پدران خود را بر آئينى يافتيم و به آثار آنان اقتدا مى‏كنيم».

و آیات زیادی در این خصوص آمده است، پس بر علمای مسلمین و دعوتگران به سوی هدایت واجب است که برای مردم حقیقت توحید الوهیت را توضیح دهند، و فرق آن با توحید ربوبیت و با توحید اسما و صفات را بیان کنند، چون بسیاری از مسلمین این را نمى‌دانند، چه برسد به آنهایی که مسلمان نیستند، و کافران قریش و دیگر عرب‌ها و اغلب ملت‌ها می‌دانستند که خداوند آفریننده و روزی دهنده آنهاست، بنابراین خداوند از این شناخت آنان علیه آنان دلیل آورد که خداوند مستحق است آن را بپرستند، چون او آفریننده آنهاست، و به آنان روزی می‌دهد و از هر جهت بر آنان قدرت دارد، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵﯶ ﯷ ﯸﮊ [الزخرف: 87]. «و اگر از آنها بپرسى چه كسى آنان را آفريده، قطعا مى‏گويند: خدا؛ پس چگونه از عبادت او منحرف مى‏شوند؟!». و می‌فرمايد: ﮋﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫﮊ [الزمر: 38]. «و اگر از آنها بپرسى: «چه كسى آسمانها و زمين را آفريده؟» حتما مى‏گويند: «خدا!». و خداوند به پيامبرش دستور مي‌دهد كه از آنها بپرسد كيست كه به ايشان رزق و روزي مي‌دهد؟ می‌فرمايد: ﮋﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯﮊ [يونس: 31]. «بگو: چه كسى شما را از آسمان و زمين روزى مى‏دهد؟ يا چه كسى مالك (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه كسى زنده را از مرده، و مرده را از زنده بيرون مى‏آورد؟ و چه كسى امور (جهان) را تدبير مى‏كند؟». خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶﮊ [يونس: 31]. «در پاسخ مى‏گويند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پيشه نمى‏كنيد (و از خدا نمى‏ترسيد)؟!». و آیات زیادی در این مورد آمده که خداوند به آنها می‌گويد وقتی اعتراف می‌کنید که خداوند پروردگار و آفریننده شما و آسمانها و زمین است و به شما روزی می‌دهد و امور را تدبیر می‌نمايد پس چرا توحید الوهیت را انکار می‌کنید، و اینگونه خداوند توحید الوهیت و بطلان پرستش بت‌ها و دیگر چیزهایی که علاوه از خدا می‌پرستند بیان می‌دارد.

و همچنین خداوند به بندگانش فرمان داده است که به اسما و صفات او ایمان بیاورند و او را از مشابهت با خلق منزه و پاک بدانند، و می‌فرمايد: ﮋ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷﮊ [الأعراف: 180]. «و براى خدا، نامهاى نيك است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانيد». و می‌فرمايد: ﮋﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧﯨ ﯩ ﯪ ﯫﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﮊ [الحشر: 22-24]. «او خدائي است كه معبودي بحق جز او نيست، داناي آشكار و نهان است، و او رحمان و رحيم است. او خدائي است كه معبودي جز او نيست، حاكم و مالك اصلي اوست، از هر عيب منزه است، به كسي ستم نمي‌كند، امنيت‌بخش است، و مراقب (همه چيز) است، او قدرتمندي شكست‌ناپذير است كه با ارادۀ نافذ خود هر امري را اصلاح مي‌كند، و شايستۀ عظمت است، خداوند منزه است از آنچه شريك براي او قرار مي‌دهند. او خداوندي است خالق، آفريننده‌اي بي‌سابقه، و صورتگري بي‌نظير، براي او نامهاي نيك است، و آنچه در آسمانها و زمين است تسبيح او مي‌گويند، و او عزيز و حكيم است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﮊ [الإخلاص: 1-4]. «بگو: خدا يكتا و يگانه است. خداوندي است كه همۀ نيازمندان قصد او مي‌كنند. (هرگز) نزاد و زاده نشد. و براي او هيچگاه شبيه و مانندي نبوده است». و می‌فرمايد: ﮋ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠﮊ [البقرة: 22]. «بنابر اين، براى خدا همتايانى قرار ندهيد، در حالى كه مى‏دانيد (هيچ يك از آنها، نه شما را آفريده‏اند، و نه شما را روزى مى‏دهند)». و می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜﭝ ﭞ ﭟﭠ ﭡ ﭢ ﭣﭤ ﭥ ﭦ ﭧﮊ [الشورى: 11]. «او آفريننده آسمانها و زمين است و از جنس شما همسرانى براى شما قرار داد و جفتهايى از چهارپايان آفريد؛ و شما را به اين وسيله (بوسيله همسران)زياد مى‏كند؛ هيچ چيز همانند او نيست و او شنوا و بيناست». و آیات زیادی در این باره آمده است.

و علما رحمهم الله توضیح داده‌اند که توحید ربوبیت مستلزم توحید الوهیت ـ یعنی خاص کردن عبادت برای الله ـ است و بیان كرده‌اند که توحید ربوبیت اعتراف به توحید الوهیت را اقتضا می‌نمايد؛ به همین خاطر خداوند از اقرار به توحید ربوبیت علیه مشرکین دلیل آورد که باید توحید الوهیت را بپذیرند.

و همچنین توحید اسما و صفات اقتضا می‌كند که عبادت باید فقط و تنها برای خدا انجام شود، چون خداوند در اسما و صفات و در ذاتش کامل است و او به بندگانش انعام کرده است، پس او مستحق است که بندگان او را بپرستند و از فرامین او اطاعت نماید و از آنچه نهی کرده بپرهیزند، و هر کسی توحید الوهیت را بداند و به آن عمل کند و بر آن استقامت نماید در ضمن آن دو نوع دیگر توحید نیز تحقق می‌یابند. و علما این معنی را در کتاب‌های عقیده و تفسیر همچون تفسیر ابن جریر و ابن کثیر و بغوی و غیره و کتاب السنه، عبدالله بن امام احمد و کتاب التوحید ابن خزیمه به تفصیل بیان كرده‌اند، و علامه عثمان بن سعد دارمی در کتاب‌های خود در رد بشر مریسی سخن گفته است، و در این زمینه شیخ الاسلام ابن تیمیه و شاگردش علامه ابن قیم رحمهما الله نیز در کتاب‌هایشان در این مورد بسیار زیبا بحث كرده‌اند.

و همچنین ائمه دعوت اسلامی در قرن دوازدهم و بعد از آن همچون شیخ امام محمد بن عبدالوهاب : و فرزندان و شاگردانش و پیروانش از اهل سنت در این مورد نوشته‌اند.

از جمله بهترین کتاب‌هایی که در این مورد تالیف شده کتاب (فتح المجید) است که اصل آن (تیسیر العزیز الحمید) است، و کتاب فتح المجید را شیخ عبد الرحمن بن حسن: تالیف کرده، و دومی تالیف شیخ سلیمان بن عبدالله آل شیخ است. و از جمله بهترین مطالبی است که در این مورد جمع‌آوری شده است، بخش‌های اول کتاب (الدرر السنیة) است که شیخ علامه عبدالرحمن بن قاسم در آن، فتاوای ائمه دعوت از آل شیخ و دیگر علمای قرن دوازدهم و بعد از آن را در مورد عقیده و احکام جمع‌آوری کرده است، بنابراین توصیه می‌کنم این کتاب و دیگر کتاب‌های علمای اهل سنت را مطالعه کنید زیرا بسیار سودمندند.

از آن جمله، مجموعه رسائل ائمه دعوت از آل شیخ و دیگران رحمهم الله مفید است، و ردهایی که شیخ عبدالرحمن بن حسن و شیخ عبداللطیف بن عبدالرحمن و شیخ عبدالله بن ابابطین و شیخ سلیمان بن سحمان و دیگر ائمه هدایت و یاوران توحید نوشته‌اند را مطالعه نمایید زیرا بسیاری از شبهات در آن پاسخ داده شده‌اند. رحمت خداوند بر این بزرگان باد.

و همچنین مجله البحوث الإسلامیة که از سوی اداره کل پژوهش علمی و افتا و دعوت و ارشاد منتشر می‌شود نیز در خصوص عقیده مفید است، چون در آن مقالات مهم و مطالب سودمندی در مورد عقیده و احکام نوشته شده است، و در جلد اول فتاوی و مقالاتی که در مورد عقیده نوشته‌ام و الحمد لله چاپ شده و در دسترس طلاب علم قرار دارد این مطالب موجودند([[8]](#footnote-8)).

سوال پنجم: لطفاً در مورد وابسته شدن به اولیا و عبادت آنها توضیح دهید

پاسخ: اولیا مؤمنان هستند، و آنها پیامبران و پیروانشان می‌باشند و افراد با تقوا و با ایمان اولیا هستند، کسانی که از خدا و رسول اطاعت می‌كنند همه اینها خواه عرب باشند خواه عجم، و چه سیاه و چه سفید، و چه فقیر و چه ثروتمند، و خواه حاکم باشند و یا رعیت، مرد باشند یا زن، همه اولیا هستند، چون که خداوند می‌فرمايد: ﮋﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟﮊ [الفرقان: 62-63]. «آگاه باشيد (دوستان و) اولياى خدا، نه ترسى دارند و نه غمگين مى‏شوند. همانها كه ايمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهيز مى‏كردند».

پس اینها اولیای خدا هستند که از خدا و پیامبرش اطاعت نموده و از خشم و ناراضی او پرهیز كرده‌اند و حق خدا را ادا کرده و از آنچه از آن نهی شده‌اند پرهیز كرده‌اند، پس اینها اولیا خدا هستند، و خداوند در این آیه آنها را نام برده که: ﮋ ﭛ ﭜ ﭝﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﮊ [الأنفال: 34]. «در حالى كه سرپرست آن نيستند؟! سرپرست آن، فقط پرهيزگارانند؛ ولى بيشتر آنها نمى‏دانند».

و شعبده‌بازان و کسانی که ادعای خوارق شیطانی و کرامت‌های دروغین می‌كنند اولیا نیستند، و بلکه اولیا تنها کسانی هستند که به خدا و پیغمبرش ایمان دارند، و از فرمان خدا و پیامبر اطاعت می‌كنند، خواه کرامت داشته باشند، یا به کرامت دست نیابند.

و اصحاب پیامبر ص از همه مردم پرهیزگارتر بوده‌اند، و بعد از پیامبران از همه مردم افضل هستند، اما برای بیشتر آنها امور خارق‌العاده که کرامات نامیده است، چون آنها ایمان و پرهیزگاری داشته‌اند و دین خدا و خداوند را می‌دانسته‌اند، از این رو خداوند آنها را از کرامت‌ها بی‌نیاز کرده است، و خداوند در حق ملائکه چنين می‌فرمايد: ﮋ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮊ [الأنبياء: 27-29]. «هرگز در سخن بر او پيشى نمى‏گيرند؛ و (پيوسته) به فرمان او عمل مى‏كنند. او اعمال امروز و آينده و اعمال گذشته آنها را مى‏داند؛ و آنها جز براى كسى كه خدا راضى (به شفاعت براى او) است شفاعت نمى‏كنند؛ و از ترس او بيمناكند. و هر كس از آنها بگويد: من جز خدا، معبودى ديگرم‏، كيفر او را جهنم مى‏دهيم! و ستمگران را اين گونه كيفر خواهيم داد».

پس برای هیچ کسی جایز نیست که پیامبران یا ملائکه یا دیگر اولیا را پرستش کند، و نباید برای آنها شفای بیماران و پیروزی بر دشمنان طلب شود، و همچنین هیچ چیزی از انواع عبادت نباید برایشان انجام شود؛ چنان که خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [الجن: 18]. «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد». و می‌فرمايد: ﮋ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜﮊ [الإسراء: 23]. «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستيد!».

و همچنین طواف پیرامون قبرها جایز نیست، چون طواف مختص کعبه مشرفه است، و طواف کردن چیزی دیگر غیر از کعبه جایز نیست، و هر کس با طواف قبرها به صاحبان قبر تقرّب بجوید شرک ورزیده است، همانطور که اگر برای آنها نماز بخواند، یا از آنها کمک بجوید، یا برایشان ذبح کند شرک ورزیده است، چون خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﮊ [الأنعام: 162-163]. «بگو: «نماز و قربانى‏ام (تمام عبادات من)، و زندگى و مرگ من، همه براى خداوند پروردگار جهانيان است. همتايى براى او نيست؛ و به همين مامور شده‏ام؛ و من نخستين مسلمانم!». اما کمک خواستن از فرد زنده برای کاری که مى‌تواند انجام دهد شرک نیست، بلکه جایز است، چنانکه خداوند متعال در داستان موسی؛ می‌گويد: ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﮊ [القصص: 15]. «آن كه از پيروان او بود در برابر دشمنش از وى تقاضاى كمك نمود».

چون که خداوند به طور عام و کلی می‌فرمايد: ﮋ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﮊ [المائدة: 2]. «و با هم در راه خير و تقوى تعاون كنيد! و (هرگز) در راه گناه و تعدى همكارى ننماييد».

و پیامبر ص می‌فرمايد: (خداوند بنده را کمک می‌كند تا وقتی بنده برادرش را کمک نماید). و آیات و احادیث زیادی در این مورد آمده است و مسلمین بر این اجماع دارند.

سوال ششم: بدون استفاده از وسيله‌هاى حمل و نقل

می‌گويند بعضی افراد بدون استفاده از وسيله‌هاى حمل و نقل حج می‌كنند، و می‌گويند آنها در تشییع جنازه در مکه شرکت می‌كنند، و حال آنکه آنها در اصل در منطقه بسیار دوری از مکه هستند، آیا باد آنها را جا به جا می‌كند؟ لطفا راهنمایی کنید.

**پاسخ:** این چیزها اساسی در شریعت مطهر ندارند، و خرافات پوچی هستند که بعضی مردم می‌گويند، و گاهی برخی از صوفی‌ها که ادعا می‌كنند دارای کراماتی هستند و بوسیله آن مى‌توانند بدون استفاده از ماشین و هواپیما و غیره به مکه برسند، چنین ادعاهایی می‌كنند، اما آنها دروغ می‌گويند، و بعضی ممکن است با جن‌ها ارتباط داشته باشند، و جن‌ها را پرستش کنند، از این رو جن‌ها او را به مکه و دیگر جاهها می‌برند چنانکه شیخ الاسلام ابوالعباس ابن تیمیه : و دیگر علما گفته‌اند.

خلاصه اینکه یا چنین خبرهایی خرافاتی هستند که برخی از صوفیان و امثالشان که ادعای کرامت می‌كنند به دروغ چنین خبرهایی را می‌گويند، و یا اینکه شیطان پرستانی باشند که شیاطین آنها را از جایی به جایی می‌برند چون آنها شیطان‌ها را عبادت كرده‌اند و از آنها پیروی كرده‌اند آنها هم در مقابل آنان را از جایی به جایی می‌برند([[9]](#footnote-9)).

سوال هفتم: آیا درود فاتح همان درود بر پیامبر است یا نه؟

در منطقه بسیاری از مردم پیرو طریقه تیجانی هستند و من در برنامه رادیویی شما (نور علی الدرب) شنیدم که این طریقه بدعت است و پیروی از آن جایز نیست، اما خانواده‌ام ورد و دعای شیخ احمد تیجانی را با خود دارند، و آن صلاة الفاتح همان درود بر پیامبرص است، پس آیا درود فاتح همان درود بر پیامبر است یا نه؟ و آنها می‌گويند هر کسی که صلاة الفاتح را می‌خواند، اگر آن را ترک کند کافر می‌شود، و می‌گويند وقتی تو این را با خود نداشته‌ای اگر آن را ترک کنی اشکالی ندارد، اما اگر آن را با خود داشته و می‌خوانده‌ای اگر آنرا ترک کنی کافر می‌شوی و من به پدر و مادرم گفتم که این جایز نیست، آنها به من گفتند: تو وهابی هستی و به من ناسزا گفتند. لطفا راهنمایی کنید.

**پاسخ:** تردیدی نیست که طریقه تیجانی بدعت است و برای مسلمین جایز نیست که از طریقه‌های ایجاد شده و بدعت پیروی کنند، نه تیجانی نه دیگر طریقه‌ها، بلکه بر آنها واجب است که از آنچه پیامبر ص آورده پیروی کنند و به آن تمسک جویند. چون خداوند متعال می‌فرمايد: و می‌فرمايد: ﮋ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﮊ [آل عمران: 31]. «بگو: «اگر خدا را دوست مى‏داريد، از من پيروى كنيد! تا خدا (نيز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮ ﭯﮊ [الأعراف: 3]. «از چيزى كه از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پيروى كنيد! و از اوليا و معبودهاى ديگر جز او، پيروى نكنيد! اما كمتر متذكر مى‏شويد». و می‌فرمايد: ﮋﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯﮊ [الحشر: 7]. «آنچه را رسول خدا براي شما آورده بگيريد (و اجرا كنيد) و آنچه نهي كرده خوداري نمائيد، و از (مخالفت) خدا بپرهيزيد كه خداوند كيفرش شديد است».

و می‌فرمايد: ﮋ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮊ [الأنعام: 153]. «اين راه مستقيم من است، از آن پيروى كنيد! و از راه‏هاى پراكنده (و انحرافى) پيروى نكنيد، كه شما را از طريق حق، دور مى‏سازد! اين چيزى است كه خداوند شما را به آن سفارش مى‏كند، شايد پرهيزگارى پيشه كنيد».

و راهها و هواپرستی‌ها و شبهات و شهوات هستند، پس خداوند بر ما واجب گردانیده که از صراط مستقیم او اطاعت کنیم، و قرآن کریم و سنت صحیح پیامبرص بر همین دلالت می‌نمايد، و این راهی است که باید از آن پیروی کرد. اما طریقه تیجانیه یا شاذلیه یا قادریه یا دیگر طریقه‌های که مردم ایجاد كرده‌اند پیروی کردن از آن جایز نیست، مگر در قسمتی که با شریعت موافق باشد، و آن هم به خاطر آن است که با شریعت توافق دارند، نه اینکه از فلان طریقه است، چون که خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿﮊ [الأحزاب: 21]. «مسلما براى شما در زندگى رسول خدا سرمشق نيكويى بود، براى آنها كه اميد به رحمت خدا و روز رستاخيز دارند و خدا را بسيار ياد مى‏كنند». و در آيه ديگر خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [التوبة: 100]. «پيشگامان نخستين از مهاجرين و انصار، و كسانى كه به نيكى از آنها پيروى كردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نيز) از او خشنود شدند؛ و باغهايى از بهشت براى آنان فراهم ساخته، كه نهرها از زير درختانش جارى است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و اين است پيروزى بزرگ». و پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کس در امر ما چیزی تازه‌ای ایجاد کند، مردود است). و می‌فرمايد: (هر کس کاری کند که دستور ما بر آن نیست، مردود است). مسلم.

و پیامبر ص در خطبه جمعه می‌فرمود: (اما بعد: بهترین حدیث کتاب خداست، و بهترین رهنمود، رهنمود محمد ص و بدترین چیزها بدعت‌های تازه ایجاد شده هستند، و هر چیز تازه ایجاد شده‌ای بدعت است، و هر بدعتی گمراهی است). مسلم از جابر بن عبدالله م روایت می‌كند.

و احادیث زیادی در این مورد آمده است.

و صلاة الفاتح همان درود فرستادن بر پیامبر است، چنان که گفته‌اند اما کلماتی که در آن آمده از پیامبر ص روایت نشده است، در آن می‌گويند: اللهم صل وسلم علی سیدنا ونبینا محمد الفاتح لما أغلق والخاتم لما سبق، والناصر الحق بالحق، این کلمات در احادیث صحیحی که در آن کیفیت درود فرستادن بر پیامبر بیان شده نیآمده‌اند، پس امت اسلامی باید با کلمات و الفاظی بر ایشان ص درود بفرستد که خود پیامبر به آنها آموخته است، نه با کلماتی که خود ایجاد كرده‌اند. چنانکه در صحیحین از کعب بن عجره روایت است که صحابه ن گفتند: ای رسول خدا، خداوند به ما فرمان داد که بر تو درود بفرستیم، چگونه بر تو درود بفرستیم؟ پیامبر ص فرمود: (بگویید: اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

و همچنین در صحیح بخاری و مسلم از ابی حمید ساعدی روایت است که می‌گويد: پیامبر ص فرمود: بگویید: (اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ، وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ). و در حدیثی دیگر مسلم از ابی مسعود انصاری روایت می‌كند که پیامبر ص فرمود: (بگویید: اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ).

این احادیث و آنچه به همین معنا آمده کیفیت درود فرستادن امت بر پیامبر را که خود پیامبر آن را پسندیده بیان كرده‌اند.

و اما صلاة الفاتح گر چه در کل معنای آن درست است، اما بکار بردن آن و اعراض از آنچه در حدیث صحیح در مورد درود فرستادن بر پیامبر ص آمده مناسب و سزاوار نیست، به اضافه اینکه کلمه (الفاتح لما أُغلق) كلمه‌اي است مجمل، و ممکن است از سوی برخی از هواپرستان به صورت نادرستی تفسیر شود([[10]](#footnote-10)).

سوال هشتم: در مورد پیری در سودان

در سودان پیری است كه پيروان زیادی دارد که با جان فدایی به او خدمت و از او اطاعت می‌كنند، و به سوی او سفر می‌كنند، و معقدند او از اولیای خداوند است، و طریقه سمانیه را از او می‌گيرند، و بر قبر پدرش گنبد بزرگی ساخته شده که پیروانش به او تبرک می‌جویند، و نذرهای خود را در آن می‌گذراند، و به هنگام ذکر، طبل می‌زنند و شعر می‌خوانند، و در این سال شیخ آنها آنان را فرمان داده تا به زیارت قبر شیخ دیگری بروند، و آنها مرد و زن با یکصد ماشین به سوی آن قبر سفر کردند، توجیه به اینها چیست؟

**پاسخ:** این منکری بزرگ و شر عظیمی است، سفر برای زیارت قبرها منکر و ناجایز است، پیامبرص می‌فرمايد: (رخت سفر بسته نمی‌شود مگر به سوی سه مسجد؛ مسجدالحرام ومسجد من و مسجدالاقصی). و تقرب جستن به صاحبان قبرها، با نذر و ذبح و نماز و به فریاد خواندن آنها و کمک خواستن از آنها همه شرک به خداوند است، پس برای هیچ مسلمانی جایز نیست که صاحب قبری را به فریاد بخواند، گرچه صاحب قبر شخص بزرگی همچون پیامبران باشد، و همچنین کمک خواستن از قبرها جایز نیست، همانطور که کمک خواستن از بت‌ها و درختان و ستاره‌ها جایز نیست. اما اینکه طبل می‌زنند و بازی می‌كنند و با اینکار به خدا تقرب می‌جویند باید گفت که اینکار از بدعت‌های منکر است، و بسیاری از صوفی‌ها این را به عنوان منکر انجام می‌دهند، پس همه اینها منکر و بدعت می‌باشند، و از چیزهایی نیستند که خداوند مشروع کرده باشد، و فقط زنان می‌توانند در عروسی‌ها دف بزنند تا نکاح اعلام شود.

و همچنین ساخت و ساز بر قبرها و مسجد قرار دادن آن بدعت و از وسایل شرک است، چون پیامبر ص از گچکاری قبرها و ساخت و ساز بر آن و نشستن بر آن نهی کرده است، چنان که امام مسلم در صحیح خود از جابر بن عبدالله روایت می‌كند که گفت: (پیامبر ص از گچکاری قبرها و نشستن بر آن و از اینکه بر آن ساخت و ساز شود نهی کرد). و پیامبر ص فرمود: (لعنت خدا بر یهود و نصارا باد که آنها قبور پیامبرانشان را مسجد قرار دادند).

بنابراین باید هیچ چیزی روی قبرها ساخته نشود، و تبرک جستن به آن و دست کشیدن به آن جایز نیست، و به فریاد خواندن صاحبان قبر و کمک خواستن از آنها جایز نیست، و نذر کردن برای آنها و ذبح کردن برای آنها جایز نیست، و همه این کارها از اعمال جاهلیت می‌باشند.

بنابراین مسلمین باید از این کارها پرهیز کنند، و بر علما واجب است این شیخ را نصیحت کنند و به او بگویند این کار باطل و منکر است، و تشویق کردن او مردم را به کمک خواستن از مرده‌ها و به فریاد خواندن آنها شرک اکبر است، و مسلمانان نباید از این فرد تقلید و پیروی کنند، و همچنین نباید فریب او را بخورند، چون عبادت تنها حق خداوند است و اوست که به فریاد خوانده می‌شود، و به او امید بسته می‌شود، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾﮊ [الجن: 18]. «مساجد از آنِ خداست، پس هيچ كس را با خدا نخوانيد». و می‌فرمايد: ﮋ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷﮊ [المؤمنون: 117]. «و هر كس معبود ديگرى را با خدا بخواند -و مسلما هيچ دليلى بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ يقينا كافران رستگار نخواهند شد ».خداوند آنها را به خاطر بفریاد خواندن جن‌ها و ملائکه و صاحبان قبور و ستارگان و یا بت‌ها کافر نامیده است، و به فریاد خواندن همه اینها همراه با خدا، شرک اکبر است، خداوند متعال می‌فرمايد: ﮋ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌﮊ [يونس: 106]. «و جز خدا، چيزى را كه نه سودى به تو مى‏رساند و نه زيانى مخوان». و همه کسانی که می‌توانند با این منکر مخالفت نمایند، باید در انکار و رد آن مشارکت کنند، و حکومت اگر اسلامی است باید از این کار جلوگیری نماید، و به مردم آنچه خداوند برایشان مقرر نموده و بر آنها واجب کرده را بیاموزد، تا شرک و این منکر از بین برود. از خداوند مسئلت می‌نمایم که همه را هدایت کند([[11]](#footnote-11)).

سوال نهم: آیا قرآن خواندن برای مرده در کنار قبرش یا جای دیگر به مرده فایده‌ای می‌رساند؟

در روستای ما بعضی از مردم مجموعه از ملاهایی را که قرآن خواندن بلد هستند جمع می‌كنند، و برای مرده قرآن می‌خوانند و بعضی یک یا دو ملا را فرا می‌خوانند تا در کنار قبر مرده‌شان قرآن بخوانند، و بعضی جلسه بزرگ می‌گيرند و یکی از قاریان مشهور را در آن دعوت می‌كنند تا پشت بلندگو قرآن بخواند، و اینگونه ياد و سالگرد وفات عزیز از دست رفته خود را زنده نگه مي‌دارند، حکم دین در این مورد چیست؟

و آیا قرآن خواندن برای مرده در کنار قبرش یا جای دیگر به مرده فایده‌ای می‌رساند؟ و بهترین راه برای رساندن فایده به مرده چیست؟ لطفا ما را راهنمایی کنید. وجزاکم الله خیراً.

**پاسخ:** الحمد لله، و بعد: این کار بدعت و ناجایز است، چون پیامبر ص می‌فرمايد: (هر کسی در دین ما چیزی ایجاد کند که از آن نیست، آن چیز مردود است).

و می‌فرمايد: (هر کسی کاری کند که امر ما بر آن نیست، مردود است). مسلم.

و احادیث زیادی در این مورد آمده است.

و سنت پیامبر ص و سنت خلفای راشدین این نبوده است که بر قبرها قرآن بخوانند، و یا سالگرد وفاتشان را جشن بگیرند، و بدانید که خیر در پیروی از پیامبر و خلفای راشدین و پیروان آنهاست، چنانکه خداوند می‌فرمايد: ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦﭧ ﭨ ﭩ ﭪﮊ [التوبة: 100]. «پيشگامان نخستين از مهاجرين و انصار، و كسانى كه به نيكى از آنها پيروى كردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نيز) از او خشنود شدند؛ و باغهايى از بهشت براى آنان فراهم ساخته، كه نهرها از زير درختانش جارى است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و اين است پيروزى بزرگ». و پیامبر ص می‌فرمايد: (پیروی از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته بعد از من برای خود لازم بگیرید، و به آن تمسک جویید، و با دندان به آن چنگ زنید، و از چیزهای تازه ایجاد شده بپرهیزید، به راستی که هر چیز تازه ایجاد شده‌ای بدعت است، و هر بدعتی گمراهی است).

و در حدیث صحیح روایت شده که پیامبر ص در خطبه روز جمعه خود می‌گفت: (اما بعد، بهترین سخن کتاب خداست، و بهترین رهنمود، رهنمود رسول اللهص است، و بدترین چیزها بدعتها هستند، و هر بدعتی گمراهی است). و احادیث زیادی در این موضوع آمده است و پیامبر ص چیزهایی را که بعد از مرگ به مرده فایده می‌رسانند بیان کرده است، بنابراین می‌فرمايد: (وقتی انسان بمیرد عمل او قطع می‌گردد مگر سه چیز: صدقه جاریه، عملی که از آن استفاده می‌شود، و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند). مسلم.

و مردی از پیامبر ص پرسید آیا بعد از مرگ پدر و مادرم می‌توانم باز هم به آنها نیکی کنم؟ فرمود: (بله، برایشان دعا کن، و از خداوند برای آنها طلب آمرزش نما، و به پیمان آنها بعد از آنها وفا کن، و دوستانشان را گرامی بدار، و پیوند خویشاوندی را با آنها گرامی بدار). و منظور از پیمان وصیتی است که مرده به آن توصیه می‌نمايد، اجرای وصیت اگر مطابق شریعت باشد از نیکی به پدر مادر است. صدقه دادن برای آنها و دعا کردن برایشان و حج و عمره به جای آنها از نیکی به پدر و مادر است. والله ولی التوفیق([[12]](#footnote-12)).

ولله الحمد والشکر تمت الترجمة. 29/7/ 2007م.

1. - مجموع الفتاوی: 1/13- 27. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مجموع الفتاوی: 1/149، 177. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مجموع الفتاوی: 1/ 178- 200. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مجموع الفتاوی: 3/274- 281. [↑](#footnote-ref-4)
5. - مجموع الفتاوی: 1/433-436. [↑](#footnote-ref-5)
6. - مجموع الفتاوی: ج 8، ص 326- 327. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مجموع الفتاوی: 8/196 – 201. [↑](#footnote-ref-7)
8. - مجموع الفتاوی: 7/ 45 – 66. [↑](#footnote-ref-8)
9. - مجموع الفتاوی: 6/ 413 – 415. [↑](#footnote-ref-9)
10. - مجموع الفتاوی: 6/ 419 – 422. [↑](#footnote-ref-10)
11. - مجموع الفتاوی: 6/417 – 418. [↑](#footnote-ref-11)
12. - مجموع الفتاوی: 9/ 319 – 320. [↑](#footnote-ref-12)